احداث کارخانه ذوب آهن ایران

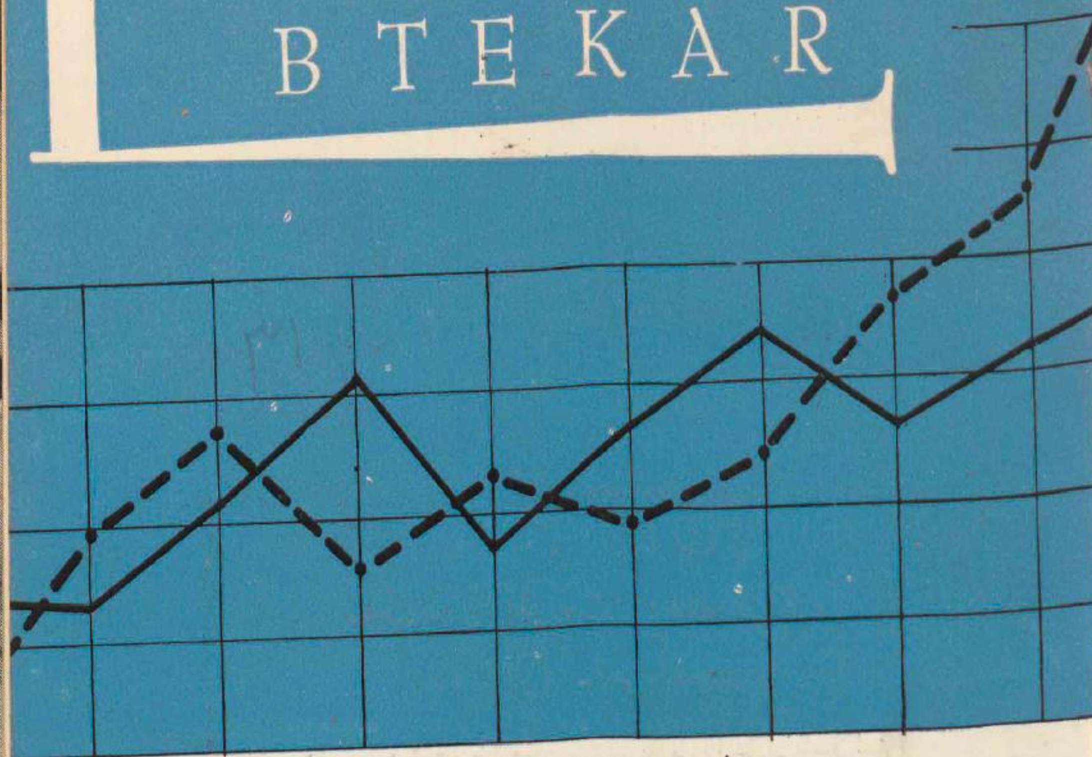
طبیعت

ماهانه

ابتکار

EBTEKAR





شماره یکم - یکم شهریورماه ۱۳۴۴

فهرست مقالات :

مجله ماهانه ابتکار

صاحب امتیاز ومدیر مسئول : محمدعلی کرد

باهمکاری : غلامرضا سعیدی

محل اداره : خیابان منوچهری ـ مقابل ژاندارک پاساژ لعل

تلفن: ۳۰۴۰۱۵

تك شماره ۱۵ ریال

اشتراك سالانه ۱۵۰ریال



یادی از ۲۸ مرداد

روز ۲۸ مرداد مصادف با روز تاریخی و انقلاب بزرگ ملت ایـران است. ملت ایران که از تعدیات اجانب وعمال داخلی آنها بجان آمده بود درچنین روزی قیام کرد و برهبری شاهنشاه خود طومارهستی بدخواهان ودشمنان ملك وملت را یکباره درهم پیچید . در روزهای قبل از ۲۸ مرداد اقتصادکشور رو بورشکستگ قطعی بود،درآمدهای نفت قطع شده بود وحتی برای پرداخت حقوق کارمندان دولت پولی درخزانه نبود. اوضاع آشفته روزبخش خصوصی را هم ازکوشش وتلاش باز داشته بودبازار، مؤسسات صنعتی وبانکی با رکود سخت ونگران کننده ای مواجه شده بودند. وازجهت سیاسی اوضاع چنان خراب بود که برای وطندوستان و وطن پرستان مجال هیچگونه فعالیت برای دگرگون کردن اوضاع نبود. درچنین روزهائی بودکه ملت ایران درباره سرنوشت نهایی خود تصمیم گرفت وبا یك قیام ناگهانی مخربین و مزدوران خارجی را بجای خود نشاند .

ما این روز تاریخی راکه درتاریخ ششهزار ساله ما یك روز فراموش نشدنی است بملت ایران وبشاهنشاه عظیم الشأن ایران تبریك میگوئیم .

محمدعلی ـ کرد

برنامه ما

خواننده عزیز!

بیان واعلان برنامه کار - در انتشار مجله‌یی که اینك مطالعه میکنید- برای ما کاردشواری بود. آسان بود بگوئیم که هدف توسعه فکر اقتصادی و کمك بایجاد نوعی « افکار عمومی اقتصادی » است لکن دراین کار پیشقدمانی بوده‌اند واین هدف و برنامه تازه‌یی نبود. آیا جای یك نشریه علمی اقتصادی خالی بود تا با انتشار « ابتکار ماهانه » این خلاء را پرکنیم؟ وبالاتر از آن این کار واقعاً در خور توانایی ما می‌بود؟ جواب دو پرسش اخیر- اگر بدقت داده شود - چیزی است که « برنامه ما» را تشکیل میدهد.

آیا جای یك نشریه علمی اقتصادی در ادبیات اجتماعی ما خالی است؟- خوشبختانه نه ، بدنبال ایجاد مؤسسه تحقیقات اقتصادی در دانشگاه تهران وانتشار مجله « تحقیقات اقتصادی » دیگر نمی‌توان دراین زمینه از خلاء مطلقی سخن گفت ، لکن اگر « تحقیقات اقتصادی » بواقع یك سند معتبر اقتصادی است نمیتوان انکار کرد که فواصل انتشار آن چنانست که متأسفانه بعضاً از « مسایل روز » اقتصاد ایران دور میماند - هرچند یك نشریه تحقیقی لزوماً نباید مسایل روز را تعقیب کند. بنابراین جای مجله‌یی که درفواصل کوتاه تری انتشار یافته و ضمن طرح مسایل علمی و نظری اقتصاد ازحوادث ورویدادهای روز عقب نماند خالی میبود و«ماهنامه» ابتکار درکار آنست چنین وظیفه‌یی را انجام دهد .

آیا این کار درخور توانایی ما است؟ ما عوامل و موجبات «داخلی» انتشارمجله‌یی را با اوصافی که اشاره کردیم داریم : تصمیم، هدف، برنامه وپشتکار. قسمتی از عوامل«خارجی» آن نیز دراختیار ما است:صاحبنظرانی که قول داده‌اند باما صمیمانه همکاری کنند و میکنند، لکن آنچه در اجرای کامل وهمه جانبه این برنامه بسیار مهم است همکاری دایم، ایمان واعتماد همکاران ما است بکار خودشان وبکار ما، چه بسیار آسان است انتشار مجله‌یی در ۵۰ تا ۶۰ صفحه اگر هدف عرضه فکر تازه - طرح مسأله تازه و نشان دادن راه تازه نباشد.

برنامه ما اجمالا چنین است، وعده‌یی که میتوانیم در نخستین سخن بخوانندگان خود بدهیم اینست که هدف ما تحصیل سود و به عبارت فارسی‌تر «کاسبی» نیست- درکشورما امکانات ووسایل فعالیت مادی وانتفاعی چنان فراوان ومتنوع است که بحق نباید فعالیت مطبوعاتی را وسیله‌یی برای آن قرارداد. اگرچه برای انتشار بموقع ومرتب مجله خود آگهی میپذیریم ولی دراین کار تا آنجا نخواهیم رفت که هدف نهایی فراموش شود .

نوشته : دکتر ا. ك. س. لمتون
ترجمه : دکتر منوچهر تهرانی

این نوشته بصورت گفتاری در یك کنفرانس بین المللی عرضه شده است

رشد روستایی و اصلاح ارضی در ایران

بیشتر شما در اینجا متخصصان کشاورزی هستید وبیشتر سخنرانیها و خطابه هایی‌که بدانها توجه میکنیم بامسائل فنی واقتصادی سروکاردارد. تقاضا میکنم مرا ازاین‌که دراین سخنرانی میکوشم تامسألهٔ اصلاح ارضی و توسعهٔ روستایی ایران‌را در مجموعهٔ تاریخی آن عرضه کنم و با اختصار بسیار زمینهٔ برخی از مسائل را بشکافم عفو بفرمایید. برخی‌ازاین مسائل حاصل قرنهای متمادی تحول ودگرگونی بوده وبعضی نتیجهٔ ورود « تکنیك »های‌نوی ازجامعه‌ای دیگر و بیگانه است. وناگزیر گامهایی‌که در راه مقابله بااین مسائل برداشته میشود تاحدی مقیدومحدود به‌گذشته است. بدین علت شاید مفید باشداگر من به‌گفتگودرباره عواملی بپردازم‌که در تعیین وترسیم خطوط تحول جامعهٔ ایرانی سهمی داشته اند.

نقشه‌های اصلاح درخلاء آفریده نمیشود ومصلحان ناچارند ازیك سوبا اوضاعی‌روبرو شوندکه مقید ومحدود بشرایط دوران‌گذشته است واز دیگر سوبامنابع انسانی ومادی موجود بسازند. اینان را خردمند نباید شمرد اگر وضع را مطلقاً سیاه ببینندیاسفید ویاتصور کنند گروهی درداخل جامعه « خوب » وگروه دیگری « بد » است.

وضعی‌که من بر آنم تابدان بپردازم وضعی فوق‌العاده پیچیده است وازاین روی ومصراً ازشما استدعا دارم که ازتعمیمها و نیمه حقیقتها اجتناب بورزید. در اوضاع و شرایط طبیعی قسمتهای مختلف ایران تنوع بسیار زیادی وجود دارد که درسازمان دهکده‌های هرمحل ودر مؤسساتی که وابسته به زمین وکشاورزی است اثرمیگذارد. ازآن شدیدتر تنوعی است‌که در آداب و عادات گروههای مختلف جمعیت به چشم می‌خورد. علی رغم تشابه ظاهری و سطحی بـا یك بررسی، می‌توان دریافت کـه مثلا دهکـده ای در اصفهان بـا دهکده‌ای در یزد و این دومی بادهکده‌ای درفارس تفاوت دارد و قس علی ذلك. بهمان طریق ، آداب و عادات قبایل نیز توفیرمیکند : کردها ازلرها، لرها از بویر احمدیها، بویراحمدیها ازقشقائی‌هاوقشقائیها از باصریها .... متمایزند. معنی این گفته آن است که هیچ نقشه و طرح واحدی‌رااحتمال آن نیست که مناسب تمام موارد باشد.

ضمناً ، دراین رهگذر مایلم تذکردهم که جمعیت روستایی ایران خواه ساکن ومستقر

(Settled)وخواه نیمه‌ساکن و نیمه‌مستقر (Semi-Settled)، بطور کلی «بدوی» (primitive)
نیست. اینان غالب اوقات درشرایط بسیار ابتدائی بسرمیبرند وسطح زندگی پایینی دارند اما
از نوعی هوش ذاتی برخوردارند واز نظری ، وارثان رسوم مدنی پردرنگی هستند. بدین
سبب و برخلاف آنچه درنظر اول ممکن است به‌ذهن خطور کند، ایجادیك طبقه روستانشین
مستقل ومتکی به خود ، که بنا بر آنچه فکرمی‌کنم قاعدتاً بایستی هدف توسعهٔ روستایی باشد،
چندان عمل دشواری نیست.

باوجود همهٔ تنوعها دربرخی زمینه ها وبه‌ویژه در نظام زمین داری، در مدت هزاران
سال تداوم شگفت انگیزی وجود داشته است. در طول تمام این مدت گرچه بستگی شدیدی
میان نظام درآمد ارضی وواگذاری زمین از یك‌طرف وتحمیل هزینهٔ سپاهیان برزمین‌ازطرف
دیگر وجودداشته است، لیکن نظام ارضی اساساً نظامی« بوروکراتیك» بوده است نه‌فئودال.
بطور کلی گفته باشیم نظام « فئودالی » اروپای‌باختری از نیاز به‌حفاظت نشأة‌گرفته بود، اما
در ایران، اگرچه احساس لزوم « حفاظت » درپیدایش وتحول زمین داری‌مؤثر بودلیکن‌نیاز
واقعی دولت همیشه به پول بود . این نیاز ازهمان هنگامی پدیدار شد که نظام‌زمین‌داری به
شکل قرون وسطایی خود تجلی کرد (نظامی که اساس آن تا آغاز سدهٔ بیستم پایید). حوائج
مالی بـرای عملیات دولت میبایستی رفع بشود وبـرای مشکل عمدهٔ پراخت حقوق صاحب
منصبان کشوری ولشکری‌راه حلی پدید آید . بدین سبب این سازمانهای مالی و اداری دولت
بودند که نیازمذکوررا درمی یافتند ودیگرگون می کردند . از آنچه‌گفته شد تفاوتی ریشه‌ای
میان سازمانهـای «فئودالی» اروپای باختری وروش واگذاری زمین در ایران پدیدار است ،
دراولی روابط قراردادی خصیصه‌ای اصلی بود ودر دومی عامل قـرار داد هرگز ازویژگیها
شمرده نشد .

برآن نیستم که با ذکر تاریخ تحول تیول‌داری و واگذاری زمین شما را تصدیع بدهم
اما فقط مایلم خاطرنشان کنم که درطی زمان سیر امـور چنان بـود که وظایف حـاکم ایالت ،
فرمانده نیروهای ایالت ، وصول کنندهٔ‌مالیات، اجاره دار مالیات‌وکسی که‌زمین به تیولش‌سپرده
شده بود همه باهم ترکیب ودر یك شخص جمع شود . حاصل این وضع پیدا شدن ثروتها و
داراییهای وابسته‌بزمین‌وبزرك مالکی ها بود که‌در نفس امرازحکومت مرکزی مستقل‌میبودند
وتفاوت‌قاطع میان‌تیول‌دارایرانی‌و«واسال» اروپایی دراین بود که‌اولی‌حصه‌ای که میگرفت‌وابسته
به اراده حاکم بودوآن راهم به عنوان عنایتی نسبت به خویش‌می‌انگاشت. آن دسته‌ازخصائص
نظام زمین داری ایـرانی ، کـه اغلب بمسامحه خصائص «فئودالی» نـامیده می شود ، نتیجهٔ
فئودالیزم نبودبلکه ثمرهٔ طبیعت‌قدرتهای خودکامه‌میبود . به نظری یادآوری این امراهمیت
دارد که در ایران قرون وسطایی‌قدرت از بن واساس خودکامه بود . این مطالب عمیقا اوضاع‌و
احوال اجتماعی راتحت تائیرگرفت ومانعی برای رشد اقتصادی شد وهنوز هم ،محتملا، ریشهٔ
بسیاری ازمسائل بشمار است .

درقرون وسطی ، چنانچه حکومت مرکزی ایران نیرومند بود تیول داری شدیداً زیر
نظارت می آمد (و در واقع تلویحا ، تمایـل به «تمرکز» بـودنه «عدم تمرکز»). دراکثر
اوقات حکومت مرکزی ناتوان بود وتیول داران قدرت وسلطه حکومت را غصب مـی کردنـد
وبیشتر وظایف دولت را خود عهده دارمی شدند. رابطه‌میان‌زارع ومالك براساس تقسیم‌محصول
وپرداخت بعضی عوارض و انجام برخی خدمات پایه‌گذاری شده بود. کشاورزی غـالب ومسلط
برای تامین معیشت بود. پیش‌از پذیرش روش حکومت وسازمان نظامی باختری ادارهٔ دولت از
این طریق امکان داشت امادرسدهٔ نوزدهم که در نحوه ادارهٔ حکومت تغییراتی آغازشددیگر
تمشیت مالی عملیات‌وسیع دولت برمبنای کشاورزی برای تامین معیشت میسورنبود . با همهٔ‌این

احوال کشاورزی بهمان صورت خود باقی ماند . واین یکی ازعوامل ریشه‌ای بحرانهای مالی سدهٔ نوزدهم است که درتمام مدت سال حکومت ایران به آنها مبتلا بود. امروزه نیز، گرچه تنوع بسیار زیاد تری در فعالیتهای اقتصادی روی نموده و درآمدها دیگر عمدهٔ اززمین حاصل نمی شود، با همهٔ اینها یکی از مسائل اساسی که مملکت بـا آن روبروست انجـام ویا تکمیل انتقال ازمرحله «کشاورزی برای تامین معیشت» به کشت وزرع عمقی (Intensive Farming) وبالا بردن سطح قدرت تولید زراعی است .

نکته دیگری که بسبب اهمیت فوالعاده اجتماعی آن ، مایلم تذکر بدهم این است کـه مالکیت زمین در ایران بـدلایل گـوناگون ، اکثراً پدیده‌ای شهری بوده است نـه پدیده‌ای روستایی . زمین داران علاقمند بودند ـ برخلاف زمین‌داران اروپا که درقصر ها واملاک اربابی خود بسرمی بردند ـ در شهر ها متمرکز شوند نتیجه این وضع بـا گذشت زمان عـدم تفاهم و ارتباط میان طبقات زمین‌دار که به‌جمعیت ساکن شهرها تعلق داشتند وجمعیت روستا بوده‌است. در ازمنه‌جدید ، شکاف میان‌این دوگروه را افزایش آسایش ها وتفریحات شهری‌وسیعترساخته است . گمان نمی برم کسی منکر معایب ومضار نظام زمین داری غایب از زمین (1) یا کیفیت ناصواب شکاف موجود میان ساکنان شهرو وجمعیت روستا باشد.

به یقین ، یکی ازمسائل بزرگ اجتماعی درراه رشد روستایی ایجـاد تفاهم واحترام‌متقابل میان بخشهای مختلف جامعه است . تـاروزی وزمانی که‌شهری به روستایی به چشم‌حقارت می‌نگرد ـ کـه اغلب نیز چنین است ـ همبستگی ویکپارچگـی (Integration) واقعـی میان ایـن «دوشعبه» (Sector) ، که برای رفاه کشور اهمیت حیاتی دارد، حاصل نیامده است . مسالـه غامض تر میشود وقتی به این حقیقت توجه کنیم که جمعیت روستایی ایران خودبه دو گـروه اصلی منقسم میشود : یکی روستایی «مستقر» ودیگری «نیمه مستقر» ومیان آندو نیزتفاهـم موجود نیست . دراین‌زمینه نیز ضرورت دارد که بخاطرآسایش مملکت تفاهم واحترام‌متقابل ایجاد شود، جمعیت روستاها‌چه‌مستقروچه « نیمه‌مستقر»درگذشته‌وحال ، به عنوان نوعی ذخیرهٔ جمعیت عمل کرده اند . گذشته ازفرار وپناه آوردن به شهرها که درعصر نوبه دلایل گوناگون سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی صورت میگیرد ، درایران همیشه تراوش مداوم‌جمعیت از روستا به شهر ، وازقبیله به‌دهکده وجود داشته است .

جامعه مورد بررسی ما را خصیصهٔ دیگری است که‌دراین رهگذر و بعنوان‌ضرورتی برای برآورد مسائل ودشواریهای اصلاح روستایی مایلم توجه شما را بدان عطف کنم . این خصیصه حاصل دوجریان وتمایلی است که در درون جـامعه مذکور به چشم می‌خورد که درعین تضاد با یکـدیگـر کمتر بـا هـم تعـارض مـی یـابند . ایـن دوجـریان وتمـایـل عبـارتند از : نظریه «مساوات جوئی» اسلام وتفوق اجتماعی ـ اگرچه غیررسمی ـ خانواده های «قدیمی». در این سرزمین چیزی که کیفیت یك « اشرافیت » (آریستوکراسی) ارثی داشته باشد پدید نیامد. جنگها واستیلا های مکرر وپیاپی و قانون ارث اسلامی بنحو مؤثری از ظهور چنین طبقه‌ای جلوگیری کرد .

« سادات» ، بسبب بستگی ارثی نسبی، مسلماً دارای وضع خاصی بودند اما این امر، جز بطور تصادف ، با مالکیت ارضی درنیامیخت . تنها طبقهٔ دیگری که شاید ، نوعی ادعای «آریستوکراسی» ارثی داشت طبقهٔ رؤسای‌قبیله ها بود. اما قدرت اینان اساساً قدرتی‌فردی‌بود واز داشتن رمه‌ها و از اتباع قبیلهٔ ایشان منبعث می‌شد ونه از مالکیت زمین (گرچه رؤسای قبایل غالباً زمین هم به ملکیت خود درمی‌آوردند) . درست است که طبقات زمین دارو رؤسای قبایل دارای وضعی فوق‌العاده ممتاز ومؤثر بودند اما دگرگونیهایی‌که از استیلاها، هجومها، وفشـارهای اقتصادی حادث می‌شد تغییرات ادواری در ترکیب طبقهٔ زمین‌دار (ونه درامتیازات ووظایف ایشان) پدید می‌آورد وموجب ازهم پاشیدگی‌مکرر گروههای ایلی ونابودی‌خانواده‌های

1 -Absent Landlordism

مهم‌می‌شد.شرائط جغرافیایی وسیاسی درروزگار گذشته، محیط‌مناسبی برای نشوونمای «رجحان طلبی شهری»(۱)فراهم میاورد. دولت مرکزی به‌کرات واژگون شد وحکومت بر بـاد رفت ، مع‌الوصف جامعهٔ ایرانی از خود نیروی ترمیم‌کنندهٔ شگفت آوری نشان داد‌که به‌گمـان من ، بخشی ازآن، نتیجهٔ کیفیت نیمه خود مختار «مجتمع‌های»(۲)محلی بوده است .

هنگام‌بحران‌اینان درزیرلوای‌رهبران‌محلی، ادارهٔ امور را برعهده میگرفته‌اند وسامان میداده‌اند. طبقـات مذهبی، بویژه، سهمی‌عمده درحفظ ونگاهداری رسوم جامعه میداشته‌اند . بدین ترتیب ، در روزگاران گذشته گاهگاه توسل به « **Self-help** » یـا « خـود یاوری » درمجتمعهای محلی انجـام گرفته است. خیال‌نمی‌کنم اگـر شرایطی مناسب پدید آید دلیلی داشته باشد‌که این امر دیگربار رخ ننماید .

از آنچه گفته‌ام آشکار است که مسألهٔ رشد روستایی واصلاح ارضی تنهـا یـك مسألهٔ اقتصادی نیست بلکه قبل‌از هرچیز وبیشتر، مسأله‌ای است اجتماعی وسیاسی اگرچه هرنقشهٔ اصلاحی هم‌که جنبه‌های اقتصادی امررا در نظر نگیرد محکوم به شکست خواهد بود. بـاری با توجه باین نکات است‌که اصلاح ارضی حاضرباید ارزیابی شود. برای پیشرفت بیشتردرراه اصلاح ارضی وتهیهٔ زمینهٔ موسعتر جهت رشد روستایی ایجاد امنیت درهمهٔ سطوح وبـرای همهٔ گروهها ازضروریات اساسی است. این امنیت باید شامل باشدبر: امنیت زندگی وتن، ایمنی‌از مداخلات (ازهـر‌ناحیه کـه باشد) وملخص‌کـلام ، ایمنی در بـرابـر استفاده خودکامه از قدرت، خواه از سوی‌افراد خصوصی‌باشد وخواه ازطرف مأموران دولتی. تا آن‌زمان که چنین امنیتی به وجود نیاید سائـق لازم برای رشد وپیشرفت مفقود خواهـد بـود وتکاپو بـرای یافتن تأمین نسبی در‌گمنامی شهرادامه خواهد یافت .

به نظرمن، در زمینهٔ اجتماعی، اصلاحات ارضی‌هم اکنون‌بمقدارزیادی‌در نابودی رابطهٔ «ارباب۔ رعیتی» که میـان مالك وزارع وجـود میداشت مـوفق شده است وایـن خود پیشرفت شگرفی‌است. هدف اصلی‌اصلاحات ارضی‌درزمینهٔ اجتماعی، به عقیدهٔ من، بایدآفریدن طبقه‌ای مستقل ومتکی بخود از دهقانان باشد. نقش شرکتهای تعـاونی درایجاد زمینهٔ مناسب بـرای چنین پیشرفتی ونیزبرای آموختن مسئولیت به زارعان وپدید آوردن تعاونی عملی میان ایشان وبویژه درسطح شرکتهای تعاونی محلی، حائز اهمیت بزرگی است.

در زمینهٔ اقتصادی مسائل بسیاری است‌کـه نیازمند بررسی دقیقی است. مقدم برهمـه شاید فراهم‌آوردن تسهیلات اعتباری بـاشد‌کـه عمدهٔ مسأله ای است اقتصادی اگر چه خـالی از جنبه‌های دیگرهم نیست. قرض همواره چون سنگ‌آسیابی برسرزارع گردیده است. از این که بگذریم مسألهٔ آزار دهندهٔ ماشینی کـردن و وسعت زمینهای مزروعی پیش‌میآید . گرچـه اصلاحات ارضی‌با شتابی شگفت پیش رفته است اما چنانچه این‌حقیقت را فراموش‌کنیم که‌خود موجد بحرانهایی نیز شده است از واقع بینی بدور افتاده‌ایم . عمده ترین این بحرانها میان ساکنان دهکدهٔ «تقسیم شده» ودهکدهٔ «بجا مانده»! (یعنی دهکده یا قسمتی‌از دهکده که بـرای مالك اصلی بجا مـانده) ونیزدر رابطهٔ بین مالکان و زارعـان در دهکده هـای تقسیم نشده پدیدار است . سرانجـام ، اگرزمینهٔ وسیعتر رشد روستایی در نظرگرفته شود، مسألهٔ یکدست ویکپارچه‌کردن جمعیت «مستقر» و«نیمه مستقر» ایران پیش می‌آید‌که هیچ حکومتی درایران نتوانسته است تاکنون آن را به نحو رضایت بخشی حل‌کند .

درخاتمه، یادآور می‌شوم‌که رشد وتوسعهٔ روستایی واصلاح ارضی‌نمی‌تواند جدا ازسایر عوامل درنهایت‌امر، به طرز رضایت بخشی‌عملی شود . این مسألهٔ ای است‌که ارتباط نزدیك با رشد دیگرشعب حیات‌کشور دارد. مسألهٔ ایمنی مختص به زندگـی روستایی نیست واستفادهٔ خودکامه از قدرت مطلبی است‌که همهٔ جنبه‌های حیات مملکت را زیر تـاثیر می‌گیرد. مضافاً اگر رشد صنعتی روی‌ندهد بدشواری‌می‌توان افزایش همه جانبه‌ای را در بازده تولید روستایی وسطح زندگی تصور کرد .

« تحقیقات اقتصادی»

1-Provincial Particularism 2- Communities

سیستم بانکی و مساله واردات

مقررات تازه بانک مرکزی در زمینه محدود کردن واردات «حداقل» است

مهمترین خبر اقتصادی مرداد ماه انتشار مقررات تازه بانک مرکزی در زمینه ترتیب واردات کالا بود. خلاصه این مقررات ـ همچنانکه در اخبار اقتصادی ما میخوانید ـ اینستکه ملاحظه افزایش بی‌حد واردات و فشار مسلم آن بر ذخایر ارزی کشور بانک مرکزی را وادار کرد بدنبال مقررات پیشین خود (یکم مهر ۱۳۴۳ ویکم فروردین ۱۳۴۴) سپرده نقدی بعضی کالاهای وارداتی را افزایش دهد واز این طریق جلو افزایش واردات این کالاها را بگیرد. بدنبال مقررات اخیر (نیمه اول مرداد ماه) که ظاهراً تشدید مقررات پیشین است بنظرمیرسد واردات

کشور ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیون دلار کاهش خواهد یافت. این البته باین معنی نیست که کاهش مورد بحث در واردات با ارقام رسیده های سال قبل مقایسه شده واینطور نتیجه گرفته شود که نسبت بسال ۱۳۴۳ درصد معینی واردات کمتری خواهیم داشت. در واقع بهتراست بگوئیم اگر مقررات تازه وضع نمیشد در حدود ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیون دلار کالای بیشتری وارد میشد.

مقررات تازه، درماه گذشته مورد بحث شدید ـ وگاهی پرحرارت ـ محافل اقتصادی بود. واردکنندگان عمده که هرسال بقیمت اتلاف صدها میلیون دلار منابع ارزی و بیکار یا کم کار کردن صدهزارها نفر بسود های کلان و بیحساب میرسیدند ازمخالفین سرسخت مقررات تازه بودند وطلیعه اعتراض آنها با عنوان کردن این موضوع شروع شد که اخذ سپرده ریالی بمیزان ۱/۵ ریال برای هردلار مبالغی پول از بازار خارج ودر بانك های دولتی «بلوکه» خواهد کرد ولی چون دراین زمینه به موفقیتی نرسیدند بی پروایی را بجایی رسانیدند که علناً محدود شدن واردات را «خطری» برای اقتصاد کشور معرفی نمودند.

دراینمورد ناچار ازبیان این حقیقت هستیم که آنچه واردکنندگان عمده روی آن انگشت گذاشتند یعنی موضوع اخذ ۱/۵ ریال سپرده نقدی برای هردلار سفارش کالا، اصولا یك موضوع فرعی بود وهدف از اخذ آن بوسیله بانك مرکزی یا بانکهای مجاز جلوگیری ازتقلب در اظهار ارزش واقعی واردات ولزوم تسریع درترخیص کالا ازگمرکخانه ها بود وآنچه واقعاً میتواند درمحدودکردن واردات موثر باشد موضوع افزایش سپرده نقدی آنهم برای بعضی کالاها است. در کنفرانس گمرکی سال گذشته با حسابهای دقیق مسلم گردید که تقلب در اظهارنامه های واردات سالانه ۳۰۰ تا ۴۰۰ میلیون تومان بدولت ضرر میزندوچون عملا امکان ارزیابی دقیق ارزش کالاهای وارداتی درگمرکخانه ها وجود ندارد، این ضرر بطور مستمر بخزانه کشور وارد میشود و بانك مرکزی تنها اقدامی که برای جلوگیری ازاین ضرر اندیشیده گرفتن سپرده نقدی ۱/۵ ریال برای هردلار است که اگر کل واردات کشور را درنظر بگیریم جمعاً به ۵۰ میلیون تومان بالغ میشود واین وجهی است که اگر بازرگان ذینفع صحیح العمل بود پس داده میشود.

بطوریکه ملاحظه میشود مخالفان مقررات تازه بانك مرکزی و در درجه نخست واردکنندگان وعاملین کمپانیهای خارجی موضوع «بلوکه شدن» در حدود ۵۰ میلیون تومان پول را صرفاً محملی برای اعلام نارضایتی خود قرار میدهند وگرنه سپرده مورد بحث تاثیری جزجلوگیری ازتقلب در بیان ارزش واقعی کالاها (که کارآمدی آن خود بشدت محل تردید است) ندارد. بنابراین بحث درواقع برسرلحاف ملا است و واردکنندگان نگران ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیون دلار واردات اضافی هستند که مقررات تازه ازچنگشان بیرون میکند. برای بیان لزوم وضرورت مقررات تازه مراجعه بارقام واردات کالادرسالهای اخیرلازم بنظرمیرسد ومادرجدول زیرآمار وزن وارزش واردات کشور را سالهای ۱۳۴۱ـ۱۳۴۲ و۱۳۴۳ نقل کرده‌ایم:

واردات ایران در سالهای ۱۳۴۱ - ۱۳۴۱ و ۱۳۴۳

سال	مقدار ـ کیلوگرم	ارزش ـ ریال
۱۳۴۱	۱،۴۲۰،۸۰۳،۱۱۸ ر	۴۱،۹۰۵،۷۹۸،۵۳۶ ر
۱۳۴۲	۱،۳۵۵،۴۱۰،۲۲۰ ر	۳۹،۲۸۱،۸۵۷،۱۲۱ ر
۱۳۴۳	۲،۳۱۱،۹۰۳،۰۸۰ ر	۵۶،۷۸۸،۹۹۸،۴۶۳ ر

ماخذ: آمار بازرگانی خارجی ایران ـ وزارت اقتصاد.

نظر اجمالی بافزایش بیحد وحصر واردات نشان میدهد که اولاً آنچه مورد نظر بانك مرکزی در تدوین مقررات تازه بوده «حداقل» اقدامی است که میبایست بعمل آید دوم اینکه در این کار تاخیر ناروایی بعمل آمده است.

ما از اقدام تازه بانك مرکزی (و اقدامات پیشین آن که قبلا اشاره کردیم) جداً پشتیبانی میکنیم وهیچ فرد وطن پرست واقعی نمیتواند بخود اجازه دهد که در تایید این مقررات کمترین تردیدی بخود راه دهد لکن موضوعی که مطرح است اینستکه آیا مسوول افزایش یا کاهش واردات کشور سیستم بانکی کشور است یا موجباتی ازقبیل رشد اقتصادی وامثال آن، بعبارت دیگر افزایش واردات در سالهای گذشته در اثر رشد اقتصادی ولزوم افزایش واردات کالاهای سرمایه ای بوده یا مقررات تشویق کننده بانك مرکزی یادیگر بانکهای ذیربط؛

دلیل طرح این سئوال اینستکه درسالهای اخیر (که گفتیم واردات درافزایش سریع وشاید بتوان گفت بی‌ملاحظه بوده) بهر گونه نگرانی که از طرف محافل علاقمند باقتصاد کشور نسبت بافزایش واردات اعلام میشد چنین پاسخ داده میشد که «مادر مرحله رشد سریع اقتصادی هستیم و دراین مرحله افزایش واردات اجتناب نا پذیر است» وسئوال کنندگان بدون اینکه قانع شوند ساکت میشدند. و معنی این جواب اینستکه گویا مسوول افزایش واردات مقررات تشویق کننده بانکی نیست برعکس موجبات وضرورتهای رشد اقتصادی است. بانك مرکزی بااعلام مقررات تازه درواقع پاسخ نخستین خود را نقض میکند ونشان میدهد که عملا اشکال درسستی مقررات ورود کالا بوسیله سیستم بانکی است وگرنه رشد اقتصادی ـ هرچند سریع هم بوده ـ چنین افزایش سریعی را توجیه نمیکند.

آنچه گذشت بخوبی نشان میدهد که نقش سیستم بانکی درافزایش یا کاهش کالا تا چه حد مهم وموثر است ودرشرایطی که مثلا با تغییر درصد اعتبار اسنادی چندکالای معین واردات کالا یکباره چند صد میلیون تومان کاهش میبابد منطقا میتوان نتیجه گرفت که هرگونه تغییری درجهت معکوس نتیجه عکس نیز ببار میآورد. بعلاوه بحث اجمالی بالا نشان میدهد که درشرایط کنونی اقتصاد کشور که متاسفانه صادرات مرسومی ما بهیچوجه تکافوی پوشانیدن واردات را نمیکند سیستم بانکی باید کاملا بخود آید و متوجه مسوولیت عظیمی باشد که برعهده آن گذاشته شده است.

از: ع میدانی

آذربایجان بدست کی آباد میشود:

دولت یا سرمایه گزاران خصوصی؟

ماه گذشته آقای هویدا نخست وزیر باتفاق چند تن از وزراء از آذربایجان دیدن کردند و به مشکلات اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی این منطقه از نزدیك رسیدگی نمودند.

این مسافرت ظاهراً ده روز طول کشید اما در طی همین مدت کوتاه مسائل وموضوعاتی مطرح شد که اگر آنچنانکه گفته شده و تصمیم گرفته شده عمل شود شاید باندازه یك قرن در سرنوشت آذربایجان اثر بگذارد- و بررسی این نکته که چرا آذربایجان با آنهمه امکانات وسیع مادی ومعنوی ظرف چند سال اخیر نتوانسته همگام سایر استانها پیش رود، ارزش واهمیت این مسافرتها را برای مردم ومسئولین دولتی بازتر وآشکارتر ارزیابی می‌نماید.

نخست ضروری است مطالعه شود که آذربایجان ازچه مقدورات وامکانات مادی، طبیعی و انسانی برخوردار است تا آنگاه با یك دید واقع بینانه برآورد شود که چرا و چگونه این قسمت از مملکت ما در دوره تحول بقول رئیس دولت «مرحله **رکود** بسر میبرد»

طبق آمار گزارش شده سازمانهای رسمی کشور مساحت آذربایجان ۱۰۹۰۰۰ کیلومترمربع (۶/۶ ٪ مساحت کل کشور) وجمعیتش ۳/۵ میلیون نفر (۱۵/۵ ٪ جمعیت کل کشور) میباشد. ازاین عده ۲/۷ میلیون نفر در آذربایجان شرقی و ۸۰۰ هزار نفر در آذربایجان غربی سکونت دارند.

تراکم نسبی جمعیت در آذربایجان بعد از تهران بیش ازهر نقطه دیگر کشور است. در حدود ۱۳ ٪ اراضی قابل بهره برداری، ۲۰ ٪ زمینهای کشاورزی ۱۷ ٪ زمینهای آبی کشور در آذربایجان قرار دارد.

ازلحاظ ذخائر تحت الارضی آذربایجان یك منطقه غنی بشمار میرود و بقول مقامات نفتی در دشت مغان ذخائر عظیم نفت هم وجود دارد که باید درسالهای آتی مورد بهره برداری قرار گیرد. ازسایر معادن سالیانه بشرح زیر (بطور متوسط) بهره برداری میشود:

نمك ۳۰/۰۰۰ تن
سنك سیاه ۳/۰۰۰ تن
سنك ساختمانی ۴/۵۰۰ تن
سنك آهك ۴/۰۰۰ تن
سنك مرمر ۲/۰۰۰ تن
سنك گچ ۲/۰۰۰ تن
تراورتن ۶/۰۰۰ تن
ذغال سنك ۳/۵۰۰ تن
گوگرد ۶۰۰ تن
زرنیخ ۳۰۰ تن
مس ۵۰۰ تن
منگنز ۲۰۰ تن.
کائولن ۴۰۰ تن

گرافیك ۲۰۰ تن

درحال حاضر یك‌سوم گندم - یك‌دوم جو - یك پنجم سیب‌زمینی - یك سوم دانه های روغنی ویك پنجم انگور کشور در آذربایجان تولید میشود. درعین‌حال یك‌پنجم گاو و گوسفند - دوپنجم گاومیش کشور در این استان پرورش مییابد.

اکثریت سکنه آذربایجان درکشاورزی ودرحدود صد هزار نفردرصنعت بکارمشغولند - تا کنون درحدود ۳۰۶۹ میلیون ریال‌در صنایع این منطقه سرمایه‌گذاری شده است.

با درنظرگرفتن این ارقام (باختصار) سئوالی کـه مطرح میباشد اینست که آذربایجان با اینهمه منابع مـادی و طبیعی و نیروی انسانی چـرا جزو نقاط عقب مانده کشورمحسوب‌میشود؟. وچرا ظرف ده سال‌اخیردرحدود یك میلیون‌نفـراز این‌منطقه در پی‌کاروزندگی بهتربتهران وسایر شهرستانها روی‌آورده‌اند؟

اگرمنصفـانه قضـاوت کنیم گناه این عقب ماندگی و رکود رابهمان‌اندازه که متوجه مسئولان دولتی میدانیم در طـرز تفکر و اندیشه مردم این‌استانها میبابیم.

آذربایجان راه خوب‌ندارد، محصولات روستاها دراثر نداشتن راههای فرعی ببازارها ومراکز فروش وصدور نمیرسد - این‌استان درحالیکـه موقعیت جغرافیـائی مناسب دارد آبهایش بهدرمیرود واز اراضی قابل‌کشت بحد اکثر استفاده بعمـل نمیـاید - مـردم آذربایجان اصولا بیکارند یا در حال کم‌کاری بسرمیبرند، کارخانه های‌معظمی‌چون‌پشمینه - کلکته‌چی و... تعطیل است وکارخانه‌هـای ظفروخسروی و... وضع چندان مناسبی ندارند - خشکبار این‌منطقه درنتیجه عدم‌توجه‌مسئولین بندرت استاندارد میشود وبازار خود را از دست داده است - فـرش این استان با همه محاسنی‌که دررنك آمیزی‌ونقشه وبافت دارد بقیمت ارزانتری بفروش میرود ودیگر رغبتی بایجاد کارگاههـای تـازه نشان داده نمی‌شود - طبقه جوان این استان فعالیت در سایرنقاط کشور (بخصوص پـایتخت) را ترجیح میدهند وبهرترتیبی شده خود را بتهران میرسانند... و قس علیهذا. بدینترتیب حقیقت اگرچه تلخ است اما همانطوری که رئیس دولت و وزراء دیدنـد وگفتند **«آذربایجان عقب‌مانده است»**.

اما همه این عقب ماندگیها ناشی از اهمال وغفلت مسئولان دولتی نیست اگـرواقعیت را در نظربگیریم بیش از دولت مردم وطبقه ثروتمنداین‌استان‌مقصرند وهمین طرز تفکر ونحوه عمـل سرمایه‌داران‌محلی‌است که نقطه‌ای را درواد‌ی رکـود و سکـون و نقطه دیگری را در دوره رونق‌و تحول قرار میدهد.

اگرنگاهی‌بمخارج وسرمایه گزاریها بیاندازیم معلوم خواهد شدکه سرمایه‌های آذربایجـان در کجاها بکارافتـاده وچه خدمـات بزرك اقتصادی انجام داده است،

سرمایه داری را می‌شناسیم کـه ممرمعـاش منحصر اوچنـد موسسه پردرآمد در تبریز است اما اوحتی درتبریز خانه شخصی هم‌ندارد درعوض درتهران‌صاحب چند خانه وباغ وپارك است‌یعنی پـول را از آذربایجان بدست میآورد ولیکن‌آنرا درتهران و سایرنقاط‌خرج مینمایدو این‌تنها مشتی ازخروار است.

یکـی‌از تجار تبریز پس‌از آنکه مدتها دراین شهرستانهـا بکار پرداخت در تهران بتاسیس چند سینما اقدام نمود وموقعی که ازاوپرسیدم‌چرا درتبریزسینمای «کوچکتری» ایجاد نکردید پاسخ داد آنجـا هنوز عـایـدی سرشار ندارد». این است طـرز تفکرغالب‌سرمایه‌داران‌آذربایجانی و کسانیکه بـاید بقول فرنگیها نقش entrepreneur (کار - فـرمایی) را درآذربایجان ایفـا می کنند.

ازنظر یك سرمایه‌دار اگر چه نفع وسود دردرجه اول‌اهمیت قرار دارد ولیکن بایستی بـاین نکته هم بیندیشد کـه اگـر او نمیتواندازسرمایه‌اش‌سود«سرشار» ببرد درعـوض بوطنش خـدمت می‌نماید وگامی در راه‌آبادی و عمران سرزمین خود برمیدارد.

البته برای‌یك آذربایجانی همه جای ایـران **«وطن»** است و هرجا پولش را خرج کـند در ایران خرج کرده است... امـا نباید ازاین‌موضوع چنین‌استنباط کردکه همه سرمایه‌ها دریك‌شهر سرمایه‌گذاری شود وهمه پولهادر یك نقطه تمرکز یابد.

یك نمونه ساده نشان‌میدهد که **مردم** تـا چه اندازه در بـالا بردن درآمد - رونق‌بازار - آبادی مملکتشان مسئولیت و «تاثیر» دارند.

آنهائی‌که بتبریز رفته اند میدانندکـه «شاهگلی» یکی از گردشگاههای خوب وزیبای این شهراست - هرمسافری‌که ازتبریز دیدن‌کرده درباره این گردشگاه از ابرازشگفتی‌وتحسین‌خودداری

ننموده است_ اما تا این اواخر (دوسال پیش) جاده آن اسفالت نشه بود وگرد وخاك جاده مسافری را بیزار از گردشگاه و ییلاق میکرد.

حال حساب کنید از دو سال باینطرف با اسفالت جاده این گردشگاه چقدر از کسبه_رانندگان تاکسی و کرایه_اتوبوسها_متصدیان تاسیسات تفریحی وصاحبان هتل و رستوران ها و غیره کارشان رونق گرفته و کاملا محسوس است که تعداد کسانی که باین گردشگاه میروند ناده برابر افزایش یافته است. حال چه میشد اگر این کار بدست چند تاجرو سرمایه دار محلی صورت میگرفت؟

این مثال ثابت می کند که برای اینکه اقتصاد منطقه ای رونق بگیرد، سطح زندگی بالا رود، فرهنگ توسعه یابد نخست باید خود آن مردم دلسوزی بخرج دهند وگام اول را خود آنها بر دارند وگرنه از دولتها نمی توان بیش از این توقع داشت زیرا دولت بهمان اندازه مسوول عمران وآبادی آذربایجان است که مسوول عمران خوزستان - بلوچستان - کرمان و... میباشد.

مساله دیگر اجرای طرحهای صنعتی آذربایجان است که وقتی وزیر اقتصاد خواست آنها رابیان کند بااین جمله آغاز کرد «اگر این طرحها اجراشود **افتخارش** بر شما است (سرمایه داران محلی) واگر اجرا نشود مسئولیتش بعهده شما» این طرحها شامل ۴۱ پروژه برای آذربایجان غربی است که با در نظر گرفتن بازار فروش امکانات مادی مناسب - کمکهای بانك‌ها (صندوق توسعه صنعتی آذربایجان) میتوان بهترین نتیجه ممکن را از اجرای آنها بدست آورد.

قسمتی از این طرحها عبارتست از: کارخانه کمپوت میوه و کنسرو در تبریز - کارخانه پرورش وبسته بندی طیور در تبریز - ایجاد کشتارگاه و سردخانه در تبریز کارخانه پنیر سازی در تبریز - طرح بهبود وضع کارخانه کمپوت سازی آذرشهر - طرح تهیه آب انگور درمراغه - طرح بسته بندی کشمش درمیاندوآب - کارخانه لبنیات‌سازی دررضائیه - کارخانه پنیر سازی درشاهپور - ایجاد کشتارگاه وسردخانه در خوی - کارخانه کره سازی در سراب - کارخانه خیار شور در میانه -

کارخانه قند درخوی که یکی از پروژه های بزرگی می باشد -

کارخانه قند درمیانه - کارخانه سیمان در صوفیان - کارخانه آجر فشاری در اردبیل - سراب بستان آباد - کارخانه تهیه کاشی درجه یك وچینی سازی درز نوز - درطرح شهرصنعتی تبریز منطقه‌ای بوجود میاید که کلیه کارگاهها در آن جمع باشد و برق وآب ارزان دراختیار کارگاهها گذارده میشود وسرمایه گذار فقط ماشین آلات بعنوان سرمایه میگذارد.

.... پس دولت تا آنجا که مقدور بوده وجزو وظایفش می باشد کار کرده اینك نوبت مردم یعنی سرمایه داران است که از طرحها استقبال کنند و برای توسعه و رشد اقتصادی استان خود وارد فعالیت شوند - یك بار در اطاق بازرگانی تبریز از نخست وزیر خواسته شد که مالیات سه ساله را دولت را از تجار نگیرد ونخست وزیر پاسخ داد: «آذربایجان از پرداخت مالیات سه ساله معاف میشود بشرطی که اجرای طرحهای عمرانی سه سال را سرمایه داران تقبل کنند».

اینك باید منتظر بود ودید که آیا سرمایه داران آذربایجان گام بجلو میگذارند ودرقبال معافیت از پرداخت مالیات - اجرای طرحهای عمرانی را بعهده میگیرند یا نه؟

اجرای این طرحها قطعی است، اگر مردم نخواهند با دولت همکاری کنند دولت پروژه ها را بمرحله عمل در خواهد آورد اما اینکار بهمان اندازه بکندی پیش خواهد رفت که تا کنون رفته است واگر سرمایه گذاران خصوصی نخواهند در توسعه ورشد اقتصادی کشور دولت را یاری کنند در واقع ستمی ندید است که بر خود میکنند و گناهی است که در برابر تمام جامعه ایران مرتکب می شوند.

آبادانی وعمران هر شهرو نقطه ای بستگی بهمت و حمیت مردم آن شهر دارد واگر مردم نخواهند ودر صدد نباشند بهیچوجه پیشرفت وترقی امکان ندارد - دولتها امروزه فرصت را بوجود میآورند ووسائل راتهیه می کنند آنگاه توده های مردم از هرطبقه وصنف دست بکار می شوند وبرای سعادت وتعالی جامعه خود تن بفداکاری وتلاش میدهند. وآذربایجان هم از این قاعده بیرون نیست.

از: مجله‌ماهانه سازمان ملل متحد

نویسنده: مدیرکل یونسکو

ترجمه هوشنگ مقتدر

مبارزه جهانی علیه بیسوادی

لزوم گنجانیدن برنامه‌مبارزه با بیسوادی در برنامه های عمومی رشد و توسعه

مجمع عمومی سازمان ملل دردسامبر ۱۹۶۱ باتصویب قطعنامه ای از سازمان علمی، فرهنگی و تربیتی سازمان ملل متحد (یونسکو) دعوت بعمل‌آورد تا مسئله ریشه‌کن ساختن بیسوادی را درمقیاس جهانی مورد بررسی ومطالعه قرار دهد وباین منظور تدابیرعملی وموثری درسطح ملی وبین‌المللی پیشنهاد نماید.

درپاسخ باین تقاضا یونسکوابتدا یك مطالعه مقدماتی بعمل‌آورد که نتایج آنرا اینجانب بدومین‌کمیته هیجدمین دوره اجلاسیه مجمع عمومی‌تقدیم داشتم، گزارش فوق که ازآن‌استقبال شایان بعمل‌آمد منجربه بحث عمیقی گردیدکه ۸۰ تن از نمایندگان درآن شرکت‌کردند. در تعقیب این مباحثات مجمع عمومی باتفاق آراء قطعنامه‌ای صادر کرد که درآن از اقدامات یونسکو تقدیر کرد وفکرمبارزه جهانی‌علیه بیسوادی را مورد تصویب وتائید قرارداد. بعلاوه مجمع عمومی از دبیرکل سازمان ملل دعوت‌کردکه با همکاری سازمانهای بین‌المللی دیگر بالاخص با مدیرکل یونسکوگزارشی مبنی برطرق و وسایل حمایت ازکوشش‌های ملی برای ریشه‌کن ساختن بیسوادی تهیه وبمجمع تسلیم نماید.

ازآن تاریخ ببعد طرح‌های عمده‌ای توسط دول عضو وهمچنین دبیرخانه یونسکو تهیه گردیده بطوریکه در نتیجه این طرحها کنفرانس عمومی یونسکوکه سیزدهمین دوره اجلاسیه خود را درپاریس تشکیل داد موفق‌گردید مسئله مبارزه با بیسوادی را مورد مطالعه وبررسی دقیق قرار داده وطرح شروع مبارزه با بیسوادی را پیشنهاد نماید.

پیشنهاد برای تشکیل‌کنگره بین‌المللی

تردیدی نیست‌که فکرمبارزه با بیسوادی در طول یکسال راه درازی پیموده است. مذاکرات درکنفرانس‌های متعدد منطقه‌ای وبین‌المللی ومباحثاتیکه اینجانب با روسای دول روسای حکومت ها و شخصیت های برجسته درسراسرجهان بعمل آورده‌ام دلیل این حقیقت است. **بهترین شاهد این امر پیشنهادیست‌که اخیراً ازطرف اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران بکلیه روسای کشورها و کنفرانس عمومی یونسکو مبنی برتشکیل یك کنگره**

بین‌المللی در تهران بعمل آمده است. هدف این کنگره مطالعه وانتخاب بهترین راه حل برای مبارزه علیه بیسوادی خواهد بود.

با این وصف اتفاق رای در تصویب قطعنامه مجمع عمومی درسال گذشته بآن معنی نیست که مشکل کارحل شده. در ورای این اتفاق رای تردید وتزلزلهائی وجود داردکه ناشی از عدم اطمینان دولتها نسبت بارزش اقتصادی برنامه مبارزه با بیسوادی وهزینه اجرائی برنامه‌های مذکور است. علاوه براینکه هنوز عده‌ای از دول دراهمیت مبارزه با بیسوادی تردید دارند شاید حجم آمارهای منتشره درگزارش یونسکو موجب ترس عده‌ای شده باشد. برای قانع ساختن این دسته دواستدلال غیرقابل انکار را باید ذکر کرد. اول آنکه تعلیمات ابتدائی ازحقوق اساسی بشراست ودیگراینکه بیسوادی سبب اتلاف عظیم نیروی فکری بشری میگردد.

ولی بسیاری ازمتخصصین قدم فراترنهاده واین مسئله را مطرح کرده‌اندکه آیا کشور-هائیکه درصد قابل ملاحظه‌یی ازمردم آن بیسوادندخواهند توانست اجرای برنامه های مبارزه با بیسوادی را بعهده بگیرند؟

بنظر اینددسته از متخصصین بنیه اقتصادی اینگونه ممالك بقدری قوی نیست که بتواند برنامه سنگین مبارزه با بیسوادی را تحمل کند. بعلاوه اقتصاد اینگونه ممالك نخواهد توانست درمدت کوتاهی از نتایج این برنامه‌ها بهره‌گیرد.

دبیرخانه یونسکو پس‌از بررسی دقیق مشکلات فوق و با توجه بجواب های دریافتی از دولتها و سازمانهای بین‌المللی طرح برنامه‌آموزشی خودرا درزمینه مبارزه با بیسوادی که اکنون از تصویب کنفرانس عمومی گذشته تهیه‌کرده است.

اولویت کشورهای درحال رشد

اشتیاقی‌که مردم دراستقبال ازبرنامه‌های مبارزه با بیسوادی‌نشان داده‌اند جای‌تردیدی نسبت بعزم وخواسته آنان باقی نمیگذارد. درواقع محرك اصلی‌این‌کار نه متخصصین ونه دولتها بلکه توده های مردمی هستند که از خواب غفلت بیدار شده بنام عدالت وحقیقت میخواهند ازتعلیم وتربیت برخوردار شوند. برای‌کشورهای درحال رشد با سوادکردن افراد یکی از فعالیتهای مهم بشمار میرود. بهترین دلیل این امر آنستکه ارقام مربوطه بآن در بودجه کشورگنجانیده شده ودر درخواست برای‌کمك‌های خارجی قید میگردد. **پیشرفتهای زیادی نیز درزمینه‌های اقتصادی مبارزه با بیسوادی حاصل شده است. یك نکته که لزوم آن اکنون روشن‌ترشده ضرورت گنجانیدن برنامه‌های مبارزه با بیسوادی درمحتوی برنامه-های عمومی توسعه اقتصادی واجتماعی درهرکشوراست.** با سوادکردن بایستی جزئی‌از طرح های آموزشی واین‌نیز بنوبه خود بایستی در طرح کلی مربوط بتوسعه‌گنجانیده شود. بررسی متخصصین وتجربه بعضی ازکشورها نشان میدهدکه برنامه های مبارزه با بیسوادی مشروط باینکه درقالب برنامه‌های رشد وتوسعه انجام شود ازنظراقتصادی مولد خواهد بود. باین دلیل بسیار مهم است‌که یونسکو از سایر سازمانهای تخصصی سازمان ملل در این زمینه تقاضای همکاری کرده است.

قبل‌از شروع یك برنامه جهانی-که تاکنون کسی بآن اقدام نکرده-یونسکو بایستی کار خودرااابتدا بایك برنامه‌آزمایشی‌شروع‌کند بهتراست درآغازمدت‌زمانی‌صرف مطالعه وجستجوی بهترین روش برای مبارزه با بیسوادی شود زیرا، درچنین امرخطیری حق شکست خوردن نداریم.

برنامه‌ایکه ما باین منظور پیشنهاد میکنیم دارای دوجنبه انتخابی است. در درجه اول این برنامه در مورد عده معدودی از کشورها اجراء خواهد شد ـ حداکثر ۸ کشور ـ که از روی معیار معینی از بین کشورهائیکه برای این امر آمادگی دارند انتخاب میشوند. ثانیا کوشش ما اساسا شامل پروژه های متراکم تجربی دربخش‌های بسیار متشکل جامعه عملی خواهد شد. زیرا دراین قسمت است که اشتیاق مردم بخواندن ونوشتن وبا سواد شدن ازهمه‌جا بیشتر وامکان استفاده عملی ازتعلیمات اکتسابی برای بالابردن سطح زندگی افراد وتوسعه اقتصادی میسر است. چنین شرایطی در بخش‌های عمومی یا خصوصی صنایع ـ شرکت‌های تعاونی در درجه‌اول برنامه مذکور مخصوص بزرگ سالان است ولی‌ضرورت ارتباط این برنامه ها با برنامه های مدارس نیز ازخاطرفراموش نخواهد شد. هرگونه تلاشی برای تسهیل و توسعه وبهبود سیستم مدارس درمناطق نمونه معمول خواهد شد تا از توسعه بیسوادی از سرچشمه جلوگیری شده و آنرا درنطفه متوقف سازد.

هماهنگی برنامه تجربی

سال ۱۹۶۵ به تهیه برنامه‌ها وپروژه ها اختصاص خواهد یافت. ضرورت هماهنگی برنامه مبارزه با بیسوادی با برنامه توسعه اقتصادی واجتماعی مستلزم همکاری سازمان ملل و چندین سازمان تخصصی سازمان ملل‌متحد یعنی سازمان بین‌المللی کار ـ سازمان خوار بار وکشاورزی وسازمان جهانی بهداشت است. از آنجاکه هزینه برنامه فوق بایستی از طریق موسسات مالی بین‌المللی ازقبیل‌صندوق بین‌المللی پول وبرنامه‌کمک‌های فنی تامین شود طرح لازم بایستی‌توسط سازمانهای ذینفع مشترکا تهیه شود.

همکاری سازمانهای بین‌المللی غیر دولتی وهمچنین سازمانهای منطقه‌ای برای بثمر رسانیدن برنامه مورد بحث کمال اهمیت را دارد. سازمانهای متعدد بین‌المللی غیر دولتی همکاری خود را برای بثمررسانیدن برنامه مبارزه با بیسوادی اعلام داشته وحامل پشتیبانی میلیون‌ها افراد بشردرسراسرجهان هستند.

درسال ۱۹۶۶ سه‌کشور بمنظور دریافت‌کمک از یونسکو انتخاب خواهند شد سپس در طول سال مذکور سه کشور دیگر نیز برای استفاده از کمک های یونسکو انتخاب میشوند. پروژه های مربوطه دراین‌کشورها بمدت سه سال ازطرف یونسکواجراء خواهد شد.

ارزیابی برنامه تجربی

یکی‌از هدف‌های‌عمده برنامه مورد بحث‌بررسی و اثبات مزیت باسوادی از نقطه نظر اقتصادی واجتماعی است. بنا براین از آغاز باید وسیله‌سنجش‌مناسبی ـ مخصوصا برای اندازه‌گیری علمی ومقداری نتایج حاصله وتحلیل عینی تغییرات در افکار وعقاید وطرز تفکرورفتار افراد انتخاب نمود. نتایجی‌که بدین‌ترتیب بدست میآید درسال سوم بررسی خواهد شد و بر اساس آنها میتوان برنامه تجربی را توسعه داده و مبارزه جهانی و همگانی برای ریشه‌کن ساختن بیسوادی را آغازکرد.

آنچه‌گفته شد حداقل آرزوی من است که اخیرا مورد تائید کنفرانس عمومی یونسکو قرارگرفته است، کنفرانس‌اخیرا تصمیم‌گرفت‌که برنامه پنج ساله متراکم وتجربی را بمرحله اجراء درآورد درعین‌حال‌کلیه دول عضو نیز تعهد نمودند که مبارزه خود را علیه بیسوادی در سطح ملی آغازکنند. آرزوی ما اینست‌که در آخراین دو جریان بیکدیگر بپیوندند، از یکطرف‌جریان بین‌المللی‌وازطرف دیگر تلاش فرد فرد دول در داخل مرزهای خود.

امید است‌که باکوشش دسته‌جمعی افراد بشر روزی بتوانیم بیسوادی ـ این عامل رسوائی وننگ را ـ ازپهنه زمین محو سازیم.

آگهی شماره ٦٦ قبول درخواست انشعاب آب تصفیه شده در شهرری

سازمان آب منطقه‌ای تهران از ساکنین و مالکان ومستغلات واقع درمحدوده های بشرح زیر:
۱ـ ناحیه اقدسیه
الف ـ شمالا ـ برجنوبی خیابان ورامین بین خیابانهای سپهبد رزم‌آرا وصداقت.
ب ـ شرقا ـ برغربی خیابان صداقت بین خیابانهای ششم بهمن وخیابان ورامین.
ج ـ جنوبا ـ برشمالی‌خیابان‌ششم بهمن بین‌خیابان صداقت ومیدان مجسمه شهرری.
د ـ غربا ـ برشرقی خیابان سپهبد رزم‌آرا بین سه راه ورامین ومیدان مجسمه شهرری.
۲ـ ناحیه جنوب امامزاده عبدالله وغرب بیمارستان فیروزآبادی .
الف ـ شمالا ـ برکوچه جنوبی امامزاده عبدالله بین خیابان سپهبد رزم‌آرا ودارابی .
ب ـ شرقا ـ برغربی خیابان سپهبد رزم‌آرا بین سه‌راه ورامین ومیدان مجسمه .
ج ـ جنوبا ـ برشمالی جاده قم بین میدان مجسمه وکوچه غربی ژاندارمری .
د ـ غربا ـ برشرقی‌خیابان دارابی وکوچه غرب ژاندارمری بین خیابان قم وکوچه جنوبی امامزاده عبدالله وهمچنین نوار آگهی نواحی بالا که شامل :
۱ـ برشمالی خیابان ورامین وکوچه‌های بن‌بست آن .
۲ـ برشرقی خیابان صداقت وکوچه های بن‌بست آن .
۳ـ برشمالی کوچه جنوبی محوطه امامزاده عبدالله وکوچه های بن‌بست آن .
۴ـ برغربی خیابان دارابی وکوچه های بن‌بست آن .
علاوه برمحدوده های بالا منحصرا ساکنان :
۱ـ برخیابانهای سپهبد رزم‌آرا وکوچه های بن‌بست آن بین کوچه افضلی ومیدان ورامین
۲ ـ خیابان ابن بابویه وکوچه طغرل تامحلی که لوله‌گذاری شده وکوچه های بن‌بست آن بین کوچه طغرل وسه راه ورامین طبق نقشه های موجود :

دعوت مینماید‌چنانچه مایل باستفاده ازآب تصفیه شده لوله‌کشی میباشند ازتاریخ اول‌شهریور ماه ۱۳۴۴ تا آخر وقت اداری روز۲۹ آبانماه۱۳۴۴ برای تسلیم برگ اعلام تمایل (متدرجاطبق نوبت تعیین شده دربرگ اعلام تمایل) با توجه بشرائط ذیل بباجه این سازمان واقع درخیابان‌ششم بهمن مقابل فرمانداری مراجعه ودرخواست انشعاب فرمایند .

۱ـ سازمان آب منطقه‌ای تهران فقط هزینه نصب انشعاب اختصاصی را بطور علی الحساب وباقساط براساس آئین نامه ومقرراتیکه درباره مشترکان تهران اعمال مینماید دریافت میدارد.

۲ـ عوارض مخصوص لوله کشی که شهرداری شهرری بطور علی‌الحساب (تا تعیین قطرواقعی انشعاب توسط سازمان‌آب منطقه‌ای تهران دریافت میدارد) یك چهارم نقد وبقیه درسه قسط متساوی ماهانه میباشدمتقاضیان بایدعوارض مقرره را با معرفی نامه شهرداری‌شهرری بحساب شماره۱۵۲۳ بانك ملی ایران ـ شعبه شهرری پرداخت و قبض رسید آنرا بشهرداری‌تسلیم نمایند .

۳ـ سازمان آب منطقه‌ای تهران پس ازگواهی شهرداری شهر ری‌مبنی برپرداخت عوارض‌اقدام بباز نمودن شیر آب متقاضیان نموده واستفاده از آب عملی خواهدشد .

ضمنا باطلاع ساکنان محترم میرساند چون طبق تعهدی‌که شهرداری شهرری جهت پرداخت هزینه های توسعه تاسیسات بسازمان آب منطقه ای تهران نموده قسمتی از محل پرداخت هزینه های مربوطه از عوارض لوله‌کشی تامین میگردد و درصورت عدم مراجعه و تاخیر در پرداخت عوارض مقرره اجرای این برنامه بعهده تعویق خواهد افتادلذا انتظار دارد ساکنان محترم در محدوده آگهی هرچه زودتر در پرداخت عوارض مربوطه اقدام نمایند تا سازمان آب بتواند بتعهد خودکه دوثلث ازکار را باید تاآخر سال جاری وبقیه را حداکثرتاپایان تیر ماه سال ۱۳۴۵ انجام دهد عمل‌نموده وآب تصفیه شده را در اختیار ساکنان محترم قرار دهد .

سازمان آب منطقه‌ای تهران

شهردارشهرری ـ سید علاء الدین معینی

ترجمه: صابر ایران پرور

توریسم و رشد اقتصادی

توریسم که معادل آن در فارسی سیاحی یا جهانگردی است موضوع نسبتا کهنه سیاسی و عامل نو شناخته اقتصادی واجتماعی است چه این کلمه در قالب مفاهیم سیاسی از زمانهای بسیار قدیم مرسوم ورایج بوده است: برای توسعه حیطه فرمانروائی سلاطین، راه یافتن بکشور های دیگر و بسط نفوذ سیاسی در آنها جهانگردی یك وسیله بوده و بدیهی است تامین مقاصد سیاسی باین ترتیب خواه ناخواه نتایج اقتصادی و اجتماعی هم ببار میآورده. لیکن هنوز توریسم بصورت عامل مستقل اقتصادی عمل نمیکرد. تطور تاریخ وتحولات سیاسی واقتصادی مفهوم قدیمی توریسم را کم وبیش دگرگون کرده وجنبه اقتصادی آنرا تقویت کرد تا آنجا که آنرا نوعی تحرك نیرو و سرمایه معرفی نمود

بطوریکه امروز بیشتر کشورها (اغلب کشورهای صنعتی وثروتمند) که وسایل لازم برای پذیرائی سیاحان را دارا میباشند عواید سرشاری از این رهگذر کسب میکنند ودر حسابهای ملی خود مقام خاصی برای توریسم قائل اند. کشورهای درحال توسعه هم که درفکر توسعه اقتصادی خود بوده واحتیاج مبرمی بمنابع عایدی دارند این مسئله را با دقت هرچه بیشتر ارزیابی میکنند. اما باید دید چه رابطه منطقی بین این دو موضوع ظاهرا نامأنوس (توریسم وتوسعه اقتصادی) وجود دارد؟ مطالعه مقاله زیر که ازمجله (World Travel) ترجمه شده وتوجه بآمار وارقام آن به درك مطلب یاری خواهد نمود.

(مترجم)

موفقیت کلماتی نظیر رشد وتوسعه - برنامه ریزی- سازمان وغیره یك امر کاملا اتفاقی نیست بلکه موفقیت آنها با آگاهی وسیع جهانی به اختلافات اقتصادی بین المللی ولزوم کوششهای مداوم و همگانی برای ازبین بردن ویا دست کم تقلیل نابرابریهای موجود درسطح زندگی ملتها ارتباط دارد. وخود این حقیقت مسلم باعث مقبولیت برنامه ریزی اقتصادی گردیده است. اوتانت دبیرکل سازمان ملل متحد در گزارش خود در سال ۱۹۶۲ اظهارداشت: «با توجه بامتیازاتی که ازتوسعه برنامه ریزی حاصل میشود امروز اتفاق نظر کامل دراین زمینه بوجود آمده است»

برنامه ریزی هرچند درحوزه اجرائی خودش سعی میکند موجبات یك تحرك ورشد متعادل را سریعتر وکم خرجتر از توسعه خود بخود ناشی از اجرای اصل آزادی اقتصادی Laissez-Faire فراهم کند لکن کشورهائیکه اکنون بیك سطح زندگی بالاتری نائل شده اند در مسیر تکامل خود به تدریج گام برداشته اند.

رشد هماهنگ

سیاست رشد هماهنگ وعقاید خاصی که دراین باره ابراز شده اصولا متوجه توسعه متوازن رشته های اصلی در سرتاسر قلمرو ملی است. اعمال این سیاست بوسیله کمك مالی بدون تورم واختصاص منطقی منابع بودجه بین پول وهزینه سرمایه گذاری نه تنها مصرف را با ظرفیت تولید (بدون آسیب

رساندن بسرمایه‌گذاری و تجارت خارجی) تعادل خواهد بخشید بلکه اقتصاد کشوررا برای تولید وصدور کالاهای گوناگون یاری خواهد نمود . البته تکمیل و موفقیت نهائی این سیستم توسعه فقط در چهار دیواری روابط بین‌المللی قابل تصور است .

تجارت مبتنی برصادرات زمینه تولید را در بازار داخلی وسعت بخشیده واز این طریق حجم تولید واشتغال را بالا میبرد همچنین بوسیله تامین تمام ویا حداقل قسمتی از سرمایه‌که برای از میان برداشتن موانع اقتصادی ضروری میباشد ترقی وتکامل کشورهای درحال توسعه را تسهیل مینماید. واردات خاصه واردات سرمایه پس از انقضای موعدی که برحسب سکتور های تولیدی فرق میکند به کشورهای درحال رشد و توسعه امکان میدهد که از ردیف قرض گیرندگان برديف قرض دهندگان انتقال یابند. کوشش سبقت جویانه کشورهای درحال رشدکسری موازنه بازرگانی آنها را بحد قابل تحملی رسانده وبتدریج بدنبال تحولات وتغییرات شالوده وساختمان اقتصادی آنها (عبور ازمرحله تولید تخصصی و تولید یك محصول معین)میزان کسری را پائین خواهد آورد تاحدی، که بالاخره دارای موازنه مثبت بشوند .

تامین سرمایه لازم برای اجرای نقشه‌ها بمنظور رسیدن بهدفهای اقتصادی ـ اجتماعی دراین کشورها خصوصا ازطریق تجارت خارجی مطمئن ترین وموثرترین وسیله نیل بتوسعه اقتصادی است افزایش تولید واشتغال باعث بهبود توزیع درآمدها شده وهمه اینها بنوبه خود افزایش سطح پس‌انداز ملی راکه ملازمه کاملی با سرمایه‌گذاری دارد سبب میشوند. افزایش صادرات همچنین امکان افزایش حجم واردات را فراهم میسازد بدیهی‌است تمام این نقل و انتقالات نوسان غیرقابل انکاری در سطح زندگی مردم ایجاد مینماید وانعکاس زنجیری این جریان دینامیك بوسیله‌آثار «برهم فزاینده» وتسریع کننده خود ، رشد اقتصاد ملی را تحقق می‌بخشد اتخاذ سیاستهای مالی وپولی و بازرگانی احتمال شکستهائی راکه میکانیسم سرمایه‌گذاری دراین کشورها قبلا با آن مواجه بود . تخفیف میدهد.

اکنون این بحث پیش میآیدکه آیا در رشد هماهنگ‌سکتورهای مختلف تولیدی محل اعرابی برای توریسم وجود دارد ؟ در بدو امر اثبات این موضوع ـ چنانچه توریسم یك صنعت تجملی تلقی شود ـ بعید بنظر میرسد وبعضی ازکارشناسان حق تقدم را برشته‌های کشاورزی ـ صنعتی ـ ساختمانی یا بطور عموم سایر متعلقات ساختمان اقتصادی میدهند . لکن صاحبان این نظر استنباط غلطی از مفهوم و وظایف واقعی توریسم‌که عبارت از ترویج توسعه و بسط میراث ملی (National heritage) بوسیله‌متنوع کردن تولید، توسعه معقول دیگر متعلقات ساختمان اقتصادی وبالا بردن سطح اشتغال وجلب ارز خارجی‌است، دارند. توریسم کلیه فعالیتهای اقتصادی را در برگرفته ودرتمام بخشهای اقتصادی همانطورکه هستند موثر واقع میشود در واقع بدون در نظرگرفتن مصرف‌کنندگان نهائی‌کمتر صنعتی است که مستقیما و یا بطور غیر مستقیم از مواهب این فعالیت سوم (توریسم) منتفع نگردد .

خالی بودن جای توریسم (که فی‌حد ذاته عامل بسیار قوی میباشد) در برنامه ریزی‌اقتصادی واجتماعی معادل اینستکه‌کسی خودش را از دارائی عظیمی محروم سازد، این محرومیت بهرحال در مقیاس ملی وبین‌المللی آشکار خواهد شد ؛ درسطح بین‌المللی بصورت محرومیت ازتحصیل ارزی که در موازنه پرداختها ظاهرمیشود ودر سطح داخلی بصورت عدم استفاده کامل ازمنابع تولیدی وظرفیت وتوانائی واقعی آن .

منافع گنجانیدن توریسم در برنامه ریزی داخلی کاملا واضح است بشرطیکه موضوع در وهله اول درسطح بین‌المللی موردآزمایش قرارگرفته سپس درسطح داخلی مورد سنجش قرارگیرد. البته مطالعه و مدقه در وضع توریسم بین‌المللی مطلب را تا اندازه‌ای روشن میکند.

توریسم بین المللی ۱۹۶۲ - ترافیك وعواید جلب سیاحان
(ارقام به دلار امریکا)

نواحی	وارد شده ها		عواید	
	ارقام قطعی	درصد	ارقام قطعی	درصد
اروپا	۵۸٫۷۷۹٫۸۶۶	۷۲٫۲۷	۴٫۸۲۱٫۰۰۰٫۰۰۰	۵۹٫۴۱
امریکا شمالی	۱۶٫۳۸۵٫۳۶۴	۲۰٫۱۵	۱٫۴۴۵٫۰۰۰٫۰۰۰	۱۷٫۸۰
امریکای لاتین	۳٫۰۲۳٫۷۷۲	۳٫۷۲	۱٫۱۸۷٫۰۰۰٫۰۰۰	۱۴٫۶۳
خاورمیانه	۹۶۳٫۹۲۱	۱٫۱۸	۱۰۸٫۰۰۰٫۰۰۰	۱٫۳۴
آفریقا	۹۷۹٫۶۱۷	۱٫۲۰	۱۶۴٫۷۰۰٫۰۰۰	۲٫۰۳
آسیا واسترالیا	۱٫۲۰۰٫۸۳۱	۱٫۴۷	۳۸۸٫۸۰۰٫۰۰۰	۴٫۷۹
مجموع	۸۱٫۳۲۲٫۷۷۱	۱۰۰ درصد	۸٫۱۱۴٫۵۰۰٫۰۰۰ دلار	۱۰۰ درصد

از ترازنامه مربوط بسال ۱۹۶۲ نتایج زیرحاصل میشود :

۱- از لحاظ ارقام عایدات و واردشدگان در بین منـاطق اصلی جغرافیائی اختلاف زیـادی وجود دارد .

۲- کشورهای صنعتی بیشترین مقدار عایدات را بخود اخصاص داده اند.

۳- مناطقی که درآمد زیـاد بدست آورده‌اند مناطقی هستند که تولید نا خالص سرانه آنهـا خیلی زیـاد برعکس تمرکز جمعیت درآنها نسبت بسایرنقاط جهان کم است .

آیا کشورهادرحال رشددر تقسیم درمنافع‌حاصله از توریسم مستثنی شده اند ؟ البته جواب این سئوال یامنفی است‌ویادست‌کم‌میتوان گفت‌که اینجاحکم دربـاره همه آنها صادق‌نمیباشد فهرست ۱ (ستونهای ۱-۳-۴و۷)دوگروه‌کشورهارانشان‌میدهد، گروه‌اول‌کشورهائی هستندکه دارای موازنه مثبت درزمینه توریسم هستندگروه دوم برعکس کشورهائی میباشندکه موازنه توریسم آنها منفی است‌چون این‌موازنه فی حدذاته و ازلحاظ اهمیت نسبی دارای معنی خاصی نمیباشد لذا عواید توریسم در هر حال مورد مقایسه قرار میگیرد.

توریسم‌وموازنه پرداختها در ۱۹۶۱

کشور - (پول رایج)	جمعیت به میلیون	عواید توریسم	هزینه های مسافرت	عواید سرانه توریسم	هزینه سرانه‌مسافرت
آرژانتین میلیون‌دلار	۲۱/۰۷۹	۹/۷	۲۵/۹	۰/۴۶	۱/۲۲
اطریش « «	۷/۰۸۱	۲۷۷/۰	۶۱/۰	۳۹/۱۱	۱/۲۲
بولیوی « «	۳/۵۰۰	۰/۶	۱/۱	۰/۱۷	۰/۳۱
چین ملی « «	۱۰/۹۶۱	۲/۵	۲/۱	۰/۲۲	۰/۱۹
کلمبیا « «	۱۴/۴۴۳	۲۲/۶	۲۴/۱	۱/۵۶	۱/۶۶
کوستاریکا « «	۱/۲۲۵	۷/۴	۵/۵	۶/۰۴	۴/۴۸
اکوادور « «	۴/۴۵۵	۳/۹	۴/۴	۰/۸۷	۰/۹۸
فرانسه « «	۴۵/۹۶۰	۵۶۵/۰	۳۹۹	۱۲/۲۹	۸/۶۸
یونان « «	۸/۴۰۲	۶۸/۱	۱۹/۳	۸/۱۰	۲/۲۹
ایسلند « «	۰/۱۷۹	۰/۸	۲/۸	۴/۴۶	۱۵/۶۴
اندونزی « «	۹۵/۶۵۵	۰/۶۵	۸/۱	نادر	۰/۰۸
اسرائیل « «	۲/۱۸۵	۳۰/۳	۱۶/۴	۱۳/۸۶	۷/۵۰
ایتالیا « «	۴۹/۴۵۵	۷۵۵/۱	۱۰۷/۷	۱۵/۲۶	۲/۱۷
ژاپن « «	۹۴/۰۵۰	۴۷/۴	۵۲/۵	۰/۵۰	۰/۵۵

مکزیک	«	«	۳۶/۰۹۱	۷۰۸/۲	۳۲۲/۹	۱۹/۶۲	۸/۹۴
پاراگوئه	«	«	۱/۸۱۲	۱/۲	۱/۵	۰/۶۶	۰/۸۲
پرو	«	«	۱۰/۳۶۵	۲۳/۴	۲۲/۲	۲/۲۵	۲/۱۴
اسپانیا	«	«	۳۰/۵۵۹	۳۸۴/۶	۵۴/۱	۱۲/۵۸	۱/۷۷
تایلند	«	«	۲۷/۱۸۱	۷/۷	۱۲/۲	۰/۲۸	۰/۴۴
ترکیه	«	«	۲۸/۶۰۲	۷/۱	۱۲/۳	۰/۲۴	۰/۴۳
امریکا	«	«	۱۸۳/۷۴۲	۹۷۵	۱۷۴۷	۵/۳۰	۹/۵۰
اروگوئه	«	«	۲/۷۵۸	۳۵/۰	۱۰/۲	۱۲/۶۹	۳/۶۹
ونزوئلا	«	«	۷/۵۹۰	۳/۳	۶۲/۸	۰/۴۳	۸/۲۷
یوگسلاوی	«	«	۱۸/۶۰۷	۲۰/۲	۱۲/۱	۱/۰۸	۰/۶۳
آلمان فدرال			۵۴/۰۲۷	۲۰۳۵	۳۴۵۲		
استرالیا			۱۰/۵۰۸	۸/۰	۱۶/۶		
کانادا			۱۸/۲۶۹	۴۸۲	۶۴۲		
دنمارك			۴/۶۱۷	۸۲۵	۶۱۵		
جمهوری دومنیکن			۳/۰۹۸	۲/۵	۴/۲		
هندوستان			۴۴۱/۶۳۱	۴۷	۱۱۳		
ایرلند			۲/۸۱۵	۴۳/۵	۱۶/۳		
اردن	دینار		۱/۶۹۰	۴/۳۴	۲/۴۴		
نروژ	کرون		۳/۶۱۱	۴۰۰	۴۱۰		
پاناما			۱/۱۰۹	۲۹/۹	۷/۴		
پرتقال			۹/۱۹۶	۸۹۰	۵۱۱		
سوئد			۷/۵۲۰	۳۶۸	۵۶۰		
جمهودی متحده عرب			۲۶/۵۹۳	۳/۳	۶/۷		
انگلستان	پوند		۵۲/۹۲۵	۱۸۱	۲۰۴		
بلژیك			۹/۱۸۴	۶/۶	۹/۲		
قبرس			۰/۵۷۷	۲/۸	۲/۰		
اتیوپی			۲۱/۶۰۰	۱۰/۴	۱۰/۶		
گواتمالا			۳/۸۸۶	۶/۱	۴/۰		
هیتای			۴/۲۴۹	۴۱/۳	۴/۴		
هندوراس			۱/۸۹۳	۲/۵	۳/۴		

مشخصات مربوط باین بررسی درفهرستهای ۲و۳ ارائه شده است .

اکنون بایداثر و نفوذ توریسم درموازنه کالاها و خدمات خالص مورد ارزیابی قرار بگیرد مطابق متد پروفسور کراف **Krauf** کشورها به پنج گروه تقسیم شده‌اند :

۱ـ کشورهائیکه توریسم درآنجا باعث موازنه کالاها وخدمات خالص است منهای توریسم

۲ـ کشورهائیکه توریسم در آنجا موجب تقلیل موازنه مثبت کالاها و خدمات خالص منهای توریسم است

۳ـ کشورهائیکه توریسم کسرموازنه کالاها وخدمات خالص آنها را تامین‌میکند منهای توریسم

۴ـ کشورهائیکه توریسم به ازبین رفتن موازنه‌کالاها کمك میکند منهای توریسم

۵ـ کشورهائیکه درآنجا توریسم فقط موجب بدتر کردن موازنه منفی موجود کالاها و خدمات خالص میشود منهای توریسم

توریسم وفعالیتهای داخلی

اشتباه است اگر مسئله توریسم منحصرا درسطح روابط بین‌المللی‌مورد بررسی قرارگیرد چه آثار بسیارمحسوس آنرا میتوان دربین سکتورهای تولیدی داخلی نیز آشکارا ملاحظه نمود. درکشور هائیکه مکانیزاسیون واتوماسیون درآنجا کمتر رشد یافته بخش توریسم بهترین نمونه فعالیت بشمار رفته وخدمات اشخاص مهمترین منبع درآمد بحساب میآید. توریسم مسئله بیکاری آشکار و پنهان را تا اندازه‌ای میتواند حل کند. اشتغالی که دراثر فعالیتهای توریستی داخلی و بین‌المللی بوجود میآید بیکاری را ازبین برده وتوزیع در آمد ملی را بهبود خواهد بخشید ولی چون توریسم یك فعالیت فصلی است، (علیرغم کوششهائی که برای ازبین بردن‌این‌سیستم وترتیب مرخصیها بنحو بهتر میشود) ازاینرو تقاضا برای نیروی انسانی اضافه نیز لزوما فصلی خواهد بود.

از هتل و وسایل عایدی دیگری که بسهولت میتوان ازآنها بطرق دیگراستفاده نمود بگذریم هیچ نوع وسایل سرمایه‌ای و یا ماشین دیگری که منحصرا در خدمت توریسم باشد وجود ندارد. پیشرفت وسایل فرعی ساختمان اقتصادی (**Substracture**) ازقبیل بنادر جاده ها- فرودگاه ها- بناهای متعدد- برق وغیره عموما بنفع اقتصاد خاصه توریسم میباشد. سرمایه‌گذاری خارجی دراین زمینه در تحلیل نهائی از دوراه بنفع ملت تمام میشود درمرحله اول آثار هزینه نصب ماشین‌بصورت حقوق‌کارگران، خریدکالاهای داخلی بوجود آمدن صنایع مکمل و فعالیتهای ثانوی و خلاصه ضریب افزایندگی سرمایه‌گذاری درسطح اقتصاد ملی ظاهرمیگرددوسپس بمحض‌اینکه ماشین بکار افتادآثار ناشی از تاسیسات جدید تولیدی در اقتصاد پدید میآیند.

کمك توریسم به رشد اقتصادی‌کشورهای درحال‌توسعه این حقیقت راکه این فعالیت سوم فقط منحصر بجنبه‌های بین‌المللی نمیباشد درنظر پنهان نمیسازد،رشد اقتصادی ناشی‌از برنامه‌ریزی سطح زندگی ملت را پیوسته ارتقاء خواهد بخشید. متصدیان ومجریان برنامه های توریستی باید متوجه باشندکه ایجاد وسایل مسافرت مناسب و بهتر بایستی مقدم برتاسیسات تجملی باشد البته این باین معنی نیست که تاسیسات تجملی اصلا از برنامه حذف ویا ندیده‌گرفته شود لکن طرح کنندگان برنامه های توریستی نباید فراموش‌کنندکه سودمندی موسسات موجوددرآینده متکی برتوریسم‌داخلی‌خواهد بود. بنابراین توریسم بین‌المللی و داخلی باید حتما بموازات هم مورد توجه قرار بگیرند اغلب کشورهای پیشرفته ابتدا توجه خود را بیشترمعطوف توریسم بین‌المللی کرده سپس وبعداز چند دوره انجام‌کالاهای‌اجتماعی متعدد بطرف توریسم داخلی وبین‌المللی هردوگرایش پیداکردند. اینك‌کشور های درحال توسعه باید ازگذشته عبرت‌گرفته وازهم‌اکنون برای هموارکردن راه تلاش‌کنند وتوریسم نباید بیش‌از این شکوفه زائد نهال اقتصاد محسوب شود.

مسافرت و موازنه پرداختها

درصد عواید توریسم در مقایسه با بعضی از اقلام موازنه پرداختها در سال ۱۹۶۲

کشور	درصد عواید توریسم‌نسبت بمجموع درآمد های نامرئی	درصد عواید توریسم نسبت بصادرات‌کالا	درصد عواید توریسم نسبت‌بمجموع صادرات‌کالا وخدمات
	درصد	درصد	درصد
آلمان فدرال	۱۶٫۳۵	۴٫۰۷	۳٫۲۶
اطریش	۵۸٫۳۱	۲۸٫۰۶	۱۸٫۹۶
بلژیك ولوکزامبورك	۱۲٫۰۸	۳٫۴۹	۲٫۷۱
کانادا	۳۶٫۶۹	۸٫۲۱	۶٫۷۰

دانمارک	۲۵٫۳۴	۷٫۸۸	۶٫۰۱
اسپانیا	۶۰٫۴۲	۶۵٫۱۰	۳۱٫۳۳
امریکا	۹٫۸۹	۴٫۴۹	۳٫۰۹
فرانسه	۲۷٫۶۵	۱۰٫۸۱	۷٫۷۷
یونان	۱۸٫۴۴	۳۱٫۲۷	۱۱٫۶۰
ایرلند	۳۸٫۷۸	۲۷٫۶۴	۱۶٫۱۴
ایسلند	۲٫۵۶	۱٫۱۹	۰٫۸۱
ایتالیا	۳۰٫۹۰	۱۸٫۴۸	۱۱٫۵۶
نروژ	۵٫۳۸	۶٫۱۹	۲٫۸۷
هلند	۱۲٫۲۳	۴٫۳۲	۳٫۱۹
پرتقال (۱۹۶۰)	۱۵٫۶۸	۹٫۷۵	۶٫۰۱
انگلستان	۹٫۱۵	۵٫۵۱	۳٫۴۴
سوئد	۹٫۲۴	۲٫۵۹	۲٫۰۲
سویس	۵۵٫۸۴	۱۹٫۴۰	۱۴٫۴۰
ترکیه	۶٫۱۰	۲٫۰۰	۱٫۵۰
مکزیک	۹۳٫۵۷	۸۴٫۳۷	۴۴٫۳۷
اروگوئه	۷۳٫۵۲	۲۰٫۰۳	۱۵٫۷۴
پرو	۳۱٫۵۷	۴٫۵۹	۳٫۹۹
ژاپن	۴٫۶۶	۱٫۱۴	۰٫۹۱
اسرائیل	۲۱٫۱۰	۱۲٫۷۰	۸٫۰۶
شیلی	۴۶٫۴۸	۷٫۸۶	۶٫۸۷
یوگسلاوی	۱۲٫۲۳	۳٫۴۷	۲٫۷۰
ونزوئلا	۲٫۵۳	۰٫۱	۰٫۱
ایران	۲٫۶۷	۰٫۱۹	۰٫۱۸
برزیل	۱۹٫۱۶	۱٫۶۳	۱٫۵۰
آرژانتین	۴٫۱۷	۱٫۰۰	۰٫۸۱
بولیویا	۱۳٫۶۳	۱٫۰۴	۰٫۶۳
چین ملی	۶٫۶۳	۱٫۲۷	۱٫۰۶
کلمبیا	۲۲٫۲۴	۴٫۸۸	۳٫۹۰
ریکا	۴۰٫۰۰	۸٫۸۶	۷٫۲۵
اکوادور	۴۳٫۳۳	۲٫۹۴	۲٫۷۵
نیکاراگوا	۱۴٫۷۶	۳٫۵۳	۲٫۵۹
پاراگوئه	۲۲٫۶۴	۲٫۷۳	۲٫۴۳
تایلند	۱۲٫۲۰	۱٫۶۲	۱٫۴۳
فیلیپین	۴٫۴۶	۰٫۸۶	۰٫۷۰
فنلاند	۹٫۳۱	۱٫۸۱	۱٫۵۱

منابع : سازمان اروپائی همکاری اقتصادی، توریسم دراروپا ۱۹۶۳ (از آلمان تا ترکیه)
صندوق بین‌المللی پول - سالنامه موازنه پرداختها ۱۹۶۳ (از مکزیک تا فنلاند)

از: Finance and Development ارگان صندوق بین‌المللی پول
شمارهٔ اول ـ مارس ۱۹۶۵

ترجمه : نصرت الله حلمی

نوشته : Poul Hust Madsen
معاون قسمت بررسی‌ها و آمار صندوق بین‌المللی پول

فرار سرمایه‌ها

از کشورهای در راه رشد بکشورهای پیشرفته

در تحلیل علل فقر و عقب ماندگی کشورهای در راه رشد در همه‌جا به عامل «کمبود سرمایه» برمیخوریم ـ سرمایه برای خرید ساز و برگ صنعت، سرمایه برای تعلیم کادرهای فنی و مدیران، سرمایه برای اجرای طرحهای تولیدی و و و ... وسیاست «کمك» ـ هرچند سودجویانه وسود اگرانه ـ برای رفع این مشکل از طرف کشورهای صنعتی و توانگر تعقیب میشود . در این گیرودار و درچنین شرایطی، هیچ چیز جالب تر وغم انگیز از فرار یا «انتقال» سرمایه از گروه کشورهای ندار بگروه پیشرفته ودارا نیست . در این مقاله که بقلم معاون قسمت بررسیها و آمار صندوق بین المللی پول به تحریر رفته گوشه‌ای از این حقیقت نمایانده شده ـ هرچند نویسنده بسیار کوشیده تا تمام حقایق بازگو نشود. این موضوع از آخرین جمله او پیداست : «... از آنجا که پیوند کشورهای توسعه یافته با ممالك درحال رشد یکی از مسائل مهم قرن حاضر است ، محققینی که با آمارهای ناقص و مبهم کنونی سروکاردارند بایستی ازهرگونه اظهار نظر که مبتنی برحقایق مسلم نباشد ، اجتناب ورزند.» ـ و چون آمارها عموماً «ناقص و مبهم» است ، از اینرو محققین باید ـ بنابتوصیه نویسنده ـ هیچ نگویند !

« بعقیدهٔ نگارندهٔ این مقاله، شایعات نشان میدهد که سرمایه‌های عظیمی بطور»
« مدام ازکشورهای در حال رشد بخارج منتقل میشود . طبق بررسی ذیل بسیاری از»
« ارقامی‌که دراین زمینه انتشار یافته واقعیت ندارد و لذا باید هنگام بررسی عوامل»
« توسعه اقتصادی باین شایعات با احتیاط تمام نگریست »

انتقال سرمایه‌های خصوصی ازکشورهای درحال رشد بکشورهای توسعه یافته یکی از مسائل پیچیدهٔ پرداخت های بین‌المللی است. این‌انتقال گاهی ـ و در بعضی مناطق جهان ـ بسیار عظیم است درحالیکه این موضوع کمتر مورد عنایت واقع شده است. بهمین سبب اگر ازیکی از متخصصین آمار تراز پرداخت‌ها بخواهند میزان مجموع این انتقالات را برآورد کند هرگز قادر به انجام آن نیست. او نه تنها نمی‌تواند ارقام دقیقی دراین باره عرضه کند، بلکه حتی نمی‌تواند ازچگونگی انتقال سرمایه ها نیز استنباط روشنی داشته باشد. بهنگام گشایش کنفرانس توسعه وتجارت سازمان‌ملل متحد درژنو(بهار ۱۹۶۴) ازصندوق بین‌المللی پول خواسته شد که گزارشی دربارهٔ « میزان و جهت کلی انتقال سرمایه های کوتاه مدت ازکشورهای درحال رشد بکشورهای‌توسعه یافته » تهیه کند. گزارش مزبور گرچه حاوی

آمار های بسیاری دراین زمینه بود لکن بهیچ وجه جوابگوی خواسته های کنفرانس نبود وبرای پرسش‌هایی که کنفرانس مزبور مطرح ساخته‌بود جواب‌های ساده وروشنی دربرنداشت. بخش اعظم این گزارش به بحث پیرامون علل عدم امکان ثبت انتقال سرمایه های خصوصی از کشورهای درحال رشد بکشورهای توسعه یافته درآمار تراز پرداختها ، اختصاص یافته بود. حتی پیکره‌های آماری گزارش مزبور نیزرقمی بدست نمیداد که بتوان آنرا بعنوان میزان انتقال سرمایه ازکشورهای درحال رشد بکشور های توسعه یافته مورد استفاده قرارداد .

علت ابهام برآوردها

برای کسی که همیشه با مشکل برآورد میزان سرمایه های انتقالی (۱) مواجه بوده ، این امرموجب شگفتی است که برخی بسادگی برآوردهایی دراین زمینه بعمل میآورند که بسرعت کسب اعتبار می کند. اگربرآوردی ـ هرچند بی اساس ـ چندین باردرموارد مختلف مورد استفاده قرارگیرد ویاخصوصاً اگردر مطبوعات انتشاریابد، رفته رفته ارزش خاصی کسب میکند ودر افکار عمومی تأثیر قابل توجهی برجای میگذارد.

یکی از نمونه‌های جالب وآموزندهٔ این پدیده را میتوان در مباحثاتی کـه درمـاه مه ۱۹۶۲ درکمیتهٔ روابط اقتصادی کشورهای امریکایی (که از کمیته‌های فرعی کمیسیون مشترك اقتصادی کنگرهٔ امریکاست) صورت گرفته مشاهده کرد . دراین جلسات قسمتی از شمارهٔ ششم مه ۱۹۶۲ مجلهٔ واشنگتن پست مطرح شدکه حاوی ارقام ذیل دربارهٔ خروج سرمایه ازامریکای لاتین بود :

« بسیاری از اقتصاد دانان محاسبه کرده‌اندکه هم اکنون حداقل۶ بلیون دلارازسرمایه های امریکای لاتین درکشورهای خارج مورد بهره برداری است .

دانیل اودبر Daniel Oduber، که قرار است سمت وزارت اقتصاد را درحکـومت جدید کوستاریکا که در هشتم مه تشکیل خواهد شد ، برعهده داشته باشد ، معتقد است که رقم مزبور درحدود ۱۰ بلیون دلار است.»

ارقام دیگری نیز دراین زمینه به کمیتهٔ مزبور عرضه شد. یکی از اعضای کمیته که ارقام بزرگی دراین‌مورد ارائه داده بود، با اطمینان بسیار اظهار داشت :

« فقدان حس‌اعتماد در سرمایه داران وطبقهٔ حاکمهٔ کشورهای امریکای لاتین موجب خروج سرمایه ازکشورهای مزبور است که در دههٔ گذشته میزان آن به۱۰ بلیون دلار بالغ گردیده است . البته رقم مزبور فقط مجموع سرمایه هایی است که ببانکهای سویس منتقل شده است. مجموع سرمایه‌هایی که برای خرید اوراق بهـادار ویا ایجاد سپرده در بانکهای نیویورك بایالات متحده منتقل شده تقریباً در حدود ۱۰ تـا ۱۲ بلیون دلار است . »

با استفاده از اطلاعات مزبور وشواهد دیگر کمیتهٔ مورد بحث نتیجهٔ زیر را بدست آورده ودر گزارش خود منعکس ساخت :

---

۱ ـ انتقال سرمایه بمفهومی که دراین مقاله بکاررفته منحصر به انتقال سرمایه های محلی (نه سرمایه های خارجی) ازکشورهای درحال رشد به خارج است. اماکـلیهٔ انتقالات سرمایه بخارج رانمی‌توان انتقال‌حقیقی‌سرمایه‌دانست؛ مثلا انتقال برخی سپرده‌های خارجی یا اعتبارات تجاری جزء انتقالات عادی سرمایه بشمار میروند. حتی گـاهی سرمایه‌گـذاریهای درازمدت‌کشورهای درحال رشد نیز ازهمین قبیل است‌مانند ممالکی که عواید خارجی‌آنها از محل صدورنفت بسیاراست اما درخودآن کشورها امکانات سرمایه‌گـذاری فوق العاده محدود است ودر نتیجه سرمایه‌های طویل مدت‌آنها بخارج منتقل میشود.

« بررسی‌هایی‌که بعمل‌آمده نشان میدهدکه بسیاری از سرمایه داران توانگرکشور های امریکای لاتین هرگز حاضر نیستند خطر سرمایه‌گذاری درکشورهای‌خودرا بر عهده بگیرند. این عدم تمایل بسرمایه‌گذاری موجب‌گردیده است‌که بخش عظیمی از سرمایه‌های موجود راه اروپا و ایالات متحده را درپیش بگیرد. مجموع این قبیل‌سرمایه‌ها طبق ارقامی‌که دراین‌کمیته عرضه شده بین ۵تا۱۵ بلیون دلاراست. اما رقم ۱۰ بلیون دلارکه وزیر اقتصادآتی‌کوستاریکا برآورد نموده بواقعیت نزدیکتر است. »

بمحض آنکه این‌گزارش انتشار یافت، برآورد ۱۰ بلیون دلار سرمایه های خارج شده از امریکای لاتین بیشتر واقعیت یافت. زیرا مجلهٔ اکونومیست آنرا تحت عنوان « ثروتمندان امریکای لاتین دارای۱۰ بلیون دلار سرمایه دربانکهای سویس وسایرممالك هستند وهمه ساله نیز درحدود یك بلیون دلار بخارج منتقل میکنند» از مطبوعات واشنگتن نقل‌کرد. علاوه بر این یکی‌از اعضای کمیتهٔ فرعی کنگره یکسال پس‌از تاریخ انتشار برآورد مزبور در یك سخنرانی عمومی اظهار داشت که این سرمایهٔ عظیم فقط طی چند سال گذشته بخارج انتقال یافته است .

برآورد های غیر رسمی

برای آنکه رقم۱۰ بلیون دلار انتقال سرمایه از امریکای لاتین قابل قبول بنظر برسد کمیتهٔ فرعی مذکور درگزارش خود اضافه نمودکه میزان سپرده های کوتاه مدت‌کشور های امریکای لاتین، طبق‌گزارش بانکهای ایالات متحده، طی پنج سال گذشته همیشه درحدود۲/۵ بلیون دلار بوده واین رقم جزئی از موجودی نقدی‌کشورهای مزبور در امریکاست. درحقیقت این ۲/۵ بلیون دلار نه‌تنها شامل سرمایه‌های افراد و بنگاههای خصوصی است بلکه شامل ذخایر رسمی وسپرده های بانکی بدلار امریکا نیز میباشدکه بهیچ وجه نمیتوان آنها را جزو سرمایه‌های انتقالی‌بحساب‌آورد. باکسراین مبلغ رقم باقیمانده، که سرمایه های خصوصی را تشکیل میدهد، بطور متوسط سالی یك بلیون دلار، طی پنج سال‌قبل از انتشارگزارش کمیته، بایالات متحده انتقال یافته است. حتی این رقم نیز نمی‌تواند دقیقاً گویای میزان سرمایه‌های انتقال یافته باشد. زیرا مسلماً رقم مزبور درآمدی راکه توسط شعب شرکتهای امریکایی در خارج یا اوراق سهام آنان تحصیل شده وبامریکا منتقل‌گردیده، نیز دربردارد.

رقم ۱۰ بلیون دلارکه یکی‌از اعضای‌کمیته بعنوان میزان سرمایه‌های امریکای لاتین‌در بانکهای سویس ارائه داد مثال جالبی است از اینکه چگونه، بسبب فقدان اطلاعات رسمی و صحیح، شایعات بسهولت توسعه یافته وکسب اعتبار میکنند. زیرا رقم مزبور، با اطلاعاتی‌که ازطرف بانکهای سویس درمورد مجموع ارزش اوراق بهادار وسپرده‌های بانکی مزبور انتشار یافت، معلوم شدکه با واقعیت فاصله بسیاردارد. این رقم در واقع چندین برابر مجموع سپرده های خارجیان دربانکهای سویس بود، درحالیکه برعکس میزان حقیقی این سرمایه ها رقم ناچیزی بنظر میرسید، بهمین‌نحو مجموع سپرده‌ها وسرمایه‌گذاری‌های امریکای لاتین درسویس بسال۱۹۶۰که بالغ بر۴بلیون دلار برآورد شده بود، ازاین رقم بسیارکمتر بوده است.

برآورد های غیر مستقیم

گاهی اوقات تصورات خاص دربارهٔ کثرت انتقال سرمایه ازکشورهای درحال رشد به کشورهای توسعه یافته بوجود میآیدکه با یك سلسله حسابهای‌سفسطه‌آمیز نیز تائید میشوند. مبنای عمدهٔ این تصورات آمارهایی است‌که ازطرف‌کشورهای توسعه یافته انتشار می‌یابد. حسابهای مزبور بیشتر باین‌جهت عاقلانه ومنطقی بنظرمیرسندکه نسبت به‌آمارهای منتشره از

طرف کشورهای توسعه یافته اطمینان واعتماد خاصی وجود دارد. این حسابها برفرضیهٔ مشکوک دیگری نیز متکی است وآن اینست که چون آمار تراز پرداختهای کشورهای توسعه یافته از صحت واعتبار کافی برخوردار است، بنابراین با جمع آنها میتوان برآورد مطمئنی از مجموع تراز پرداختهای کشورهای مزبور با ممالك درحال رشد بدست آورد. برخی ازسازمانها این روش را بمنظور آنکه میزان انتقال سرمایه‌های نا خالص را از کشورهای در حال رشد شگفت انگیز نشان بدهند، بکار بسته‌اند.

حتی اگر کلیهٔ فرضیاتی که دراینگونه محاسبات بکار میرود بواقعیت نزدیك باشد بازهم صحت نتایج حاصله مورد تردید است، زیرا آمارهایی که بدین منظورمورد استفاده واقع میشود نمیتواند کاملا مورد اعتماد باشد. چه اینکه بخش قابل توجهی از معاملات بین‌المللی کشورهای توسعه یافته درآمارهای آنها ثبت نمیشود، درسالهای اخیر آمارهای ایتالیا، سویس، انگلستان وایالات متحده دارای چنین نقیصه‌ای بوده‌اند. علاوه براین آمارها وارقامی هم که توسط کشور های توسعه یافته دراین زمینه انتشار می‌یابد با یکدیگر تفاوت بسیار دارند. درنتیجه نمیتوان انتظار داشت که با جمع ارقام تراز پرداختهای کشورهای مزبوربرآورد قابل اعتمادی بدست آید. مشکل خاص دیگری که دراینگونه محاسبات وجود دارد فقدان آمار تراز پرداختهای کشورهای کمونیست است. هرگونه برآورد غیرمستقیمی نیز که از طریق جمع تراز پرداختهای ممالك درحال رشد صورت بگیرد، عملا حاوی معاملات این کشورها با یکدیگر و معاملات آنها با کشورهای کمونیست نیز میباشد.

بنابدلایل فوق بر آوردهایی که از میزان خروج سرمایه از کشورهای درحال رشد بعمل میآید چندان قابل اعتماد نیست. یکی از عواملی که دراینگونه حسابها بسیار موثر است انتقال سرمایه های عظیمی است ازالجزایر که در سالهای اخیرصورت گرفته. در این مورد ذیلاسخن خواهیم گفت. بهرحال بدون درنظر گرفتن‌این عامل‌نیز، که باروش های مستقیم بهتر می‌توان مقدار آنرا معلوم ساخت، محاسبات مزبور نمی تواندبرای بدست‌آوردن این نتیجه که‌انتقال سرمایه از کشور های در حال رشد بخارج بسیار عظیم است، مبنای مطمئنی بشمار رود.

سایرروش های مستقیم

اگر برآوردهای تخمینی وهم چنین روش های‌غیرمستقیم راکه برای‌تعیین‌میزان‌انتقال سرمایه ازکشورهای در حال رشد بکار میرود نا دیده بگیریم، باید دید آیا روش دیگری برای انجام این منظور وجود دارد؟

با استفاده از بعضی روش های مستقیم می‌توان‌اطلاعاتی‌دراین زمینه ازطریق آمار تراز پرداخت ها بدست‌آورد. البته انتقال سرمایه معمولادر اینگونه آمارها ثبت نمی شود، یالااقل می توان گفت در مورد کشور هایی که صادرکنندهٔ سرمایه هستند چنین وضعی‌وجود دارد. معهذا انتقال مزبور اغلب در آمار تراز پرداخت ها منعکس میشود زیرا آمارهای مزبور دارای ردیفی جهت ثبت خروج یا ورود سرمایه هایی هستندکه جزئیات آنها معلوم نیست. موازنهٔ پرداخت ها یکنوع سیستم حساب مضاعف است، بدین معنی که در موردکلیهٔ معاملات ثبت شده ستون پرداختها، ستون دریافت ها باید متعادل باشد. لکن درعمل معمولا یکی ازایندوستون نسبت بدیگری‌بازادی نشان‌میدهد. این‌عدم‌توازن بااضافه نمودن‌ستون «اشتباهات‌وافتادگی‌ها» از بین میرود. واردکردن این ستون در محاسبات نشان میدهدکه مقداری سرمایه بدون‌آنکه در جایی ثبت شود راه خارج را درپیش گرفته ویا بعکس واردکشورشده است، نوساناتی که درستون‌مزبورازدوره ای‌بدوره‌ٔدیگر بچشم میخورد ممکن‌است حتی درمواردی‌میزان سرمایه های انتقالی ثبت نشده را بیش از مقدار واقعی نشان دهد. علت این است که ستون «اشتباهات و

افتادگی ها » ممکن است حاوی اقلامی باشد که در واقع جز معاملات جاری بوده اند .

درسالهای اخیر یکی از نمونه های مهم انتقال سرمایه از کشورهای درحال رشد نمونه الجزایر است . پیش از اعلام استقلال این کشور سرمایه های عظیمی همراه اروپائیان ساکن این کشور که باروپا مهاجرت میکردند راه خارج را درپیش گرفت . قسمت اعظم سرمایه های مزبور به فرانسه منتقل شد که در ستون « اشتباهات و افتادگی ها » ی آمار تراز پرداخت های فرانسه باممالك ماوراءبحارعضو منطقه فرانك منعکس گردیده است. میزان این قبیل سرمایه ها در۱۹۶۰ - ۰/۹ بلیون ، در ۱۹۶۱ - ۱/۶ بلیون ودر ۱۹۶۲ بیش از۲ بلیون دلاربوده است . از آنجاکه آمار معاملات فرانسه باکشورهای ماوراء بحار عضو منطقه فرانك فرانسه کامل ودقیق نیست ، نمی توان گفت که ستون « اشتباهات وافتادگی ها » کاملا منعکس کنندهٔ میزان انتقال سرمایه بفرانسه است ، زیرا مثلا طبق برآوردهای رسمی میزان انتقال سرمایه های خصوصی از الجزایر بفرانسه در ۱۹۶۲ یك بلیون دلار بوده یعنی تقریبا نصف رقمی که دراین باره در ستون « اشتباهات وافتادگی ها» ذکر شده بود .

نمونه امریکای لاتین

آیا میزان سرمایه های انتقالی از امریکای لاتین با الجزایر قابل مقایسه است ؟ دراین موردهیچگونه دلیل آماری روشن نمی توان عرضه کرد . در مورد ممالك امریکای لاتین ، بر خلاف سایر کشورهای در حال رشد خارج از منطقه فرانك، هم گزارش های مرتبی درباره خروج سرمایه های محلی کوتاه مدت وجودداشته وهم اینکه ستون «اشتباهات وافتادگی ها »ی آنها میزان سرمایه های انتقالی را بیش ازحدواقعی نشان میدهد. برای دوران ۶۳ - ۱۹۶۲ بسیاری ازکشورهای در حال رشد آمار تراز پرداخت های خود را برای صندوق بین المللی پول ارسال داشتند. طبق این آمارها مجموع سرمایه‌های محلی کوتاه مدت این کشورها - باستثنای امریکای لاتین ومنطقه فرانك فرانسه - که بخارج انتقال یافته ودر ستون« اشتباهات وافتادگی‌ها» قید شده بود از چند صد میلیون دلار تجاوز نمی کرد درهمین دوران آمارهای ممالك امریکای لاتین میزان سرمایه های انتقالی را ۰/۸ بلیون دلار(رقمی که قسمت عمدهٔ آن از منابع آماری ایالات متحده استخراج شده) نشان میداد ؛ در حالیکه رقم خالص « اشتباهات و افتادگی‌ها » جمعا ۳/۳ بلیون دلار بود .

مجموع دورقم اخیر نمی تواند میزان دقیق سرمایه های محلی راکه از امریکای لاتین بخارج منتقل شده معلوم کند . اغلب تصور میشود که سرمایه های محلی انتقال یافته وثبت نشده بیش ازمیزانی است که درستون « اشتباهات وافتادگی ها » قید میشود ، زیرا این سرمایه‌های اغلب بصورتی خارج میشوندکه احتمال بحساب آمدن آنها در ستون مزبور خیلی کم است (مثلا اگر بمقامات مسئول ارقامی درباره صادرات داده شودکه بمراتب بیش از ارزش واقعی ارزیابی‌شده باشد ، یا درمورد واردات بحداقل ارزش محاسبه‌بعمل آمده باشد ، در اینصورت قسمتی ازسرمایه های انتقالی بصورت کسر تجاری یا مازاد تجاری در می آید) . اگراین استدلال درست باشد در اینصورت‌دو رقم فوق الذکررا می توان حد اقل بر آورد میزان سرمایه های انتقال یافته ازامریکای لاتین دانست .

امادرعین حال‌ممکن‌است‌ستون«اشتباهات‌وافتادگی‌ها» نیزمیزان سرمایه‌های انتقالی ثبت نشده رااغراق‌آمیز نشان‌دهد. زیراستون مزبورممکن‌است برخی‌دیگرازارقام ترازپرداخت‌هارا نیزدر برداشته باشد.در مورد امریکای لاتین‌نیمی از مجموع سرمایه های انتقالی که در ستون « اشتباهات و افتادگی ها » قید میشود تنها مربوط بدوکشور است که موازنه پرداخت های آنان همیشه ، حتی زمانی‌که هیچگونه‌انتقال سرمایه‌ای صورت‌نگرفته ، میزان انتقال سرمایه را درستون‌مزبورزیادنشان‌میدهد. این امرنشانهٔ وجود نقصی درسیستم‌های آماری ترازپرداخت

هاست که باحتمال زیاد هنگام ثبت معاملات جاری موجب بروز اشتباهاتی میگردد . در بعضی موارد دیگر بنظر میرسد که این اشتباهات ناشی از بازپرداخت اعتبارات تجاری جاری است که به ثبت نرسیده . نه از انتقال سرمایه های محلی بخارج . بادقت بیشتری در حساب موازنهٔ پرداختهای بسیاری از کشور ها می توان دریافت که بدهی هائی که درستون « اشتباهات وافتادگی ـ ها » ذکر میشود همیشه ناشی ازخروج سرمایه نیست ، هر چنددر بیشتر اوقات چنین رابطه‌ای ظاهراً وجود دارد یعنی بدهی ها معمولادر ایامی که اوضاع سیاسی و اقتصادی نامساعد سرمایه‌ها را بخارج گریز میدهد، بوجود میاید . بنا بدلایل مزبور نمی توان برمبنای آمارهای ممالك امریکای لاتین میزان مجموع سرمایه های محلی انتقال یافته را معلوم ساخت . فقط می توان گفت آمارهای مزبور بعضی شواهد مستقم (خصوصا با استفاده از منابع آماری ایالات متحده) در این زمینه ارائه میدهند ویا تا حدی مبین میزان انتقال سرمایه‌ها هستند .

آمارهای ممالك دریافت کنندهٔ سرمایه

اگر بدست آوردن شواهد آماری در مورد میزان سرمایه های انتقالی از کشورهایی که صادر کنندهٔ سرمایه‌های مزبور بوده‌اند مشکل است، باید دید آیا تحصیل همین آمارها از کشورهای دریافت کنندهٔ سرمایه امکان پذیر است؟ بدون شك می توان تا حدی میزان سرمایه‌های مزبور را با استفاده از آمار تراز پرداخت های ممالك توسعه یافته معلوم ساخت . اما در این مور نیز باید گفت که مساله بدین سادگی نیست. عموما آمارهای بیشتر این کشورها باندازهٔ کافی جزئیات سرمایه‌های محلی خارج شده از ممالك درحال رشد را در برندارند.

این مشکل درمورد ایالات متحده وجود ندارد زیرا آمارهای این کشور دارای دو نوع ثبت انتقالات سرمایه‌است : یکی درآمد سرمایه داران ممالك درحال رشدازمحل عملیات بانکی یا سایر موجودیهای کوتاه‌مدت آنها در ایالات متحده ودیگری خریدسهام شرکتهای امریکایی . مجموع نقل وانتقالات سرمایه های خصوصی ازامریکای لاتین به ایالات متحده در این دوطبقه ثبت شده وطی ۱۲ سال یعنی از ۱۹۵۲ تا ۱۹۶۳ معادل ۱/۲ بلیون دلار بوده . سهم سایر ممالك در حال رشد چندان قابل توجه نبوده است .

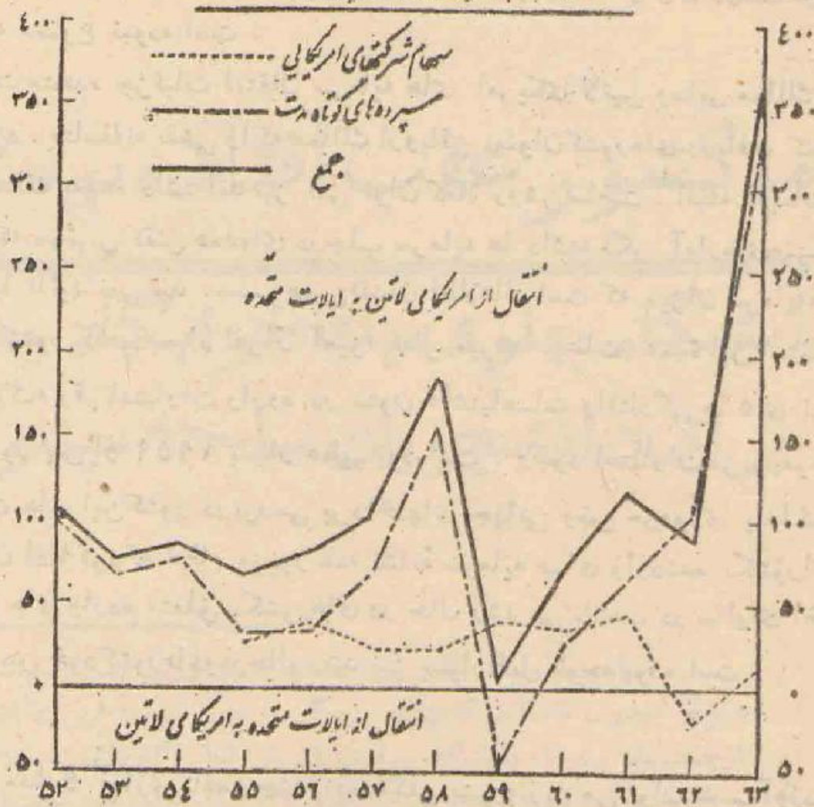
میزان سرمایه های انتقالی از امریکای لاتین به ایالات متحده ،طبق آمارهای کشوراخیر درنمودارصفحهٔ ۲۹ معمولا نشان داده شده‌است. طبق این نمودارمیزان موجودیهای کوتاه مدت درسال ۱۹۶۳ بسیارزیاد بوده ونشان میدهدکه ممکن است انتقال سرمایه‌های کوتاه مدت ازکشورهای در حال رشد نیز در این آمارها انعکاس یافته باشد، بعبارت دیگر اقلام مزبور برخلاف آنچه که همیشه تصور میرود ، از آمارها حذف نگردیده باشند. انتقالات ثبت شدهٔ سرمایه های کوتاه مدت در بسیاری از سالها ، باستثنای ۱۹۶۳ ، ومعاملات اوراق بها دار درکلیهٔ سنوات نسبتاً متوسط است . لکن جمع سرمایه های خالص انتقال یافته وثبت نشده از امریکای لاتین که ۱/۲ بلیون دلار نشان داده شده باید رقم واقعی تلقی شود .

انتقال سرمایه به اروپا

ارقام نمودارفوقرا با آمارهای ممالك امریکای لاتین نمی توان تطبیق کرد زیرا باستثنای

انتقال سرمایه‌های خصوصی

« ارقام به میلیون دلار امریکائی »



سال ۱۹۶۲، در بقیه‌سنوات میزان سرمایه های‌خارج‌شده از امریکای لاتین ، طبق[۴] آمارهای ممالك مزبور ، بمراتب از میزانی‌که آمارهای ایالات متحده نشان میدهد بیشتر است . در این مورد سه فرض می توان‌کرد : ۱) خروج سرمایه از امریکای لاتین‌کمتر از مقداری بوده که آمارهای ممالك مزبور نشان‌میدهد ، ۲) قسمتی ازسرمایه های انتقالی‌ممکن است به‌ایالات متحده‌منتقل شده باشدبدون آنکه مشخصات آنهامعلوم باشد یااینکه‌محل‌صدور آنها- یعنی‌امریکای لاتین-مشخص گردیده باشد و۳) بخش‌اعظم این‌قبیل‌سرمایه ها بکشورهای دیگرمنتقل شده‌است. فرض سوم ظاهراً بیشتر قابل قبول است . بطوری‌که از نمودار فوق برمی‌آید تا سال ۱۹۵۸ موجودی های خصوصی کوتاه مدت‌امریکای لاتین درایالات متحده تقریباً بطورمتوسط بیك‌میزان بوده است لکن‌درسالهای۱۹۵۹و۱۹۶۰ درآن تنزل فاحشی روی داده وسپس درسالهای ۶۳ تا ۱۹۶۱ بسرعت افزایش یافته است . دلایلی دردست‌است که نشان میدهددرسال ۱۹۶۰ سرمایه‌های عظیمی از ونزوئلا خارج گردیده‌که با نوسانات بحرانی‌دراز مدتی توام بوده است . بنابراین ممکن است درسالهای ۶۰- ۱۹۵۹ سرمایه های زیادی ازممالك امریکای لاتین به کشورهای غیراز ایالات متحده منتقل شده باشدکه علت‌آن باحتمال زیادازطرفی ضعف‌موقعیت دلار امریکا و از طرف دیگراستحکام پول برخی از ممالك اروپائی در این سالها بوده‌است. مضافاً برخی ازممالك اروپائی درسال ۱۹۵۸ تصمیم به حمایت ازسرمایه های خارجی گرفتند. با وجود آنکه لااقل در سالهای ۶۰-۱۹۵۹ قسمت اعظم سرمایه های انتقالی امریکای لاتین راه اروپا را درپیش گرفته ، معهذا نمی توان ادعا کردکه در سایر دوره‌ها ممالك اروپائی دریافت‌کنندهٔ عمدهٔسرمایه های مزبور بوده اند . از همه مهم تراینکه هیچ دلیلی وجودندارد که سرمایه داران امریکای لاتین سرمایه‌گذاری دراروپارا بر ایالات متحده ترجیح بدهند- یا

لااقل می توان گفت قبل از ۱۹۵۸ ، که کسری عظیمی در تراز پرداختهای ایالات متحده بروز کرد چنین رجحانی وجود نداشته است . ازطرف دیگر مسلم است که انتقال سرمایه های محلی از امریکای لاتین به ایالات متحده در ۱۹۶۲ وخصوصاً در ۱۹۶۳ بسبب ارائه کسر تراز پرداختهای کشور اخیر، بهیچ وجه ممنوع نبوده است .

آمارهای ایالات متحده جزئیات انتقال سرمایه های امریکای لاتین وسایر ممالک در حال رشد را دربر ندارد . متاسفانه نقشی را که ممالک اروپائی بعنوان کشورهای دریافت کنندهٔ سرمایه دردوره‌های مختلف بعهده داشته‌اند نیز نمی توان کاملا روشن ساخت . البته شایعات در این زمینه نشان میدهد که سوئیس نقش عمده‌ای درجلب سرمایه ها داشته لکن آمارهای منتشره صحت شایعات مزبور را تائید نمی‌کند . بسبب همین فقدان اطلاعات است که میزان سرمایه‌های خارجی موجود در این کشور گاهی بسیار اغراق آمیز بنظر میرسد . علت عمدهٔ این استنباط در مورد سویس آنست که رقم اعتبارات وارده در ستون «اشتباهات وافتادگی ها » ی تراز پرداختهای کشور مزبور پس از ۱۹۵۹ بسیار عظیم بوده‌است . وجود اعتبارات مزبور موجب میشود که تراز پرداخت های این کشور دربررسی پرداختهای جهانی وضع مرموزی پیدا کند، اما بهیچ وجه نمی توان ادعا کرد که ارقام مزبور همه نشانهٔ سرمایه هـای واردشده بکشوراست ویا اینکه کلیهٔ سرمایه های وارده متعلق بکشورهای در حال رشد می باشد . در سالهای اخیر میزان انتقال سرمایه بین خودکشورهای درحال رشد نیز بسیارقابل توجه بوده است .

چند نتیجه کلی

با ارزیابی این مدارك آماری ناقص چند نتیجهٔ کلی بشرح زیر می توان بدست آورد:

۱- بدون شك در سالهای اخیر سرمایه های عظیمی از کشورهای ماوراءبحار عضو منطقهٔ فرانك ، خصوصاً الجزایر ، خارج وبفرانسه انتقال یافته‌است. این انتقال بطورعادی صورت نگرفته بلکه با مهاجرت بسیاری از اروپائیان ساکن الجزایر بفرانسه توام بوده است.

۲- هیچگونه شواهد آماری در بارهٔ میزان انتقال سرمایه های محلی از کشور های در حال رشد بکشورهای توسعه یافته ، غیرازکشورهای ماوراءبحار منطقه فرانك وامریکای لاتین وجود ندارد .

۳- درآمارهای ایالات متحده دلایل مسلمی وجود دارد که نشان میدهد میزان قابل توجهی از سرمایه های محلی امریکای لاتین باین کشور منتقل میشود ولی آمارهای ممالك امریکای لاتین میزان سرمایه های مزبور را بیش از آمارهای امریکا نشان میدهند . اما تعیین رقـم در این موردکار بسیار دشواری است .

بسیاری ازکسانی که ارقام بزرك خروج سرمایه ازکشورهای کم رشد راموردتوجه قرارداده‌اند معتقدندکه این امر مانع عمده‌ای درراه توسعه اقتصادی ممالك مزبور ایجاد میکند وسعی کرده‌اندکه راهی برای آن بیابند. اینان باحسن نیت تمام مخالف کمك هایی هستند که بمنظور توسعه اقتصادی کشور های درحال رشدصورت می گیرد وادعامی کنندکه باخروج مبالغ عظیمی سرمایه ازکشورهای درحال رشدکمك بآنها امـری بیهوده است و علاوه برآن خروج این سرمایه ها موجب هدر رفتن مالیاتهائی استکه ساکنان ممالك مزبور می‌پردازند. از آنجاکه پیوندکشورهـای توسعه یافته بـاممالك در حال رشد یکی از مسائل مهم قرن حاضر است، محققینی که با آمارهـای ناقص ومبهم کنونی سروکاردارند بایستی ازهرگونه اظهار نظرکه مبتنی برحقایق مسلم نباشد ، اجتناب ورزند .

آقای علم رئیس دانشگاه پهلوی شیراز
در مراسم نصب اولین سنگ بنای خوابگاه
دانشجویان گفتند :

ما کشور عقب افتاده نیستیم

در دانشگاه پهلوی یک خوابگاه ۴۸۰ اطاقی برای دانشجویان ساخته میشود

« ازهنگامیکه آقای اسدالله علم نخست وزیر اسبق بریاست دانشگاه پهلوی شیراز منصوب شده‌اند قدمهای بزرگی درجهت توسعه این دانشگاه برداشته‌اند ازچندسال پیش که دانشگاه پهلوی شیراز اولین گامهای خود را بسوی تعالی برداشته برای دهها هزار جوان دیپلمه که شوق وآرزوی تحصیل در دانشگاه را دارند نقطه امید تازه‌ای بوجود آمده است. با این تفاوت که ازهنگام تصدی آقای علم درجهت تکمیل این دانشگاه ورفع نواقص آن قدمهای موثرتر ومفید تری برداشت شده است . در رپرتاژ ذیل که از مراسم نصب سنگ بنای خوابگاه ۴۸۰ اطاقی دانشجویان دانشگاه پهلوی تهیه شده بگوشه‌ای از ترقیات این دانشگاه جوان اشاره گردیده .

طبق دعوت آقای دکتر قربان معاون دانشگاه پهلوی مراسم جشنی بمناسبت بازگشت سه نفر از فارغ التحصیلان دانشکده پزشکی خانم دکتر پورقوامی - آقای دکتر پورقوامی و آقای دکتر سلیمانی در باغ ارم در حضور آقای علم ریاست دانشگاه ومعاونین و استادان دانشگاه وفارغ التحصلان دانشکده پزشکی برگزار گردید.

ابتدا آقای دکتر یگانه‌دوست گزارش سالیانه انجمن راکه به رهبری وریاست آقای دکتر قربان تشکیل یافته است بیان داشت .

سپس آقایان دکتر پورقوامی و سلیمانی ضمن تشکر از رفقا و اساتید سابق خود از ترقیات شگرف کشور وشهر شیراز و دانشگاه پهلوی ابراز شگفتی و امیدواری فراوان نمود . آنگاه آقای دکتر قربان گزارش یازده دوره دانشکده را بیان داشت و گفت اجتماع محبوب‌ما روزبروز بیشتر از ثمرهای بارور دانشکده پزشکی دانشگاه پهلوی برخوردار میشود .

سپس آقای علم ضمن بیانات خود لزوم فداکاری در راه هدف را بحاضرین گوشزد نموده و برای دانشگاه پهلوی مقامی راکه شایسته آنست تحت توجهات شاهنشاه



آقای علم رئیس دانشگاه پهلوی و آقای پیرنیا استاندار فارس وروسای دوایر ودانشگاهیان هنگام نصب اولین سنگ بنای خوابگاه دانشجویان دانشگاه پهلوی

آرزومند گردید.

انجمن الم نای دانشکده پزشکی دانشگاه پهلوی بجز خدمات علمی وفرهنگی کوشااست که بازگشت رفقای خود را بمیهن عزیز تسهیل نماید.

کوی دانشجویان

اولین سنگ بنای کوی دانشجویان که سرآغاز بنیاد دانشگاه بزرگ پهلوی برتپه‌های مشرف به شهرشیراز است بیاری خداوند وبنام شاهنشاه ایران بدست آقای اسدالله علم ریاست دانشگاه پهلوی نصب‌شده فرمان شاهنشاه بزرگ اینست که دانشگاهی بنام همین خاندان درشهر شیراز که دارالعلم نامیده میشود و آوازه دانشمندان و هنرمندان آن جهانگیر بودبنیان پذیرد ودرطراز ممتاز ازدانشگاه های پیشرو جهان جای گیرد.

بامداد روز شنبه نوزدهم تیردر راه این آرمان بزرگ با نصب اولین سنگ کوی دانشجویان گام دیگری برداشته شد.

درکنار باغ ارم آقای علم با حضور آقای پیرنیا استاندار. آقای شهردار معاونین دانشگاه ورؤسای دانشکده ها این سنگ را بنا نهادند.

آقای علم ابتدا بچادری که نقشه های تفصیلی ساختمان نصب شده بود آمدو تمام جزئیات نصب ساختمان را مورد مطالعه قرار داد وتوضیحات لازم توسط آقای دکترقربان معاون امور توسعه وگسترش دانشگاه پهلوی داده شد.

نقشه‌ساختمان مزبور بوسیله آقای مهندس مقتدرمشاورسازمان برنامه تهیه واطاقهای انفرادی مجهز با آب وبرق وحمام وروشوئی تخت وسایر وسائل زندگی مرفه ونوین برای چهار صدو هشتاد دانشجو درنظر گرفته‌شده‌است.

این ساختمان تا شش ماه دیگر بوسیله پیمانکار تمام و تحویل دانشگاه خواهد گردید.

پس از نصب اولین سنگ که درمیان پرشور ترین احساسات مدعوین نسبت بشاهنشاه انجام شد آقای مهندس محمدی رئیس شعبه شرکت ملی نفت شیراز یک قطعه چک بمبلغ ده میلیون ریال به آقای علم تقدیم کرد.

این چک از طرف شرکت ملی نفت ایران برای توسعه و گسترش دانشگاه هدیه شده است ساختمان کوی دانشجویان دانشگاه پهلوی که دارای بهترین اطاقهای مجهز یکنفره کافه تریا ـ استخر شنا وسائل زیستن ورفاه دانشجویان است با صرف ۲۵ میلیون ریال که از محل پذیره نفت هدیه شده است به اتمام خواهد رسید.

✽ در آمفی تئاتر دانشکده پزشکی

پس از پایان این مراسم آقای علم در کنفرانس حاصلخیزی خاک که باهمکاری دانشکده کشاورزی دانشگاه پهلوی واداره حاصلخیزی خاک استان فارس در آمفی تآتر دانشکده پزشکی تشکیل شده بود شرکت کرد.

در این مراسم پس از اجرای سلام شاهنشاهی آقایان مهندس لشکری رئس دانشکده کشاورزی مهندس مهدوی رئیس اداره حاصلخیزی خاک درباره اهمیت خاک مرغوب وحاصلخیزی صحبت کردند سپس آقای مهندس پارسا پشت میکروفن آمدو درحالی که آرم بزرگ دانشگاه پهلوی را دردست داشت روی این آرم باخاک های رنگ طبیعی ایران پرچم برجسته ساخته بود بآقای علم تقدیم نمود وباتوضیحاتی که داد آقای علم این آرم را در جلومیز جلسات کنفرانس نصب کرد.

در اینموقع آقای علم پشت میکروفن قرار گرفته اظهارداشت بنام نامی اعلیحضرت همایونی کنفرانس خاک شناسی راکه در شیراز برگزارمیشود افتتاح میکنم وبایدعرض کنم که حقیقتا خوشحال وخوشوقتم بعلت اینکه فکرمیکنم با این اقدام یکی از بزرگترین احتیاجات مملکت برآورده خواهد شد البته نه بااین کنفرانس محدود بلکه با تاسیس اداره خاکشناسی این امر مهم عملی خواهد گردید

قبلا ما وممالك نظیر مارا عقب افتاده میگفتند وحالاما را با کلمه لعنتی درحال توسعه مینامند باید بگویم ماعقب افتاده نیستیم ومن از کلمه درحال توسعه ناراحتم ما بامشکلات روبروهستیم وداریم آن مشکلات را برطرف میسازیم ما نه گرفتاری زیادی جمعیت داریم نه دچار کمبود زمین وآب هستیم نه از لحاظ معادن ومنابع طبیعی وارضی وحتی انسانی تهی دست میباشیم پس دیگر نمیشود بما کشور عقب افتاده یا در حال توسعه گفت من از شنیدن این کلمه دچار ناراحتی میشوم.

باید شکر کردخداوندمتعال را با وجود مبارك اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ازیك ثبات سیاسی دائمی قطعی برخورداریم و میتوانیم برهمه مشکلات فائق شویم

آقای علم سپس درمورد اهمیت امر حاصلخیزی خاك بتفصیل سخن گفتندو نتیجه گرفتند که یکی از پراهمیت ترین امور روز است زیراتوسعه بهره برداری از منابع آب یا اضافه کردن زمینهای زراعتی کاری مشکل وپر خرج است وطول زمان میخواهد، درصورتیکه بهره برداری بیشتر از زمین محدود کاری فوری و آسان است و از این طریق ممکن است محصول کشور را به آسانی بالا بردبنا براین حاصلخیز کردن خاك اهمیت خاص دارد بیش از این وقتتان رانمیگیرم وازحضار محترم وجناب آقای استاندارو آقای مهندس مهدوی رئیس اداره حاصلخیزی خاك و همکاران دانشگاهی متشکرم و امیدوارم نتیجه کار همین کنفرانس برای ازدیاد تولید مفید باشد.

✽ آزمایشگاه میکروسکپ الکترونیك

صبح یکشنبه بیستم تیرماه آقای علم رئیس دانشگاه پهلوی باتفاق تیمسار مین باشیان فرماند واحدهای جنوب ومعاونین دانشگاه از بخش آناتومی دانشکده پزشکی دانشگاه دیدن کردند و قسمتهای مختلف این بخش مورد بازدید قرار گرفت.

آقایان پرفسور توماس رئیس بخش ودکتر اعتمادی معاون ایشان توضیحات لازم را باطلاع رسانیدند

این میکرسکپ الکترونیك آزمایشگاه که در نوع خود کم نظیر است میتواند تا ۶۰ هزار مرتبه ذرات میکرسکبی رادر میکرسکپ معمولی بزرك نماید.

در این موقع آقای دکتر اعتماد ضمن یك سخرانی کوتاه ازخدمات آقای دکتر قربان در راه بنیادو توسعه دانشگاه یادکرد و از آقای علم تقاضا نمود که بپاس خدمات ایشان سالن آزمایشگاه بنام آقای دکتر قربان نامگذاری شوددراین موقع لوحه ای که در این مورد تهیه شده بود بدیوار سالن نصب گردید.

شرکت سهامی
آرزومان

کارخانه فرآورده های گوشتی

مجهز بدستگاههای تمام اتوماتیك، کشتار-
گاه مجهز و منحصر بفردی که با رعایت
اصول بهداشتی تحت نظر متخصصین خارجی
بهترین محصولات خودرا که از حیث طعم
ودقت درطرز تهیه آن غیرقابل رقابت می
باشد بمشتریان گرامی تقدیم میدارد.

۱- کالباس ممتاز با لفاف نایلونی دارای نخ
زرد نایلونی و پلمپ و آرم مخصوصی که جمله

(کارخانه کالباس سازی آرزومان)

روی آن بفارسی و لاتین نوشته شده و
کالباس ممتاز بی سیر دارای پسته نیز میباشد

۲- کالباس درجه یك با لفاف روده طبیعی
یا مصنوعی.

روابط بازرگانی ایران

با کشورهای آسیایی

نوشته : غلامرضا سعیدی

ایران میرود تا موقعیت گذشته خود را در تجارت آسیا از نو بدست آورد

در دوران ما روابط تجاری دنیای کم رشد با جهان صنعتی وپیشرفته برمبانی خاصی استوار است ودرآن یك سلسله عوامل ریشه‌ای وساختمانی دخالت تام و تمام دارد. ازعصر صنعتی شدن اروپای غربی ـ وسپس امریکا و اخیراً ژاپن ـ نوعی‌روابط تجاری میان دنیای عقب مانده ها ودنیای توانگرها برقرار شده که اصول اساسی آن صدور مواد اولیه و خام از مناطق وکشورهای کم رشد و خرید و وارد کردن کالا های صنعتی و ساز و برگ تولیدی از مناطق و کشورهای پیشرفته است . اگراین اصل کلی اهمیت و اعتبار خود را در روابط دو بخش غنی و فقیر جهان در چند قرن اخیر حفظ کرده درعین حال مانع از این نشده که پاره‌یی عوامل و پدیده های جدید روابط بازرگانی این دو بخش از جهان را تحت تأثیر قرار دهد و جدید ترین پدیده توسعه نسبی روابط بازرگانی کشور های کم رشد بسوی یکدیگر یادست کم پیدایش ضرورت توسعه بازرگانی میان آنها است. مطابق آمارهای سازمان ملل متحدو «گات» کمتر از یکدهم بازرگانی خارجی کشورهای کم رشد بسوی یکدیگر فرستاده میشود و بخش عظیم دیگر یابر مبنای‌روابط قدیمی بازرگانی با اروپای‌غربی وامریکا ویا درمقیاس محدودتر باکشورهای سوسیالیستی انجام میگیرد.

درباره مشکلات بازرگانی مناطق کم رشد با کشور های غربی وتغییر رابطه‌مبادله بضرر گروه اول سخنها رفته وکتابها نوشته‌اند و در اینجا مجال بحث آن نیست لیکن دست کم ناگزیر از اشاره باین حقیقت هستیم که در روابط بازرگانی و مزایای ناشی از آن بقول آندرپیاتیه اقتصاددان و استاد نامدار فرانسوی «کشورهای صنعتی سهم شیر را بخود اختصاص داده اند» دنیای کم رشد ـ یا دست کم دربخش عظیمی از آن ـ هنوز بدرستی باین سئوال پاسخ داده نشده است: چاره چیست؟ آیا میتوان یکباره ازدنیای صنعتی وثروتمند برید وجهت تجارت را تغییرداد؟ میتوان با استمداد از سازمانهای بین‌المللی وکنفرانسهای بین‌المللی (ازنوع کنفرانس تجارت و توسعه ژنو ۱۹۶۴) سهم منصفانه‌ای از مزایای تجارت بین المللی بدست آورد؛ و سرانجام میتوان باحفظ روابط کهن تجاری با غرب بتدریج مبادلات تجاری میان کشورهای نواحی کم رشدرا توسعه داد؟ وو ... بنظر میرسدگرایش عمومی دنیای کم رشد بیشتر بانتخاب راه حل اخیر است: **حفظ روابط با دنیای صنعتی وکوشش بتوسعه هرچه بیشتر مبادلات میان کشورهای رو برشد و توسعه (۱)**

در این زمینه است که ما محملی برای بحث پیرامون روابط بازرگانی ایران باکشور های آسیائی پیدا میکنیم و میپردازیم به اینکه کوششهای ما در توسعه هر چه بیشتر روابط بازرگانی باکشورهای آسیائی ـ که بجز ژاپن عموماً جزو کشور های در راه رشد بحساب میآیند ـ چه نتایجی بدست آورده است.

سابقه امر

بجهت نبودن کتب ومأخذ مستندو قابل اطمینان از روابط بازرگانی گذشته ایران باکشورهای آسیایی متاسفانه بدقت نمیتوان تحول آنرا از زمان ایران باستان تاکنون بدقت بررسی کرد وآنچه جسته گریخته از مأخذ مختلف بدست آمده حکایت از این دارد که مطابق گفته مورخین، بازرگانی‌ایران در زمان هخامنشیان رشد و توسعه زیاد پیدا کرد. و موجبات این امر وحدت سیاسی کشور ، وجودامنیت ، ایجاد سیستم واحد پولی، وجود سیستم‌اوزان ومقادیر ووسایل ارتباط نسبتاً کافی (با توجه به‌ضرورتهای زمان)

---

(۱) در غالب توصیه های سازمان ملل متحدو سازمانهای تخصصی آن لزوم کوششی برای توسعه‌بازرگانی میان‌کشورهای‌کم رشد قیدشده وبعنوان یك چاره اساسی برای‌حل مشکلات‌کشورهای کم رشد ازآن سخن‌رفته است .

وعوامل دیگر بود. در این زمان بازرگانی ایران درجهت غرب به سواحل رودخانه‌های رن ودانوب رسید و ترعه‌ای که بدستور داریوش بزرگ بین دریای احمر ودریای نیل حفر شد بنا بمقتضیات توسعه تجارت با نواحی غرب ایران بوده **درجهت شرق درعصر هخامنشی تجارت بین ایران وهند رواج داشت وسپس** در عصر ساسانیان «راه ابریشم» باب تجارت بین چین و ایران راگشود و ازسوی دیگر شهرهای بین النهرین آنروز ازمناطق مهم تجارت ایران بشمارمیآمدند .

دوره ساسانیان

درزمان ساسانیان هرسال درشهر «بطنه» نزدیك ساحل شرقی فرات بازارمکاره بزرگی تشکیل میشد وبازرگانان چین وهند کالای خودرا باین بازارمیفرستادند. بافتح ایران بدست اعراب ، تجارت داخلی و خارجی ایـران از رونق افتاد . ازتجارت دوره‌هـای طاهـریان ، سامـانیان سلجوقیان و خوارزمشاهیان اطلاع زیادی دردست نیست ، اما میتوان حدس زد که بعلت جنگ وجـدالهای فراوان تجارت رونق چندانی نداشته است . باشروع حمله مغول به همراه سایر عوامل ، تجارت داخلی وخـارجی ایران بکلی از هم پاشید ولی وزرای ایرانی سلاطین مغول بتدریج درآباد کردن ویرانیها همت گماشتند.

تجارت درزمان صفویه

در دوره صفویه روابط تجارتی ایران بـا کشورهای جهان از جمله اسپانیا و فرانسه و انگلستان ، هندوستان و بعضی ازکشورهای دیگر روبتوسعه گذاشت وطبعاً تجارت خـارجی ایران نیز رونق بیشتری گرفت حتی میتوان این دوره را ابتدای روابط تجاری جدید ایران باسایر کشورها دانست برای نشان دادن اهمیت بازرگانی درعصر صفوی بدنیست اشاره‌ای برقم صادرات ابریشم بکنیم شاردان مورخ فرانسوی که بارها بایران سفر کرده بود دریکی ازسفرنامه های خود درباره صادرات ابریشم ایران بکشورهای مختلف جهان مینویسد که صادرات ابریشم ایران درهرسال بالغ ۲۲۰۰۰ عدل که معادل ۲۷۵ تن است بوده است

آنچه گذشت خلاصه‌یی بود ازسابقه بازرگانی ایران باکشورهای آسیایی (هندوستان ، چین و بین النهرین) ازدوران بـاستان تا اواخـر صفویه که ازمنابـع مختلف گـرد آوری شده و همچنانکه ملاحظه میشود اطلاعات مشخص در باره میزان وحدود بازرگانی ایران باکشورهای آسیایی بـدست نمیدهد وبدلیل این کمبود چشم گیر منابع و ماخذ ترجیح دادیم بحث روابط بازرگانی ایران باکشور های آسیایی را هنگامی شروع کنیم که منابع قابل اطمینانی در دست داریم ازاینرو میکوشیم با استناد بآمارهای بازرگانی خارجی ایران که از طرف وزارت اقتصاد انتشار مییابـد . روابط بـازرگانـی ایران باکشورهای آسیایی را بررسی کنیم .

واردات ایران ازکشورهای آسیایی

ایران درحال حاضر با بسیاری از کشورهای آسیایی (۱)روابط بازرگانی برقرار کرده . لکن دراین میان تنها تجارت باکشورهای ژاپن ـ هندوستان ـ اسرائیل وترکیه نسبتاً قابل توجه است وبـاکشورهای دیگر متاسفانه درسطحی نیست که بتوان بعنوان یك مسئله در «بازرگانی خارجی ایران باکشور های آسیایی» ازآن نام برد مثلا باوجود کوششهایی که در چهارچوب قرارداد همکاری میان سه کشور همسایه ایران ـ ترکیه وپاکستان درزمینه توسعه بازرگانی متقابل میان سه کشور بعمل میآید، درعمل بازرگانی خارجی ما بادوهم پیمان دیگر متاسفانه چندان قابل توجه نیست برای روشن شدن این قسمت کافی است آمار بازرگانی خارجی ایران باترکیه وپاکستان را در سال ۱۳۴۳ بررسی کنیم :

---

۱ ـ این کشورها بترتیبی که در نشریات آمار بازرگانی انتشار یافته بشرح زیر میباشند : اردن هاشمی اسرائیل ـ افغانستان ـ اندونزی ـ پاکستان ـ تایلند ـ ترکیه ـ چین ملی ـ دوبی ـ ژاپن ـ سوریه سیلان ـ عدن ـ عراق ـ عربستان سعودی ـ عمان ـ فیلیپین ـ قطر ـ کامبوج ـ کره جنوبی ـ کویت ـ لبنان ـ مالزیا ـ مسقط ـ نپال ـ هندوستان ـ هنگ کنگ.

واردات ایران از ترکیه و پاکستان در ۱۳۴۳

نام کشور	مقدار ـ کیلوگرم	ارزش ـ ریال
پاکستان	۵۷۱۷۱۷۱	۱۵۲۶۲۳۵۷۷
ترکیه	۸۸۰۷۳۹۵۸	۷۸۹۳۵۵۸۱۸

صادرات ایران بترکیه و پاکستان در ۱۳۴۳

نام کشور	مقدار ـ کیلوگرم	ارزش ـ ریال
پاکستان	۳۳۲۹۴۳	۱۲۰۴۰۰۶۸۹
ترکیه	۳۴۶۵۹	۲۳۸۱۱۱۳۲

بطوریکه ملاحظه میشود توسعه کامل بازرگانی میان سه کشور هنوز مستلزم کوشش و احیانا فداکاریهای بیشتری است . معذالك میتوان امیدوار بود که در سالهای آینده شاهد توسعه هرچه بیشتر بازرگانی میان سه کشور باشیم .

در بحث مربوط بواردات ایران از کشورهای آسیایی قبل از همه باید روی تجارت باژاپن ـ اسرائیل ـ هندوستان ـ چین ملی وچند کشور دیگر تاکید کنیم زیرا کشورهای دیگر ـ همچنانکه گذشت ـ چندان نقشی درواردات ایران ندارند . لکن این امر مانع از این نشده است که قدرمطلق بازرگانی ایران باکشور های آسیایی برقم قابل ملاحظه‌یی بالغ شود و خوشبختانه باگذشت زمان آسیا در تجارت خارجی ایران جای مهمتری اشغال میکند ومحتملا بسویی میرویم که قاره کهن جای باستانی خود را ـ هرچند درجهت های مختلف ـ درتجارت خارجی ما بگیرد. برای داشتن فکر روشنتری از چگونگی موقعیت کنونی ایران با کشورهای آسیایی بدوجدول زیر مراجعه کنیم :

(۱) ارزش واردات ایران از ۵ قاره ـ ۱۳۴۳

جمع قاره آسیا	۹٬۵۷۷٬۳۱۶٬۷۲۵ ریال
« قاره اروپا	۳۴٬۶۶۳٬۴۰۴٬۱۷۷ «
« قاره افریقا	۲۸۵٬۲۷۸٬۳۴۹ «
« قاره امریکا	۱۰٬۵۵۲٬۰۱۴٬۵۴۹ «
« قاره استرالیا	۱٬۶۹۱٬۹۱۲٬۱۶۸ «
« جمع کل واردات	۵۶٬۷۸۸٬۹۹۸٬۴۶۳ «

بطوریکه ملاحظه میشود در واردات ایران، اروپا وامریکا بترتیب مقام اول ودوم را احراز کرده‌اند وبعداز ایندو بترتیب آسیا (مقام سوم) ـ استرالیا وافریقا قرار دارد.

(۲) ارزش صادرات ایران به ۵ قاره ـ ۱۳۴۳

جمع قاره آسیا	۲٬۳۸۳٬۱۰۱٬۱۷۴ ریال
« قاره اروپا	۷٬۳۷۶٬۴۹۲٬۵۸۰ «
« قاره افریقا	۱۶۸٬۳۹۲٬۴۷۷ «
« قاره امریکا	۱٬۵۱۱٬۹۸۴٬۶۸۳ «
« قاره استرالیا	۲۳٬۷۴۰٬۰۷۰ «
جمع کل صادرات	۱۱٬۴۸۵٬۰۸۷٬۹۷۳ «

از جدول (۲) چنین برمیآید که اروپا هنوز بزرگترین مشتری ایران است لکن خوشبختانه آسیا مقام دوم را درصادرات ایران گرفته لکن موقعیت صادراتی ما در استرالیا وافریقا هنوز بسیار ضعیف وبخصوص درمقایسه با قاره استرالیا موازنه بشدت بضرر ما است (واردات متجاوز از ۱۶۹ میلیون و صادرات درحدود ۳۷ میلیون تومان است) ذیلا بواردات چند کشور آسیایی با ایران اشاره میکنیم:

واردات از ژاپن

مهمترین واردکننده ایران درمیان کشورهای آسیایی ژاپن است ولکن متاسفانه درهیچ یک از سالهای اخیر موازنه بازرگانی ما با این کشور بنفع ما نبوده وغالبا بشدت بضررما بوده است آمار زیراین حقیقت را بخوبی نشان میدهد :

واردات ایران ازژاپن درسه سال گذشته

سال	مقدار ـ کیلوگرم	ارزش ریال	درصد کل واردات
۱۳۴۱	۴۱٬۳۰۷٬۱۵۸	۲٬۳۰۰٬۶۰۸٬۸۶۵	۵٫۴۹
۱۳۴۲	۵۸٬۱۴۴٬۶۸۶	۲٬۸۴۰٬۵۳۰٬۸۵۵	۷٫۲۱
۱۳۴۳	۹۳٬۷۸۷٬۴۳۸	۳٬۶۰۹٬۷۶۶٬۲۹۸	-

بطوریکه ملاحظه میشود درسه سال گذشته واردات ژاپن بایران چه ازلحاظ مقدار وچه ازلحاظ ارزش بطور مداوم درافزایش بوده ولی همچنانکه جدول زیر نشان میدهد نظیر این افزایش درصادرات ایران بژاپن ملاحظه نمیگردد .

صادرات ایران بژاپن درسه سال گذشته (بدون نفت ومواد حاصل ازنفت)

سال	مقدار ـ کیلوگرم	ارزش ریال	درصد کل صادرات
۱۳۴۱	۱۴٬۲۶۵٬۰۸۴	۱۱۷٬۵۶۴٬۱۰۲	۱٫۳۷
۱۳۴۲	۴۶٬۳۵۱٬۹۱۷	۳۱۵٬۲۵۵٬۲۸۴	۳٫۲۸
۱۳۴۳	۵۲٬۴۲۸٬۹۶۶	۱۸۸٬۸۸۸٬۰۹۶	

بطوریکه می بینیم درسه سال اخیر با وجود افزایش حجم صادرات ما بژاپن ارزش آن روبکاهش بوده واز ۳۱۵ میلیون ریال در۱۳۴۲ بحدود یک دوم درسال بعد (۱۳۴۳) کاهش یافته .

نوسانی که در ارزش صادرات ملاحظه میشود بیشتراز هرعاملی بضرر اقتصاد ما تمام میشود . تازه در مقایسه میزان واردات با صادرات برقم نگران کننده ای میرسیم چه تنها درسال گذشته واردات ژاپن بیش از ۱۵ برابر بیشتراز صادرات ما بآنکشور بوده است . این عدم توازن شدید درمبادله کالا میان ایران وژاپن دلایل متعدد دارد ویکی ازاین دلایل خودداری غیرموجه ژاپنیها درایفای تعهدات خود در زمینه خرید کالا از ایران است ودر سالهای اخیر در موارد زیادی شاهد نقض قرارداد های بازرگانی بوسیله ژاپنیها بوده ایم .

بازرگانی با هندوستان

هندوستان یکی دیگراز کشور هایی آسیایی است که مبادله بازرگانی وسیعی با ایران دارد در دو، جدول زیرمبادله کالا میان دوکشور درسه سال اخیر نمایانده شده است:

واردات ایران ازهندوستان در سه سال گذشته

سال	مقدار ـ کیلوگرم	ارزش ـ ریال	درصد واردات
۱۳۴۱	۱۱٬۴۵۳٬۸۸۱	۸۵۲٬۸۱۱٬۱۸۴	۲٫۰۴
۱۳۴۲	۱۲٬۳۲۸٬۵۷۱	۸۵۷٬۱۰۲٬۶۳۶	۲٫۱۸
۱۳۴۳	۱۶٬۳۱۰٬۰۲۵	۷۸۲٬۸۱۲٬۲۸۹	-

صادرات ایران بهندوستان درسه سال گذشته

سال	مقدار ـ کیلوگرم	ارزش ـ ریال	درصد واردات
۱۳۴۱	۳۴٬۱۵۳٬۶۸۶	۱۶۲٬۰۵۶٬۵۶۶	۱٫۸۸
۱۳۴۲	۴٬۲۵۷٬۸۴۶	۶۷٬۰۱۳٬۴۶۶	۰٫۷۰
۱۳۴۳	۷٬۳۳۴٬۹۰۷	۱۳۱٬۵۲۹٬۰۱۱	-

ماخذ: نشریات آمار بازرگانی خارجی در سالهای ۱۳۴۱-۱۳۴۲ و۱۳۴۳

بطوریکه ملاحظه میگردد موازنه بازرگانی ایران با هندوستان هم با عـدم موازنه نسبتاً زیادی همراه است ودرسه سال گذشته- وتخمیناً درگذشته دور- صادرات ما بهندوستان درکاهش مداوم بوده درحالیکه برعکس صادرات هندوستان بایران افزایش یافته. دلیل این امرجزعدم تحرك وبی - خبری بازرگانان ایران ازبازار وسیع و نزدیکی مـانند هندوستان وزیرکی و هشیاری خاص تجار هندی است. درسالهای اخیرچندین هیئت بازاریاب هندی ازبازرگانان وصاحبان صنایع آنکشور بـه قصد مطالعه بازارهای ایران بکشورما آمده وبررسی جامعی درباره قابلیت جذب بازارهای ما ازکالاهای هندی بعمل آورده اند درحالیکه حتی یکبار ندیده ونشنیده ایم که چنین هیئتهائی ازایـران عازم این کشور بشود واحتیاجات وامکانات این سرزمین وسیع را مطالعه کند. بازرگانان ما چشم براه اقدامات دولت دوخته وحتی در زمینه‌های مربوط بکار و فعالیت خود کوشش ثمربخشی نمیکنند تاآنجاکه مـا اطلاع داریم اطاق بازرگانی تهران هم منشاء اثرمهمی دراین زمینه نبوده است.

بازرگانی با اسرائیل

قبل از هرگونه اظهار نظر پیرامون مناسبات بازرگانی ایـران با اسرائیل آمـار واردات و صادرات کالا با اینکشور را درسه سال گذشته نقل میکنیم :

واردات ایران از اسرائیل درسه سال گذشته

سال	مقدار-کیلوگرم	ارزش-ریال	درصد کل واردات
۱۳۴۱	۴,۰۷۹,۷۵۸	۳۵۹,۹۵۰,۰۳۳	۰,۸۶
۱۳۴۲	۴,۶۰۸,۲۶۸	۳۷۶,۲۵۷,۹۲۶	۰,۹۴
۱۳۴۳	۷,۰۲۷,۶۷۴	۴۷۵,۷۹۵,۳۶۴	—

صادرات ایران باسرائیل درسه سال گذشته

سال	مقدار - کیلوگرم	ارزش - ریال	درصد کل صادرات
۱۳۴۱	۹۱۲۱۳۸	۱۸۶۸۴۱۹۸	۰/۲۲
۱۳۴۲	۲۵۰۷۵۷۸	۳۰۹۲۲۰۳۴	۰/۳۲
۱۳۴۳	۲۸۰۳۰۳۴	۴۱۲۵۳۶۰۹	—

ازجدول فوق دو موضوع استنباط میشود نخست اینکه آهنگ افزایش واردات ایران ازاسرائیل (و همچنین آهنگ افزایش صادرات ما بآنکشور) بطور مداوم در افزایش است و دورنمای آینده نشان میدهد که بازرگانی میان دوکشور بمیزان خیلی زیادی توسعه خواهد یافت زیرا صنایع اسرائیل در رشد و توسعه سریع است و دولت و بازرگانان اسرائیلی باشتاب وولع خاصی درجستجوی بازارهای تازه در آسیا و افریقا هستند و ایران هم خواه نا خواه مجبور است بـرای تعدیل موازنه بـازرگانی خود برای صدور کالا باینکشور کوشش کند. موضوع دوم اینستکه شاید در موردهیچ کشوری موازنه بازرگانی، ما اینچنین منفی نباشد. اگر تنها سال گذشته را مبنا قرار دهیم اسرائیل درقبال ۴۷۵/ میلیون ریال کالاکه بایران وارد کرده تنها ۴۱/ میلیون ریـال کالا از ایران خریده است ، در اینمورد هم نقص و نارسایی کوششهای ما در زمینه بازار یابی وفعالیتهای صادراتی از اهم عوامل موازنه منفی بازرگانی ایران با اسرائیل است.

بازرگانی باشیخ نشینهای خلیج فارس

غرض از شیخ نشینهـای خلیج فارس در این گـزارش کشور ها و امیر نشینهای زیر است ، عربستان سعودی - کویت - قطر- عمان - مسقط وعدن . در جدول زیر واردات ایران ازاین کشورها و شیخ نشینها درسه سال گذشته آمده است :

(۱) واردات ایران از شیخ نشینها وکشورهای همجوار خلیج فارس

نام کشور	سال	مقدار ـ کیلوگرم	ارزش ـ ریال	درصد واردات
کویت	۱۳۴۱	۲۹٬۲۲۳٬۹۰۹	۲۴۵٬۴۳۷٬۰۹۹	۰/۵۹
	۱۳۴۲	۲۶٬۳۵۴٬۳۸۶	۳۷۰٬۱۲۱٬۰۴۲	۰/۹۴
	۱۳۴۳	۳۴٬۰۲۵٬۶۹۵	۳۹۰٬۰۷۲٬۱۳۰	–
عمان	۱۳۴۱	۱۱٬۲۳۶٬۷۳۲	۱۵۳٬۹۱۹٬۱۸۱	۰/۳۷
	۱۳۴۲	۶٬۲۱۴٬۲۸۰	۱۰۷٬۱۵۳٬۲۹۲	۰/۳۰
	۱۳۴۳	۱۱٬۳۳۸٬۵۲۲	۱۷۶٬۷۸۴٬۰۰۱	–
دوبی	۱۳۴۱	۱۰٬۲۴۵٬۸۴۵	۱۱۵٬۷۴۴٬۴۵۳	۰/۲۸
	۱۳۴۲	۲٬۷۰۱٬۵۳۵	۵۹٬۶۷۱٬۵۰۵	۰/۱۵
	۱۳۴۳	۸٬۷۶۴٬۸۴۲	۱۸٬۹۱۵٬۲۷۰	–
قطر	۱۳۴۱	۱٬۹۲۷٬۴۲۶	۲۶٬۰۱۰٬۷۰۷	۰/۰۶
	۱۳۴۲	۹۱۶٬۵۶۷	۱۲٬۷۸۴٬۰۴۷	–
	۱۳۴۳	۱٬۸۲۰٬۲۸۳	۲۱٬۰۹۸٬۱۰۷	۰/۰۳
عدن	۱۳۴۱	۳۱۹٬۵۴۴	۱۰٬۲۴۷٬۴۳۸	۰/۰۲
	۱۳۴۲	۴۲٬۳۰۸	۲٬۰۲۹٬۶۸۸	۰/۰۲
	۱۳۴۳	۴۸۰٬۶۲۳	۴٬۳۹۷٬۴۸۶	۰/۰۱
مسقط	۱۳۴۱	۲۲۴٬۳۳۵	۶٬۷۵۳٬۷۸۱	–
	۱۳۴۲	۲۳۴٬۳۳۳	۹٬۰۳۵٬۵۰۷	۰/۰۲
	۱۳۴۳	۶۷۳٬۹۸۱	۲۰٬۴۲۸٬۴۷۲	۰/۰۲
عربستان سعودی	۱۳۴۱	۱٬۷۱۰	۲۰۲٬۲۳۲	–
	۱۳۴۲	۲۲	۵٬۹۰۰	–
	۱۳۴۳	۹۱٬۴۴۵	۳٬۷۲۲٬۲۶۰	–

صادرات (بدون مواد نفتی) ایران بکشورها وشیخ نشینهای مجاورخلیج فارس

نام کشور	سال	مقدار ـ کیلوگرم	ارزش ـ ریال	درصدارزش صادرات
کویت	۱۳۴۱	۵۵٬۷۹۲٬۶۲۴	۲۷۸٬۰۸۱٬۳۰۹	۳٬۲۳
	۱۳۴۲	۷۵٬۱۶۷٬۷۷۴	۳۷۰٬۵۱۸٬۰۷۴	۳٬۸۵
	۱۳۴۳	۶۸٬۹۹۹٬۸۱۰	۶۱۴٬۲۵۹٬۷۹۰	–
عمان	۱۳۴۱	۱۹٬۵۰۳٬۵۵۹	۱۹۰٬۳۵۵٬۴۹۴	۲٬۲۱
	۱۳۴۲	۶۳٬۲۳۳٬۴۲۵	۱۹۲٬۹۹۸٬۴۷۷	۲٬۰۱
	۱۳۴۳	۱۰۰٬۴۰۴٬۷۸۹	۴۳۱٬۷۱۳٬۴۱۹	–
دوبی	۱۳۴۱	۶٬۳۳۹٬۸۲۱	۴۵٬۷۲۳٬۹۹۸	۰٬۵۳
	۱۳۴۲	۴٬۲۶۹٬۱۷۵	۳۲٬۸۰۳٬۴۶۶	۰٬۳۴
	۱۳۴۳	۱۱٬۷۵۵٬۹۸۸	۹۸٬۱۷۱٬۹۹۸	–

قطر	۱۳۴۱	۱٬۲۱۷٬۱۸۱	۴۳٬۲۴۶٬۷۴۰	۰٫۵۰
	۱۳۴۲	۲٬۳۷۷٬۵۵۸	۱۶٬۶۳۶٬۸۳۵	۰٫۱۷
	۱۳۴۳	۲٬۵۶۱٬۱۱۳	۲۰٬۸۷۷٬۷۳۱	-
عدن	۱۳۴۱	۱٬۴۶۳٬۶۲۰	۸٬۷۴۷٬۱۱۶	۰٫۱۰
	۱۳۴۲	۵۳۴٬۸۲۸	۳٬۹۸۵٬۲۹۶	۰٫۰۴
	۱۳۴۳	۶۵۳٬۰۶۶	۴٬۳۶۹٬۳۵۹	-
مسقط	۱۳۴۱	۱۵۵٬۰۴۴	۲٬۱۰۱٬۲۸۶	۰٫۰۲
	۱۳۴۲	۴۵٬۲۷۶	۴۴۴٬۱۹۰	-
	۱۳۴۳	۱۲۴٬۵۲۳	۱٬۹۹۰٬۵۸۱	-
عربستان سعودی	۱۳۴۱	۱٬۰۳۴٬۴۴۵	۳٬۴۵۹٬۸۴۴	۰٫۰۴
	۱۳۴۲	۲۳۴٬۲۷۱	۷٬۱۴۹٬۶۱۰	۰٫۰۷
	۱۳۴۳	۷۸۹٬۳۴۶	۱۰٬۷۳۲٬۵۰۷	-

بطوریکه ازجدول واردات ایران ازشیخ نشینها وکشورهای همجوار خلیج فارس برمیآید در سه سال گذشته واردات ایران ازکویت- عمان- مسقط وعربستان سعودی افزایش یافته لکن واردات دوبی- قطروعدن روبه کاهش رفته است لکن تردیدی نیست که قدر مطلق واردات ایران از شیخ‌نشینهای خلیج فارس افزایش محسوسی حاصل کرده است . آنچه بیانش در این مقام ضروری است اینستکه واردات مورد بحث واردات رسمی و از مسیر گمرکخانه های کشور وارد شده و اگر واردات قاچاق (سیگار-چای وانواع پارچه واشیاء دیگر) را بآن بیافزاییم واردات ایران ازخلیج فارس برقم درشتی بالغ خواهد شد وهمین عامل استکه موازنه بازرگانی ایران را با نواحی جنوب ایران بضرر ایران تغییر میدهد .

گفتیم قد مطلق واردات ایران (چه با محاسبه کالاهای قاچاق وچه بدون آن) از خلیج فارس افزایش یافته لکن مقدار نسبی این واردات درکل وارداتکشور هنوز بسیار کم است وبزحمت به۵ تا ۷ درصد کل واردات رسمی کشور بالغ میشودودر اجرای سیاست توسعه بازرگانی با کشورهای آسیایی - بشرط معامله متقابل وبصرفه بودن- هیچ اشکال اصولی برای توسعه واردات ایران از این مناطق بنظر نمیرسد واین موضوع بجهتی منطبق با مصالح عالیه کشور و منطبق با ضرورت حفظ تماس مداوم با ایرانیان ومسلمانان مقیم این شیخ نشینها است.

درجدول صادرات ایران بکشورها و شیخ نشینهای مجاور خلیج فارس نیز درسه سال گذشته تحول محسوسی حاصل شده است. ارزش صادرات ایران بکویت وعمان و دوبی درمدت سه سال گذشته به بیش از دو برابر افزایش یافته و این افزایش درمورد عربستان سعودی بحدود سه برابر رسیده است لکن بعلل نامعلومی صادرات ما بقطروعدن ومسقط تقلیل یافته ودر ۱۳۴۳ بحدود نیمی از رقم صادرات ایران در ۱۹۴۱ کاهش یافته است. با توجه باینکه کشورهای کویت- عمان ودوبی بخش قابل توجهی ازصادرات ایران را بخلیج فارس جذب میکنند درمجموع صادرات ایران بخلیج فارس افزایش محسوسی حاصل کرده است لکن اینهنوز شروع کار است وبا امکانات وسیع وقدرت خرید زیادی که در غالب کشورها وشیخ نشینهای خلیج فارس وجود دارد میتوان صادرات ایرانرا بچند برابر فعلی افزایش داد لکن این امر مستلزم شعور تجاری- فعالیتهای بازاریابی- کوشش دربهبود جنس و بسته بندی صادرات ایران وایجاد وسایل ارتباطی وسیع وقابل اعتماد است .

شرکت سهامی
بیمه ساختمان و کار
خیابان حافظ ـ ساختمان بانک کار
انواع بیمه:
آتش سوزی باربری
اتومبیل ـ مهندسی
و مقاطعه کاری
حوادث انفرادی و غیره
شماره ثبت ۲۹۸۷
تلفن های:
۶۹۱۹۶-۶۱۲۹۷۶-۶۱۱۹۱۲
صدور فوری بیمه نامه
واریز سریع و دقیق خسارت

از : اکونومیست چاپ لندن

بحثی پیرامون صنایع ملی شده انگلیس

صنایع سنگین انگلستان مدتهاست که درمسابقه با سایر رقبای اروپائی خود بالاخص آلمان وغالب کشورهای عضو بازار مشترك عقب مانده، این عقب ماندگی ناشی از عدم تجهیز کافی وعدم رعایت اصول مدرن دراداره صنایع مذکوراست. دولت کارگری ویلسون که باشعار « مدرنیزه کردن صنایع بریتانیا » روی کار آمده ودست بملی کردن بعضی از آنها زده است سعی دارد این صنایع را بخود متکی کرده و از نظرمالی مستقل کند .
مقاله زیر به بررسی صنایع دولتی انگلستان پرداخته وتصمیماتی راکه بمنظور تجهیز این صنایع و استقلال مالی آنها بعمل آمده شرح میدهد.

دولت ۴۰۰ میلون پوند از سرمایه صنایع ذغال کاسته است واکنون باید معین کند سایر صنایع ملی شده بچه نسبت سرمایه خود بایستی درآمد داشته باشند و از کدام طریق ؟ .

باملی کردن صنایع ذغال - پس ازحمل ونقل وشرکت B.O.A. C- نیمی از پنج صنعت بزرك انگلستان اززمان جنگ دوم ببعد ملی شده است . در مورد حمل ونقل لندن دولت اعلام کرده است که بنرخ کرایه نباید افزوده شود و باتوجه باینکه از این راه نباید زیانی متوجه آن گردد باید منتظر بود که دولت حمایت مالی خودراشامل حمل ونقل مذکور نیز بنماید.

اداره پست - اداره پست که نه میتوان آنرا کاملا یك صنعت ملی شده ونه یك وزارت خانه دولتی نامید - زیرا تا اندازه ای ازکنترل هردو بری است - بایستی تحت نظر مدیران مشاور انجام وظیفه نماید . بدین ترتیب ممکن است دربنیان این سازمان تغییراتی داده شود وخدماتی که اکنون دولت بآن کمك مالی از میان برداشته شود

BEA - در مورداین شرکت دیگر هواپیمائی ، تازمانیکه نرخ هوائی درخط مسیرهای اروپائی گرانترین نرخ موجوداست(کرایه موجود بین لندن - پاریس بالغبر ۹ پوندو۸شلکینك یعنی بنرخ ده پنس ونیم است - درحالکیه این نرخ درمورد پروازهای شمال آتلانتیك وایالات متحده ۵ تا سه پنس میباشد منفعت میدهد .

برق وگاز-این دو ازجمله صنایعی است که پس ازملی شدن باموفقیت کامل روبروشده است پس از اعلام وزارت نیروMinistry of power دایر برقطع ۴۰۰میلیون پوند ازبدهی های سرمایه ای صنایع ذغال ، این صنعت میتواند سالانه مقداری ۱۸ میلیون پوند بهردایراکه برروی سرمایه فوق میپرداخت پس انداز کند . ولی از نقطه نظر پول درگردش . این کاهش در هزینه سود سهام همراه باکاهش در مقدرات راجع به استهلاك جمعا میتواند تا حدی جبران کمبود سرمایه بنماید . بدین ترتیب امید میرود که پس از یك یا دوسال صنایع ذغال بتواند از نظر مالی کاملا بخود متکی گردد. این محتملا باینمعنی است که صنایع ذغال دیگر نخواهد توانست سرمایه گذاری جدیدی جز آنچه که از حمل عواید داخلی بر این میسر است- ازقبیل

استهلاك - بنماید . البته باکاهش سرمایه این امر منطقی بنظرمیرسد . حتی درموردمعادنی که از ذخیره کافی برخوردارست تنها باید امید داشت که بتوان ظرفیت فعلی آنها را (بمیزان ۱۷۵ میلیون تن) حفظ کرد .

وضع مالی صنایع ذغال در ماه سپتامبر بموجب گزارش دولت « White paper » وتصویب لوایح مربوط بآن در مجلس روشن تر خواهد شد . ولی هنوز معلوم نیست چه وجوهی بعنوان وجوه مخصوص دولت بایستی برای کمك به بستن معادن قدیمی و افتتاح معادن جدید در نواحی که تعداد بیکاران زیاد است مانند ویزو دورهام بنماید .

سایر دستگاهها دولت در این قسمت از فعالیت شریك خواهندشد . اکنون باید دید دولت برای صنایع ملی شده چه هدف های مالی معین کرده است ؛ این نکته را خوب استمذکر شویم که ترمیم صنایع ذغال هنگامی مورد بررسی قرارگرفته است که برنامه پنج ساله صنایع ملی شده که از سال ۱۹۶۱ طرح ریزی شده بود پایان مییابد . این هدف ها عبارت بود از تحصیل بازده معقی باعتبار میزان سرمایه که درسال ۱۹۶۱ یك نظم مالی جدید بشمارمیرفت نظر دولت محافظه کار این بود که نرخ بازده صنایع خصوصی عظیم وقابل رقابت تعیین شود و سپس این نرخ را با در نظر گرفتن شرایط خاص وظایف اجتماعی هر یك از این صنایع تعدیل نمود .

برخی اقتصاد دانان از سیستم هدفهای مالی برای صنایع ملی شده بعنوان یك انضباط دولتی دفاع مینمایند . بعضی دیگر گرچه باهمیت ارتباط صنایع ملی شده با هدف های تجاری واقف اند نسبت بنوع هدف سیاسی مذکور تردید کرده وآنها را گمراه کننده قلمداد کرده اند . بنظر اینعده آنچه که از صنایع مذکورخواسته شده عبارتست از تحصیل درآمد بمنظورجبران هزینه های جاری قسمتی بسود سهام بعلاوه یك در آمد اضافی کرد درواقع در حکم مالیات است از آنجاکه کالاهای دیگری که در بازار بفروش میرسد ناگزیر بایستی مقداری مالیات بپردازند بنظر صحیح میرسد که کالاهای دولتی نیز مشمول مقررات مالیاتی می شوند ولی چرا باید نتایج امیدوار این نرخ از آنجاگمراه کننده است که ممکن است درپرروژه های جدید سرمایه گذاری درصنایع فوق مورد استفاده قرارگیرد . بنظر اینددسته از اقتصاد دانان بهتر است هدف سیاسی مالی صنایع مذکور را بصورت یك مقدار ثابت اضافه درآمد علاوه برمخارج استهلاك تعین نمود .

وبرای سرمایه گذاری ازملاك های دیگری که در مورد سایر صنایع بکارمیرود استفاده نمود . اکنون دولت کارگری عملا خود را ملزم برعایت همان هدف های مالی نموده است ومحتمل است باردیگر نرخ بازده را باعتبار سرمایه حاضر در حال تکوین صنایع مذکور تعیین کند آنچه که برای صنایع مذکورقابل اهمیت است بالاخص درمورد دوصنف رقیب گازوالکتریسته تعیین نرخ اضافه درآمدیست که آنها بایستی درطول پنج سال آینده (۷۱-۱۹۶۶) تحصیل کند

کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

صاحب خانه شدند

مدیرعامل شرکت واحد درمراسم افتتاح خانه‌های کارگری اظهار داشت:

تشکیلات شرکت واحد با بهترین تشکیلات اتوبوسرانی دنیا رقابت میکند



چندی پیش آقای هویدا نخست‌وزیر ۲۶۱ دستگاه خانه کارگری شرکت واحد اتوبوسرانی رادر نارمك افتتاح کردند باین ترتیب خانواده ۲۶۱ کارگر شرکت واحد صاحب خانه میشوند

در این مراسم ابتدا آقای شجاع‌ملایری معاون وزارت کشور ومدیر عامل شرکت واحد طی گزارشی چنین گفتند:

جناب آقای نخست وزیر ،

حضار محترم .

به خانه کارگران و بمحیط پرازمحبت شرکت واحد اتوبوس‌رانی خوش آمدید .

این يك محیط ساده کارگری نیست بلکه نمونه‌ای از عمیق‌ترین احساسات شاهدوستی و وطن‌پرستی همیشه‌ازاین نقطه سرچشمه گرفته ومهر شاه با خون کارگران شرکت واحد عجین شده است .

مراد و مقصود این ده‌هزار کارگر میهن پرست متدین ،

شاهنشاه است و افتخار آنها خدمتگزاری به اوست . شاید عده‌ای ازحضار محترم تشکیلات شرکت واحد اتوبوس رانی را آنطورکه بایدتصور نمی‌فرمودند ولی امیدواراست که فرصت‌فرمایند امروز یك سوم تمام تشکیلات شرکت را که در این نقطه واقع شده است از نزدیك ملاحظه فرمایند .

عشق وایمان

این تشکیلات گاراژ و تعمیرگاه با بهترین تشکیلات اتوبوسرانی دنیا قابل مقایسه وقابل رقابت است .

کلیه این‌سازمانها ازچهار سال به‌اینطرف ایجاد شده است ولی باید عرض‌کرد که اینهمه کار در این مدت کم از قدرت آدمی‌خارج است و فقطانگیزه ما عشق و ایمان بشاهنشاه‌بود که به حقیقت این معجزات را بادست خالی وبدون‌کوچکترین مساعدت ظاهر ساخت .

اوامرشاهنشاه

بی‌ستون‌راعشق کندوشهرتش فرهادبرد. ذات اقدس شهریاری در بازدیدی‌که‌از تعمیرگاه‌شماره دو واقع در سه راه آذری بعمل آوردندامربه تهیه خانه مسکونی برای کارگران شرکت واحد فرمودند . چند ماه بعد جناب آقای علم‌نخست وزیر وقت‌اولین کلنگ این‌کوی‌را به زمین‌زدند و اینك بهمت وپشتکار وزارت آبادانی‌ومسکن دویست وشصت‌و یك خانه زیباآماده گردیده‌است و جناب‌آقای هویدا نخست‌وزیر برای افتتاح‌کوی‌کارگران‌شرکت واحد تشریف فرماشده‌اند زمین خانه ها و سایر تاسیساتی که بوسیله شرکت واحد اتوبوسرانی در این‌کوی انجام‌گرفته ازقبیل لوله‌کشی آب ، نصب اجاق‌گاز وغیره حسب‌الامر مبارك شاهانه از طرف شرکت به‌کارگران‌بطور رایگان واگذارگردیده است .

هردو امر اعلیحضرت‌همایونی‌درمورد خانه وشرکت تعاونی‌کارگران اجراء شده است بانك‌رفاه کارگران‌تاکنون قریب یك صد میلیون ریال جهت وام خانه سازی و وام شرافتی‌به‌کارگران شرکت‌قرض داده‌است‌که‌عده‌دیگر ازکارگران ازآن راه صاحب خانه میشوند وشرکت‌واحدنیز سرمایه‌شرکت تعاونی را از بودجه خود و تملك کلیه کارگران پرداخت نموده است :

شکون

اینك فروشگاه تعاونی نیز برای بازدید حاضراست فقط از جناب آقای نخست وزیراستدعا داردکه بفروشگاه فردوسی اوامر لازم صادر فرمایند تا در این شرکت شعبه ای ایجاد فرمایند که مایحتاج اهالی این‌کوی‌راکه بیش‌از دوهزار نفرساکن دارد تامین فرمایند دراینموقع عین اوامرمبارك ملوکانه‌بعنوان‌شکون یمن برکت چنین روز تاریخی که برای اولین بار جمع زیادی از کارگران درپرتو عنایت شاهنشاه عظیم‌الشان وپیشوای ملت ایران صاحب‌خانه‌می‌شوند پخش‌گردید.

جاوید شاه ـ پاینده ایران

۸ هزار خانه

سپس آقای دکتر هوشنك نهاوندی وزیر آبادانی ضمن سخنرانی‌کوتاهی‌ابراز خوشوقتی کردندکه ظرف ۲۶ ماه‌ساختمان این‌خانه‌ها بپایان رسیده است وی افزودکه درحال حاضر به وسیله وزارت‌آبادانی ساختمان بیش از ۸ هزار خانه درسراسر کشور در دست اقدام است و در سال جاری قسمت مهم از این برنامه های ساختمانی پایان خواهد یافت.

وزیرآبادانی ومسکن سپس اضافه کردکه نخستین‌گروه ازاین خانه‌های‌سازمانی‌اکنون‌دراختیار کارگران شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران وحومه قرارمیگیرد

سپس آقای مهندس‌بدیع‌عضو هیئت مدیره سازمان مسکن طی گزارشی فعالیتهای این سازمان را شرح داد ویادآور شدکه‌برای اینجانب مایه بسی‌خوشوقتی‌است که افتتاح این‌کوی جدید بدست جناب آقای نخست‌وزیر باعث میشود عده‌ای ازهموطنان عزیز ماکارگران شرکت واحد اتوبوس رانی‌که از طبقات زحمتکش پایتخت هستند ومسئولیت بزرگی را بعهده دارند ، ببرکت نیات خیرخواهانه شاهنشاه صاحب‌خانه شوند، وبتوانند درپی انجام کار خستگی‌آور روزانه با دلگرمی وامید فراوان درخانه‌ایکه متعلق بخودشان خواهد بود، دور از دغدغه اجاره نشینی استراحت خانواده خودرا تامین نمایند.

برای تاسیسات شبکه لوله کشتی‌آب توسط سازمان‌آب تهران ۵ر۰۰۰ر۰۰۰ ریال‌خرج شده که‌بامر اعلیحضرت همایون شاهنشاه بطور رایگان بساکنین واگذارخواهد شد .

طبق توافق حاصله فیمابین سازمان مسکن و شرکت واحد اتوبوسرانی خانه‌هارا سازمان مسکن بقیمت تمام‌شده دراختیار شرکت‌واحدمیگذارد بهای تمام

خانه‌ها بمدت پانزده سال در یکصد وهشتاد قسط متساوی‌از طرف شرکت بسازمان مسکن پرداخت خواهدشد .

شرکت ، ترتیب تقسیم و واگذاری خانه‌ها را بین کارگران خودخواهد داد و بجاست ازحسن نیت مدیرعامل‌محترم شرکت‌واحد اتوبوسرانی که نهایت علاقه وهمکاری رادر اجرای طرح داشته‌اند قدردانی شود .

نمونه همکاری

آقای‌هویدا نخست‌وزیر در سخنان‌خود چنین گفتند که بنظرم امروزیك نمونه همکاری چندین سازمان‌دولتی را ملاحظه میکنیم . دراینجاذکرشد که‌چه سازمانهائی درایجاداین‌خانه‌هاخدمت کرده‌اند بدیهی است بهترین پاداش برای این‌افراد رضامندی خاطرشاهنشاه وکسانی‌است که‌ازاین‌خانه‌هااستفاده می کنند .

بدیهی است دربرنامه های عمرانی دولت این اولین کوی ساختمانی نیست که برای رفاه مردم ایجاد میشود وآخرین آن هم نمیباشد . همه سازمانهای مسئول بکسانی که‌دراین خانه‌ها اقامت‌میکنند علاقه‌دارند ومایلند ازآسایش برخوردار شوند والبته شما هم توجه خواهیدکرد که‌باید قدردانی کنیدوامیدواریم قدردانی خودرا آنطور که بایدوشایدنشان دهید . من میدانم که‌زحمت شما زیاداست‌ـ اتوبوسهای ما نونیست اشکالاتی‌داریدولی‌من امیدوارم که شما بترتیب بهتری نشان‌دهید که قدردانی میکنید .

آقای شجاع ملایری دوست عزیز منهم دراین‌قسمت طوری انجام وظیفه خواهندکرد که‌روز بروز رفت و آمد تهران بوضع بهتری انجام شود .

افتتاح منازل

آنگاه آقای نخست‌وزیر به اتفاق‌آقای‌پاکروان‌وزیراطلاعات آقای ملایری مدیرعامل شرکت واحد تیمسار سرلشکر خسروانی وآقای مهندس سرلك شهردار منازل کارگری راافتتاح و سپس با اتوبوس ازقسمتهائی‌ازتعمیرگاه شرکت واحد دیدن کردند .

کارخانه مصنوعات فلزی ایراندوست
شمارا دعوت مینماید
IRAN DOOST
از
نمایشگاه و فروشگاه
شماره ۲ مقابل درب شمالی کاخ دادگستری
تلفن: ۳۲۶۹۷ دیدن فرمائید
در شهرستانها نماینده فعال میپذیرد .
فروشگاه شماره ۲ مقابل درب شمالی کاخ دادگستری تلفن ۳۲۶۹۷ .

ترجمه : دکتر م . خان افشار

سرمایه گزاریهای خارجی

اثر بخشی سرمایه‌ها و مسأله تضمین و امها

گونار میردال دانشمند معروف سوئدی در کتاب خود بنام « تئوری اقتصادی و کشورهای کم رشد » نقش سرمایه‌گزاریهای خارجی را در کشورهای کم رشد عمیقاً بررسی کرده و باین نتیجه میرسد که تحولات ناشی از دوجنگ اخیر سرمایه‌گزاری مناطق توانگر را درنواحی فقیر جهان بارکود مواجه کرده و این خود از عواملی است که بفقیرتر شدن کشور های کم رشد کمك میکند در مقاله زیر که فصلی ازکتاب Economic Develo-pment ،Theory، History ، policy که اثر دوتن از اقتصادانان بنام .G و Robert Ebaldwin m.Meier است شمه‌ای از انگیزه های توسعه سرمایه‌گزاری خارجی در سالهای قبل ازجنك نخستین نمایانده شد ومرکز ثقل بحث، سرمایه گزاریهای خارجی انگلیس است .

در هیچ زمانی. چون فاصله سالهای ۱۸۷۰ تا۱۹۱۴، حجم سرمایه‌گذاریهای خصوصی‌خارجی دردنیا سیرصعودی نیافته است. درمیان‌اعطا کنندگان وام بریتانیا رل عمده را بدست داشت هما نطور که از جدول شماره۱ برمیآید درحدود سال۱۹۱۴ کشورهـائی چون فرانسه آلمان،بلژیك، هلند و-

سویس نیز منابعی صرف سرمایه‌گذاری خارجی کرده‌اند که نباید مقدار آنرا ناچیز انگاشت معهذا مبالغ مذکور درقبال وجوه سرمایه‌گذاری شده ازطرف بریتانیا قلیل میباشد. دومین کشور وام دهنده در۱۹۱۳ یعنی فرانسه درحدود نصف بریتانیا وایالات متحده اندکی بیش ازیك پنجم این کشورسرمایه‌گذاری کرده بود.

اواسط قرن نوزدهم تقریبا تمام پس‌انداز بریتانیا درجهت تاسیس خطوط راه‌آهن این کشوروایجاد شهرهای جدیدوبهبود وضع شهرهای قدیم تجهیز یافته بود. درآنموقع فقط مقدار کمی سرمایه‌گذاری خارجی ازطرف این کشور صورت گرفت که عبارت میشد از دویست میلیون لیره و بیشتر هم صرف تاسیس خطوط راه‌آهن وفعالیتهای بازرگانی وبانکداری دراروپا واعطای وام بدولتها خاصه در ناحیه خاورمیانه وآمریکای‌جنوبی گردید. لکن‌درحدود سال ۱۸۷۰ ماهیت سرمایه‌گذاری بریتانیا وحدود آن تغییراتی یافت. تا قبل ازاین تاریخ ممالك اروپائی جزو وام‌گیرندگان عمده از بریتانیا بودند ولی بعدا مسیرسرمایه‌گذاری خارجی‌این‌کشور بطرف ممالك عقب مانده‌آمریکای‌شمالی وجنوبی، آسیا، استرالیا وجنوب تغییرجهت یافت. درفاصله تاریخ فوق‌الذکر وسال۱۹۱۴ سرمایه‌گذاری بریتانیا درکشورهای اروپائی به نصف مقدار سابق خود تقلیل یافت ولی سرمایه‌گذاری این کشور درسایرنقاط جهان بچهار برابر میزان قبلی رسید. بدوا سرمایه‌گذاری بیشتر دراسترالیا، هندوستان، آمریکای جنوبی وایالات متحده انجام‌گرفت وسپس درحدود سال۱۸۸۰ وده سال بعد از آن تاریخ مسیرآن متوجه آرژانتین- استرالیا- آفریقای جنوبی و ایالات متحده‌گردید ودر ده سال قبل ازجنگ جهانی اول درآرژانتین، کانادا وایالات متحده تمرکز یافت.

جدول شماره ۱

سرمایه‌گذاریهای بلند مدت خارجی در۱۹۱۳-۱۹۱۴

کشورهای سرمایه‌گذار	میزان سرمایه گذاری بـه میلیون دلار
انگلستان	۱۸۰۰۰
فرانسه	۹۰۰۰
آلمان	۵۸۰۰
ایالات متحده	۳۵۰۰
بلژیك، هلند، سویس	۵۵۰۰
سایر کشور ها	۲۲۰۰
جمـع	۴۴۰۰۰

***

مناطق استفاده کننده از سرمایه‌گذاریهای بلند مدت	
آفریقا	۴۷۰۰
آسیا	۶۰۰۰
اروپا	۱۲۰۰۰
ایالات متحده	۶۸۰۰
سایرنقاط آمریکای شمالی	۳۷۰۰
آمریکای لاتین	۸۵۰۰
اوقیانوسیه	۲۳۰۰
جمـع	۴۴۰۰۰

درحدود سال۱۸۷۰ فقط یك سوم ازسرمایه‌گذاریهای خارجی بریتانیا درمستملکات این کشور صرف میشود ولی درحدود سال۱۸۸۵ میزان این سرمایه‌گذاری بیك دوم رسید واین وضع تا حدود سال۱۹۱۳ حفظ گردید وام گیرندگان عمده از داخل امپراطوری انگلستان بترتیب اهمیت عبارت بودند از : کانادا، هند، آفریقای جنوبی، استرالیا ونیوزیلاند وخارج از امپراطوری مزبور عبارت بودند از ایالات متحده وآمریکای لاتین. آرژانتین وبرزیل نصف سرمایه‌گذاری آمریکای لاتین را بخود جذب میکردند. بدینترتیب با اینکه سرمایه انگلستان درکشور های زیادی پخش میشد معهذا درعمل سهم عمده‌ای ازآن درمعدودی از این ممالك بمصرف میرسیدند چنانکه درحدود سال ۱۹۱۳ بیش‌از سه چهارم سرمایه‌گذاری خارجی کشور مورد بحث درآرژانتین، استرالیا، نیوزیلاند، برزیل، کانادا، هندوستان، آفریقای‌ـ جنوبی وایالات متحده انجام گرفت.

سرمایه‌گزاری : ۴ درصد درآمد ملی

درفاصله سالهای ۱۸۷۵و۱۹۱۳ سرمایه‌گذاری خارجی بریتانیا تقریباً ۲۵۰ درصد افزایش یافت و به ۴ بیلیون دلار در۱۹۱۳ بالغ گردید . در ۱۹۱۳ که سال اوج سرمایه‌گذاری خارجی این کشور میباشد بیش‌از نصف پس‌انداز بریتانیا صرف اینکار گردیده است. درطول چهل تا پنجاه سال قبل‌از سال ۱۹۱۳ بریتانیا تقریبا برابر کلیه سرمایه صنعتی و تجارتی خود بـه استثنای زمین در خارج سرمایه‌گذاری کرد که اگرمیزان آنرا بصورت درصد از درآمدملی‌درنظر بگیریم در سالهای ۱۸۷۰ تا ۱۹۱۳ بطور متوسط چهار درصد درآمد ملی‌این کشور مصروف سرمایه‌گذاری خارجی‌گردیده است. درفاصله سالهای ۱۹۰۵-۱۹۱۳ این نسبت ۷درصد ودر۱۹۱۳، ۹درصد بوده است .

اینك باید دیدکه چگونه جزایر بریتانیا قادر شده بودکه بچنین سرمایه‌گذاری هنگفتی‌دست بزند یکی‌از توضیحاتی‌که دراین مقام میتوان اقامه‌کرد این است‌که درجزایرمذکور اقتصاد بسرعت رشد میکرد و بعلاوه بعضی از ممیزات سرمایه‌گذاری بین‌المللی موجب میشدکـه جریان آن بخودی خود تامین‌گردد .

چنانکه میدانیم درآمد ملی حقیقی بریتانیا در فاصله سالهای ۱۸۷۰و۱۹۱۳ بـه سه برابر افزایش یافته است . چنین افزایش شگرفی در درآمد ملی توام با توزیع غیرعادلانه آن بطور مسلم در افزایش پس‌انداز ملی‌موثرافتاده است واگرغیراین بود بریتانیا نمیتوانست بسرمایه‌گذاری‌عظیم یاد شده اقدام‌کند .

لکن نباید ناگفته‌گذاردکه نتایج نوسانات ناشی‌از ادوار تجاری نیز نقش بزرگی درسرمایه‌ـ گذاری خارجی بریتانیا داشته است. بین سالهای رفاه وایام افزایش سرمایه‌گذاری خارجی بریتانیا رابطه نزدیك وکاملا مثبتی وجود دارد. سالهـای صدور حداعلی سرمایه بخارج (بـا مقایسه نسبت سرمایه‌گذاری خارجی به درآمد ملی ویژه) یعنی سالهای ۱۸۷۲-۱۸۸۱-۱۸۹۰-۱۹۰۷و۱۹۱۳ با سالهائیکه اقتصاد بریتانیـا در اوج رواج خود بـود یعنی سـالهای ۱۸۷۳-۱۸۸۳-۱۸۹۰-۱۹۰۷و ۱۹۱۳ـ تطبیق زیادی دارد. درهریك ازمراحل رواج ادوار تجاری بریتانیا درسالهـای‌مورد نظر سهم ویژه سود، مال‌الاجـاره وبهره در درآمد ملی‌نیز بحد اعلای خود میرسید. این رابطه مثبت بین سالهای رفاه وایام افزایش سرمایه‌گذاری وحد اعلی سود موید این نظر میباشدکه سهم اعظم سرمایه گذاری خـارجی بریتانیا از محل سودهای زیادی‌کـه درسالهای رواج اقتصـادی نصیب شده تامین گردید است .

با وصف این، هرگاه بعضی‌از ممیزات سرمایه گذاری بین‌المللی موجب نمیشدکه جریان آن بخودی خود تامین‌گردد، جای شك است‌کـه سرمایه‌گذاری خارجـی بریتانیا درسنوات مـورد بحث میتوانست‌آنچنان‌که دیدیم‌توسعه یابد. بموازات‌توسعه سرمایه‌گذاری خارجی بهبود اقتصادیات ممالك دیگر، چون‌ـ تقـاضای‌این‌ممالك نسبت بصادرات بریتانیا افزایش میيافت اقتصاد بریتانیا باموقعیت

وبهتر وممتازتری مواجه میشود. بطورمثال اگرایالات متحده یا آرژانتین بساختن خطوط راه آهن بیشتری اهتمام میکرد بریتانیا ریل ووسائل لکوموتیو ویا حتی منسوجات ومحصولات دیگری صادر مینمود. همین توسعه صادرات با اثرخود در افزایش درآمد ملیموجب افزایش پس انداز ملیمیشد. لکن از این مهمترافزایش درآمد مستمر بریتانیا ازخارج بود. درفاصله سالهای ۱۸۷۰-۱۹۱۳ سود حاصله از سهام بهره وامهای اعطائی خارجی برای بریتانیا سالانه بطور متوسط درحدود یکصد میلیون لیره عایدی داشته است. درفاصله همین سالها سهم سود حاصله از سرمایه‌گذاری خارجی بریتانیا از درآمد ملیاین کشور درحدود ده درصد بوده است. طی چهل سالمورد بحث بریتانیا مبالغ هنگفتی درخارج سرمایه‌گذاری کرده است ولی جمع مبالغ مذکور هرگز از چهل درصد درآمد حاصله از سرمایه‌گذاری خارجی‌که بریتانیا درطول این چهل سال بدان مبادرت نموده بود، تجاوز نکرد. بریتانیا درسایه یك اقتصاد روبرشد سریع موفق‌شده بود برای‌سرمایه‌گذاری در خارج مبلغ متنابهی گردآورد وپس‌ازآنکه بدین‌کار مبادرت کرد سود حاصله از سرمایه‌های مذکور بنوبه در تزاید میزان آن وبخشیدن سرعت بیشتر به آهنك سرمایه ریزی خارجی بریتانیا موثرافتاد.

اینك با قبول اینکه بریتانیا دارای سرمایه اولیه برای سرمایه گذاری خارجی بوده است سئوال بعدی مطرح میگردد که چرا این‌کشور علاقمند بود سرمایه های خود را درخارج بکاراندازد ؟ چرا سرمایه‌گذاری خارجی برسرمایه‌گذاری داخلی ترجیح داده شد؟ عوامل تعیین‌کننده ویا بعبارت دیگرمرجحات سرمایه‌گذاری خارجی‌از چه قراربوده است ؟

دلایل افزایش سرمایه‌گزاری

سرمایه‌گذاران بریتانیا را هرگز یك برنامه حکومتی نسبت بتوسعه آگاهانه سایر کشورها تشویق وترغیب نکرده است. کنترلی ازحیث سرمایه‌گذاری در کارنبود ودولت کمتر نسبت بسرمایه - گذاری درخارج تسهیلات مخصوص قائل میشد. صحیح است که پس‌از اینکه در اواسط دهه آخرقرن نوزدهم ژوزف چمبرلن-که درآن زمان وزیرمستعمرات بود-کولونیها را «نواحی عقب مانده» خواند توجه عمومی بامکانات سرمایه گذاری خارجی بیش از گذشته جلب شد و حمایت دولت از این نوع سرمایه‌گذاری جنبه مثبت بخودگرفت . لکن سابقه سرمایه‌گذاری خارجی انگلستان مشحون از نام اشخاص و مؤسسات وسرمایه‌گذارانی میباشدکه بدون راهنمائی خویشتن دست به‌اینکار زده‌اند . و بالعکس آنچه ازفرضیه امپریالیسم انتظار میرود، سهم اعظم از سرمایه‌گذاریهای خارجی بریتانیا در سال ۱۹۱۳ خارج ازحدود امپراطوری انجام پذیرفته است.

سرمایه‌گذاران از موقعیت‌های ممتاز وسودبخش سرمایه‌گذاری خارجی غافل‌نبودند. زمینهای جدیدگشوده میشد، منابع تازه‌ای‌دراختیارقرارمیگرفت ومحصولات‌نوینی‌تولید میگشت. دراینجا نیازی بذکرموقعیت های مطلوب و مناسب سرمایه‌گذاری خارجی‌نداریم. هستندبسیاری‌از نویسندگان‌که در نوشته های خود از طلاو الماس‌آفریقای جنوبی ، ازمحصولات‌کشاورزی‌آمریکای شمالی‌وازقهوه وچای ولاستیك مناطق‌استوائی به‌تفصیل یادکرده‌اند .

با توجه باین نکته که اغلب استفاده کنندگان ازسرمایه‌گذاریهای خارجی بریتانیاراکشور-های فقیر وعقب مانده تشکیل میدادند خصوصیت و ماهیت‌سرمایه‌گذاری در این‌کشورها بیشترمشخص میگردد • سهم اعظم ازسرمایه‌گذاری های خارجی بریتانیا صرف ساختن خطوط راه آهن وبرداشت از منابع زیر زمینی میشدکه در طول مدت مورد بحث توسعه زیادی حاصل کرد . درحدود سال ۱۹۱۳ اندکی بیش از چهل‌درصدمجموع سرمایه‌گذاریهای بریتانیا درتوسعه خطوط راه آهن وپانزده در صدآن در طریق توسعه معادن وبرداشت مواد خام خرج میگردید . ازسوی دیگردر این سال ۳۰ درصد وامهای اعطائی از طرف دولت نیز در این دوطریق مصرف شد .

گرچه‌کشف‌منابع‌ذیقیمت طبیعی انگیزه مهی برای سرمایه‌گذاری‌خارجی بریتانیا بشمارمیرفت

لکن عامل اصلی تر توسعه عمیق اقتصادی این کشور بود. برخلاف بعضی از نظرات بالا بودن میزان تقاضا درخود بریتانیا سرمایه‌گزاری خارجی این‌کشوررا تسهیل‌وتشویق میکرد. بدون واردات مواد خام ، بریتانیا قادر نبودکه به صنایع خویش توسعه بخشد ونیازمندیهای جمعیت خود را تامین‌سازد. سرمایه‌گذاران‌از این احتیاج باخبر بودند ومیدانستند که سرمایه‌گذاری خارجی‌مکمل‌سرمایه‌گذاری داخلی است ودر پاره‌ای از موارد مقدمه لازم آن . با علم به اینکه صدور مواد خام به بازارهای خارجی لطمه‌نمیزند بلکه بلعکس سبب میشود که کشورهای فقیر ارزلازم برای خریدمحصولات‌صنعتی را تحصیل نمایندسرمایه گذاران سرمایه های خودرا متوجه تقویت وبهبود بخشهای‌تولید مواد خام کشورهای فقیر نمودند . بدینترتیب تقاضای خود بریتانیا نسبت به واردات مواد خام نقش مهمی در سرمایه‌گذازی خارجی این کشور ایفاکرد .

بدلیلی‌که ملاحظه شد سرمایه های بریتانیا در گوشه وکناردنیا در مناطقی‌که از حیث مواد خام غنی بود بکار افتادوشامل بخشهائی شد که بطور مستقیم با بهره برداری از مواد خام مربوط بود ونیز مقداری صرف تاسیس خطوط راه آهن از مناطق مذکور به بنادرگردید . سرمایه‌گذاری خارجی بریتانیا بهمین دلیل کمتر صرف بهبود بازارهای‌داخلی کشورهای فقیر شد چنانکه موسسات وبنگاهای صنعتی و تجارتی ـ ممالك مزبور بزحمت توانستند در حدود چهار درصد مجموع سرمایه گذاری بریتانیا را بخود اختصاص دهند .

سرمایه‌گذاری درموسسات عام‌المنفعه از قاعده‌کلی تمایل برتوسعه فعالیتهای استخراجی‌مواد خام خارج نبود چه بدون توسعه موسسات عام‌المنفعه فعالیتهای مذکور نمیتوانست بخوبی جریان‌یابد بکار افتادن سرمایه های بریتانیا در بخشهای‌کشاورزی و استخراج معادن بطور مسقیم و درتوسعه موسسات عام‌المنفعه بطورغیرمستقیم تولیدموادخام‌را درکشورهای فقیر تا سرحد امکان‌سهولت بخشید. چنانکه تهیه روغن نارگیل در نیجریه ، کائوچو ولاستیك در سیلان ومالایا ، طلا درآفریقای‌جنوبی قلع در مالایا ونیجریه ، گرافیت درسیلان . مس در رودزیادی شمالی کاکائو در ساحل طلا ونیجریه چای در سیلان . نیشکر در هند غربی‌وگوشت ودانه های‌خوراکی خارجی بریتانیا درکشورهائی تمرکز یافته بودکه در امرصدور مواد اولیه وخام فعالیت‌داشتند.

درهرجا چون‌کانادا که بالفعل نشان داده بود میتواند برای بازارهای جهانی کالا تهیه‌کند و درهر جاکه چون مناطق استوائی‌که امکانات تولید مواد خام وجود داشت سیل سرمایه های بریتانیا سرازیر میشد . هرپیشرفتی‌که بنظر میرسید در توسعه صادرات مواد خام یك مملکت اثرمطلوب دارد مناسب ولازم تشخیص داده میشد . درهر جاکه‌کالاهای صادراتی‌گران بهابود میزان برداشت افروده میشد و یا بهای حمل و نقل تقلیل میافت وبدین ترتیب سرمایه گذاری خارجی نقش‌خودرا ایفا میکرد .

علاوه بر تقاضای زیاد نسبت به صادرات کشورهای‌وام‌گیرنده ، عوامل دیگر نیزدرکار بودکه زمینه مطلوبی برای سرمایه‌گذاری خارجی بریتانیا بوجود میآورد : محیطی مالامال ازخوش بینی در عصر ویکتوریا در بریتانیا وجود داشت . به پیشرفت اقتصاد بریتانیا همگان اعتماد داشتند و سیاست‌خارجی امپراطوری بریتانیااز هرگزندی مصون بنظر میرسید . بعلاوه مقرراتی نیز بعداوضع گردید که خطر سرمایه گذاریهای خارجی‌رابحد اقل‌تقلیل میداد . ازاین گذشته نقش کارگذاران و عمال امپراطوری درکولونیها نیزتاثیر داشته‌است. عمال‌مذکور اطلاعات لازم را در اختیار سرمایه گذاران میگذاردند وبین آنها و کولونیها واسطه‌بودند وترتیب استهلاك وام را ازعایدات‌کولونیها میدادند . عمال امپراطوری همچنین بعلت اینکه نماینده تحویل کالاهای صادراتی بریتانیا بشمار میآمدند درعمل کاری میکردندکه صادرات کالاهای انگلیسی ازفرم سرمایه گذاریهای این مملکت‌در صورت‌لزوم تبعیت‌کند .

تضمین وامها

عامل مهم دیگر آنکه حکومتهای کشورهای وام گیرنده چه کولونی وچه خارجی استهلاك وامهای اعطائی بریتانیا را تضمین میکردند . بطورمثال در۱۸۷۵ سود وبهره هشتاد درصد مجموع سرمایه گذاری بریتانیا درآرژانتین یا توسط مقامات رسمی این مملکت قابل پرداخت و یا ازطرف آنها تضمین گردیده بود . روشن است که بدون تضمین مقامات حکومتی اعضای وامهای طویل المدت با نرخهای نازل به آسانی امکان پذیر نبود .

همچنین انجام سرمایه گذاریهای خارجی از طریق خدمات عمومی وتاسیسات بازرگانی موجود نیز تسهیل میشد . موسسات بزرك بازرگانی وجود داشت وبنگاههای بزرك اعتباری وبیمه نیز کارها راسهل وآسان میکرد . از این گذشته اگردراثر سرمایه گذاری خارجی نسبت به محصولات صادراتی انگلستان تقاضا افزایش میآفت اقتصاد بریتانیا قادربه تامین مازاد احتیاج بود وبالاخره همانطور که درفصل بعدی به تفضیل بحث خواهیم کرد.مکانیزم بین المللی تطبیق فعالیتها به راحتی کارمیکرد که اگر غیر این بود وفی‌المثل ازحیث موازنه پرداختهای بحرانی بوجود میآمدبطورمسلم سرمایه‌گذاری خارجی بریتانیا دستخوش رکود بزرگی میشد.

بنا براین آنچه گفته شدملاحظه‌میشود که ازنظرسرمایه گذاری خارجی ساختمان محیطی مساعدی وجود داشته است. لکن دراین میان عامل ساده دیگری‌نیز وجودداشت که شاید ازتمام عوامل دیگر که ذکر کردیم موثرتر ونافذتر بود ـ سرمایه گذاری داخلی سودش بیشتر وآنقدر بیشتربود که جبران «ریسك» اضافی را بخوبی میکرد . درخلال سالهای ۱۸۷۰و۱۸۸۰ سود حاصله ازخرید اوراق‌بهادار بریتانیا کمتر ازخرید اوراق بها دار دولتهای دیگر بود ویك سرمایه گذار باخرید اوراق ـ بهادار دولتهائی چون ترکیه ،مصر ، هند و یاکشورهای جنوبی عایدی بیشتری میتوانست تحصیل کند . پس از۱۸۸۰ هم عایدات ناشی ازخرید اوراق بهادار خارجی واساسا سرمایه گذاری‌خارجی همچنان برعایدات حاصله از سرمایه گذاریهای داخلی تفوق داشت . درفاصله سالهای ۱۹۰۰تا۱۹۰۴ عایدات منتظره ازسرمایه گذاریهای خارجی ۲/۲ درصد بیشتراز سرمایه گذاری داخلی بود. نسبت مذکور درفاصله سالهای ۱۹۰۴تا ۱۹۰۹ به ۱/۳ رسید. سرمایه گذاری دررشته تولید مواد خام بیش ازهمه سودبخش بود در۱۹۰۷ـ۱۹۰۸ سرمایه گذاری در استخراج ذغال سنگ وسنگ‌آهن۱۳/۲ در صد . درمعادن مس ۳۰/۵ درصد. درمعادن الماس ۹/۳ درصد در استخراج طلا۸ درصد. در تهیه قلع ۱۵ درصد. درتهیه روغن های مختلف ۸/۲ در صد . درتهیه کائوچو ۸/۲ درصد تهیه‌چای‌و قهوه۸/۴درصد عایدی داشت ، بالاخره تخمین نشان میدهد که درخلال سالهای ۱۹۰۰و۱۹۱۰سرمایه‌گذاری خارجی بطورمتوسط ۵/۲ درصد عایدی داشته است وحال آنکه در این فاصله سرمایه گذاری درخرید اوراق بها دار کنسولها بیشتراز ۳ درصد واوراق بهادار دولت بریتانیا بیش از ۳/۵ درصد سودنداشته است .

اگر جریان سرمایه های بریتانیا بخارج ازمرزهای آن فصل قابل توجهی را در تاریخ توسعه اقتصادی جهان بخود اختصاص میدهد همین وضع را نیز مهاجرت میلیونها نفر انگلیسی بخارج از خاك وطن خود دارد . درجریان قرن نوزدهم قسمت اعظم سرمایه گذاری خارجی بریتانیادر مناطقی بعمل آمدکه بسیار وسیع وتقریبا از سکنه خالی بود . درحدود دوسوم از سرمایه گذاری خارجی بریتانیا درسرزمینهائی خرج شدکه به مناطق «جدیدالاحداث» مصطلح شده وعبارت بود از دشتهای وسیع وحاصلخیز کانادا ـ ایالات متحده ـ آرژانتین ـ استرالیا وسایر کشورهای جدید جهان درمنطقه معتدله . درکنارسرمایه های بریتانیا ، میلیونها مهاجر انگلیسی نیز به این مناطق مهاجرت کردند (کارگر یا کارفرما) این مهاجرین به کارآئی واثر نهائی این سرمایه ها افزودندکه اینك اثر تکمیلی فعالیت آنها را باید مطالعه کرد.

مهمترین اخبار اقتصادی کشور در مرداد ماه ۴۴

بهای کارخانه ذوب آهن

اوایل مرداد ماه اعلام شد قسمت بازرگانی وزارت اقتصاد سرگرم تهیه طرحی است که بموجب آن قیمت کارخانه ذوب آهن که قرار است از شوروی خریداری شود ۱۲ سال پس از شروع به بهره برداری پرداخت میشود. درمرحله اول گاز نفت ودرمرحله بعد محصولات صنعتی ازقبیل یخچال - بخاری اجاق گاز ودیگر محصولات صادراتی بشوروی بهاداده میشود. ظرفیت کارخانه درمراحل نخستین ۶۰۰ هزار تن ، در مرحله بعد ۸۵۰ هزار تن و در مرحله نهایی ۱ میلیون و ۲۵۰ هزار تن پیش بینی شده است .

تمدید قرارداد بازرگانی هند

در اوایل مردادماه قرارداد بازرگانی ایران وهندوستان که موعد آن پایان یافته بود برای مدت یکسال دیگر تمدید شد . در ۸ ماه اول سال جاری هندوستان ۳۰/ میلیون ریال کمتر از میزانی که درقرارداد پیش بینی شده بود از ایران کالا خریده بود ودرقرارداد تازه پیش بینی شده که کسری مورد بحث در سال جاری جبران شود . درسال ۱۳۴۳ کل خرید هندوستان ازایران ۱۳۰/ میلیون ریال بوده و در قرار داد جدید پیش بینی شده که میزان خرید هندوستان (علاوه بر ۳۰/ میلیون ریال مورد بحث) به ۱۶۰/ میلیون ریال بالغ شود.

سفر هیئت دولت بآذربایجان

روز پنجم خرداد هیئت دولت بریاست آقای نخست وزیر برای بررسی طرحهای صنعتی آذربایجان وامکانات رشد و توسعه این منطقه برای مدت چندروز بآذربایجان سفر کردند . سفرهیئت دولت در حدود یکهفته بطول انجامید و بعنوان سفر پرسروصدای مرداد ماه تلقی گردید . دراین مسافرت هیئت دولت ازسرمایه گذاران آذربایجانی چه آنها که سرمایه های خود را به تهران ونقاط دیگر انتقال داده اند وچه آنها که هنوزدر آذربایجان هستندولی توجهی بامکانات توسعه این ناحیه ندارند انتقاد کردند . در جراید اقتصادی پایتخت هم این موضوع مورد بحث وانتقاد قرارگرفت وهدف انتقادات غالبا سرمایه گزاران و سرمایه داران آذربایجانی بودند .

موافقتنامه همکاری کشاورزی ایران- فرانسه

روزدوشنبه ۱۱ مرداد بین نمایندگان دولتین ایران و فرانسه موافقتنامه یی دایر برایجاد مراکز ترویج کشاورزی درایران بامضاء رسید. بموجب این موافقتنامه و با استفاده از اعتبارات سازمان برنامه یك مرکز آموزشی کشاورزی دراصفهان ایجاد میشود . سفیر فرانسه در مراسم امضای این قرارداد گفت اگر اطمینان حاصل کنیم که همکاری ایران وفرانسه در زمینه اجرای قانون اصلاحات ارضی موثر واقع میشود خیلی خوشحال میشویم. تیمسار ریاحی وزیر کشاورزی از طرف ایران قرارداد را امضاء کردند .

«مونتاژ» به «ساخت» تبدیل میشود

دوشنبه ۲۷ مرداد آقای مهندس شیرزاد دریك مصاحبه مطبوعاتی سیاست صنعتی وزارت اقتصاد را تشریح کرد و گفت وزارت اقتصاد میکوشد بتدریج مونتاژ انواع ماشینها را به ساخت تبدیل کند چه درحال حاضر بازار داخلی برای جذب این قبیل کالاها تقاضای کافی دارد و برای تولید کنندگان و سازندگان این قبیل ماشینها صرف میکند که بجای مونتاژ بساخت انواع ماشنها بپردازند. درحاشیه باید متذکر شد که سیاست سابق درزمینه مونتاژ درسالهای گذشته مورد انتقاد محافل اقتصادی کشور واقع شده بود وغالباً گفته میشد مونتاژ اصولا کمکی بتوسعه صنعتی کشور نمیکند .

۱۴ میلیون دلار:
درآمد از محل جلب سیاح

ازطرف سازمان جلب سیاحان اعلام شد که در سال ۱۳۴۳ جمعاً ۱۳۸ هزار نفرسیاح خارجی از ایران دیدن کرده‌اند. درآمد ارزی کشور ازمحل بازدید سیاحان درسال مزبور به ۱۴ میلیون دلار بالغ میشود و با اجرای طرحهایی که هم اکنون بوسیله سازمان جلب سیاحان در دست تهیه است درآمد ارزی کشوردرسال جاری (۱۳۴۴) به ۲۰ میلیون دلار خواهد رسید. ازجمله این طرحها ایجاد چند هتل ومتل وایجاد وسایل استراحت بیشتر درنقاط دیدنی و باستانی ایران است. در شرایط حاضر که متاسفانه کشور باکمبود ذخایر ارزی مواجه است فعالیتهای سازمان‌جلب‌سیاحان ازهرحیث قابل تحسین‌است.

مقررات تازه بانك مرکزی

درنیمه اول مرداد ماه مقررات تازه بانك مرکزی برای واردات کالا انتشار یافت بموجب مقررات تازه سپرده نقدی ورود بعضی کالاها ازجمله آهن افزایش یافت. یك مقام از بانك مرکزی بدنبال انتشار مقررات تازه اعلام کرد با اجرای مقررات تازه ارزش واردات کشور درسال ساری درحدود ۱۰۰ تا ۲۰۰ میلیون دلار تقلیل می‌یابد. این مقام افزود چنانچه مقررات جدید وضع وبموقع اجراگذارده نمیشد ثبت وسفارش کالا مانند سه ماهه‌اول سال‌ادامه می‌یافت واردات کشور درسال جاری به ۱۰۰۰ میلیون دلار بالغ میشد.

واردات کشور در سه ماه اول سال‌افزایش بسیار سریعی‌حاصل کرده وبه۲۵۸/۵میلیون دلار «حدود ۲۰ میلیارددریال»رسید. ریز آمار واردات کشور در سه ماه اول جاری بشرح زیر بود:

مواد وارداتی	میلیون ریال	میلیون دلار
مواد حیوانی وجانوران زنده	۱۶۸٫۸	۲٫۲
موادگیاهی	۲۶۶٫۵	۳۴٫۵
مواد چربی ومشتقات آن	۲۶۳۴٫۲	۳۴٫۴
مواد شیمیایی وداروئی	۲۴۲۸٫۳	۳۱٫۷
پوست- چرم و مشتقات	۲۹٫۱	۰٫۴
کائوچو ومشتقات	۱۹۵٫۸	۲٫۶
چوب ومواد چوبی	۸۲٫۹	۱٫۱
کاغذ ومشتقات	۳۹۲٫۵	۵٫۱
پارچه وسایرمنسوجات	۱۸۴۵٫۹	۲۴٫۱
شیشه وشیشه آلات	۷۴٫۷	۱٫۰
انواع فلزات	۱۸۳۵٫۳	۲۴
وسایل حمل ونقل	۲۱۰۴	۲۷٫۵
وسایل علمی	۸۹	۱٫۵
سایر کالاها	۱۹۳۷٫۷	۲۵٫۳
جمع کل	۱۹۷۷۴٫۲	۲۵۸٫۵

مأخذ: بانك مرکزی ایران

مجلس شورای ملی کتابخانه

درتهیه آگهی ها وپرتازهای این شماره ازهمکاری آقای حسین سعیدی استفاده شده است.

حلب کوچولوی قو : در دو نوع

برنگ قرمز
با عطر و طعم طبیعی

برنگ طلائی
با عطر و طعم روغن کرمانشاهی



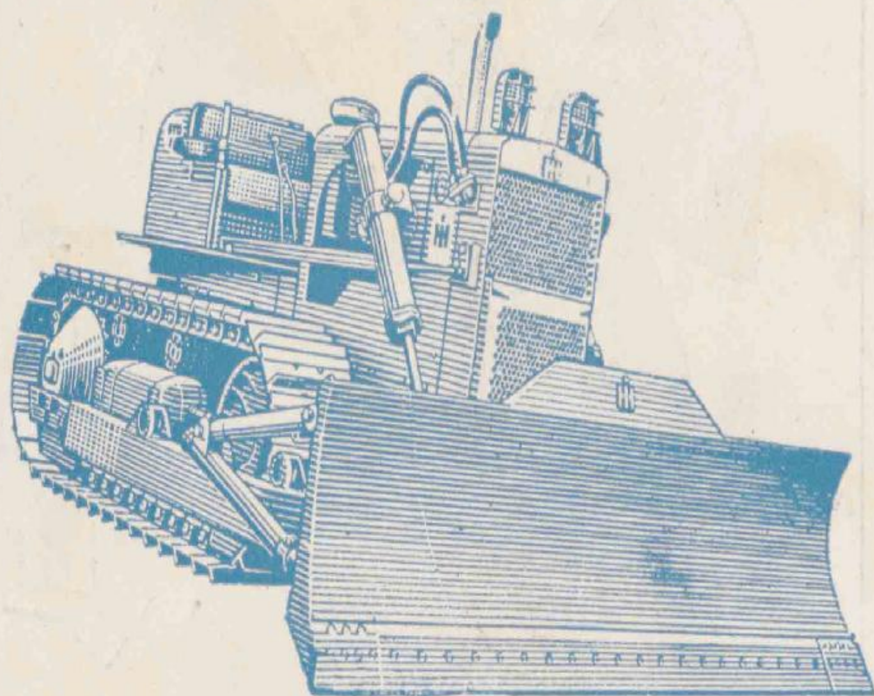
● بنابر استقبال کدبانوهای ایران، علاوه بر یك سری جواهر زمرد و برلیان بهارزش ۵۰۰ هزار ریال، یکصد انگشتری طلا نیز بدارندگان کارت قرعه کشی حلب کوچولوی قو تقدیم میشود.

● روغن نباتی قو در تمام اندازه‌ها، برنگ طلائی
با عطر و طعم روغن کرمانشاهی
روغن نباتی قو در تمام اندازه‌ها، برنگ قرمز
با عطر و طعم طبیعی
در سراسر کشور در دسترس شماست

دهم شهریور جوائز حلب کوچولوی قو قرعه کشی میشود



INTERNATIONAL - HARVESTER



BTD-20 BULLGRADER

بول گرادر - بی . تی . دی - ۲۰ بقدرت

۱۳۵ اسب دارای ریپر موجود در

شرکت سهامی پامیر

تهران خیابان ایرانشهر شماره ۲۲